

معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور  
دفتر تحقیق و توسعه  
با همکاری معاونت پیشگیری بهزیستی استان سمنان و موسسه آفاق دامغان

# مبانی مشارکت اجتماعی و اصول همکاری بین سازمان‌های اجتماع محور

کتابچه آموزش گیرندگان



نویسندگان :  
دکتر ابوالفضل وطن پرست  
دکتر پدرام موسوی شندی





طرح تدوین بسته آموزشی مبانی مشارکت اجتماعی و اصول شبکه  
سازی در سازمان های اجتماع محور فعال در حوزه ی پیشگیری از  
آسیب های اجتماعی، ارتقای سلامت روانی - اجتماعی

مجری : موسسه همراهان توسعه کیانا

به سفارش دفتر تحقیق و توسعه معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی  
کشور و با همکاری سازمان بهزیستی استان سمنان

صفحه آرا: حمیدرضا میرزاده

تصحیح: فرشته نقاش زاده (دفتر تحقیق و توسعه معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی)





# فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۸

## فصل صفر

شبکه‌های سازمانی به مثابه یک راهبرد برای توسعه مشارکتی..... ۱۸

## فصل اول

مبانی مشارکت اجتماعی..... ۲۴

مشارکت چیست؟..... ۲۸

فلسفه مشارکت..... ۳۱

زمینه‌های مشارکت..... ۳۵

اقتدار افزایی (Empowerment)..... ۳۹

## فصل دوم

طیف مشارکت و فعالیت‌های داوطلبانه..... ۴۴

سطوح مشارکت..... ۴۶

داوطلب کیست؟..... ۵۱

## فصل سوم

سازمان یابی اجتماعی..... ۵۸

شکل‌گیری گروه‌ها و ایجاد سازمان‌های اجتماع محور..... ۶۰

چرا مردم به گروه می‌پیوندند؟..... ۶۳

تحول گروه (Group Development)..... ۶۴

تعاریف و اصول اساسی..... ۶۷

سازمان یابی اجتماعی (Community Organizing)..... ۷۰

مراحل مهم سازمان یابی اجتماع محور..... ۷۲

## فصل چهارم

سازمان‌های جامعه مدنی..... ۷۶

نهادهای جامعه مدنی (CSO)..... ۷۸

موازن و ارزش‌های مشترک در سازمان‌های جامعه مدنی..... ۸۲

گونه‌شناسی سازمان‌های جامعه مدنی..... ۸۳

سازمان‌های اجتماع محور..... ۸۸

## فصل پنجم

- ۹۶..... سرمایه اجتماعی
- ۹۸..... کلیات و مفاهیم پایه در سرمایه اجتماعی

## فصل ششم

- ۱۱۴..... شبکه و اقدام‌های شبکه‌ای
- ۱۱۶..... کلیاتی درباره شبکه و اقدام‌های شبکه‌ای

## فصل هفتم

- ۱۲۸..... کارکردهای شبکه و ارتباط شبکه‌ای
- ۱۳۰..... کارکردهای شبکه و اصول ارتباط شبکه‌ای
- ۱۳۳..... ارتباط شبکه‌ای به مثابه یک فرایند
- ۱۴۰..... برخی سناریوهای شبکه‌سازی:

## فصل هشتم

- ۱۴۶..... پایش و پایداری شبکه‌ها
- ۱۴۸..... پایداری شبکه
- ۱۵۲..... منابع مورد استفاده و منابع برای مطالعه بیشتر

# پیشگفتار

## با پناه به پروردگار مردمان، فرمان فرمای آدمیان، پرستیده‌ی مردم

مطالعه در زندگی بشر نشان داده است که مهمترین موضوع در زندگی بشر اولیه بقا بوده است. به این معنی که پیشگیری از مردن و داشتن فرزندانی که او را در این امر یاری دهند، موجب فعالیت وی محسوب می‌شده است. به تدریج و با انباشت تجربه به صورت دانش بشری، امکان تسلط بیشتر بر طبیعت فراهم گردید و برای بشر «رهایی از رنج بیماری» نیز علاوه بر بقا و توالد و تناسل، هدف قرار گرفت. به این ترتیب به تدریج مفاهیم سلامت و در مقابل آن بیماری شکل گرفت. کاهش مرگ و میر و افزایش نفوس، افزایش سلامت و بالتیجه افزایش کیفیت زندگی» لزوم انتقال دانش به جوان ترها» تسلط بیشتر بر طبیعت (نظیر کشاورزی و دامداری) و ایجاد پایه‌های صنعت و تخصصی شدن امور، مجموعه‌ی دانش بشری را فراهم ساخت که میبایست برای استمرار و افزایش کیفیت مطلوب زندگی به جوانان آموزش داده شود. به این ترتیب روابط انسان‌ها به تدریج شکل پیچیده تری به خود گرفت. انسان‌ها علاوه روابط بین آنها و دانش، پایه‌های یک اجتماع محسوب می‌شدند (برخی معتقدند ابزار نیز باید به این مجموعه اضافه شود و بعد از آن عده‌ای قوانین را هم به آن اضافه کردند). آدمی توانست با ایجاد اجتماع شرایط رشد بیشتر خود را فراهم کند و بتدریج دسته‌های جدیدی از نیازها که مبانی اجتماعی داشتند ایجاد شد. منافع بیولوژیک افراد با منافع کلان اجتماعی گره خورد، به نحوی که عمل هر یک از افراد تقریباً می‌توانست روی کل اجتماع مؤثر باشد. قوانین مختلف که تعریف کننده روابط افراد بود، پیدا شد و نظم اجتماعی براساس قوانین شکل گرفت. (احترامی ۱۳۸۵).

در جایگاه بین رشته‌های جامعه‌شناسی و سیاست و اقتصاد سیاسی، مفهومی به نام «حوزه‌ی عمومی» مطرح می‌شود. جایگاه مشارکت را به شکل نوین می‌توان در این جا یافت.

در طول تاریخ به جز مقاطعی کوتاه و در برخی مناطق محدود، روابط افراد منطبق بر منزلت اجتماعی آنان بود که عمدتاً بر اساس قدرت حکومتی یا قدرت مالی شکل می‌گرفت. بعدها در برخی مذاهب نظیر آیین مسیحیت، روحانیون نیز در این میان قرار می‌گرفتند (البته در مورد تقدم و تاخر زمانی اختلاف‌هایی وجود دارد). آنچه تعیین کننده تصمیم‌گیری‌هایی برای کشور بود، انطباق قابل توجهی با این طبقه بندی داشت، به نحوی که برنامه ریزی برای تولید، توزیع و مصرف منابع و جهت‌گیری‌های فرهنگی متناسب با آن، بر اساس تامین منافع این گروه صورت می‌گرفت چرا که ساختار اجتماعی اقتدار زدایی را برای طبقات دیگر اجتماعی رقم زده بود و توانایی ایشان در حوزه‌ی (معمولاً ارثی) شغل ایشان بود و پرداختن به امور اولیه‌ی زندگی، مصائب و سختی‌های پذیرش



مفاهیمی از قبیل سرنوشت و اقبال مورد تایید تصمیم گیران بود. به این ترتیب رابطه‌ی تنظیم شده‌ای بین طبقات اجتماع وجود داشت، که تخطی از آن مستلزم پذیرش مصائب جدیدی بود.

اما به تدریج و با ایجاد زمینه برای پرسشگری در مورد این نظام، مسیرهای مختلفی برای افزایش امکان مداخله‌ی مردم در آن فراهم شد؛

- انباشت دانش بشر در زمینه‌ی تولید و بنابراین ذخیره‌ی زمان برای پرسشگری و نوآوری

- انباشت دانش بشر و پیشرفت صنعت و پیداشدن طبقه‌ی جدید صنعتگران مستقل از زمین

- گردهم آیی مردم در اطراف مراکز قدرت (مالی) که بسیاری از مواقع با مراکز تجاری قرین بود و شهرنشینی با نیازهای خود

- گسترش ادبیات و هنر و تعهد آنان برای ایجاد زاویه‌ی جدیدی از آنچه هست، و آنچه نیست و تبیین احساس شناختی و زیبا شناختی از بشر به عنوان بشر

- و در پی یا موازی با این همه پرسشگری در مورد لزوم چرخش قدرت در خارج از دست مردم.

ایجاد مذاهب جدید در اروپا، تقویت فعالیت‌های تشیع در خاور میانه، گذر از جنگ‌های صلیبی و مرور مکرر خاطرات تلخ آن و نیز ارائه‌ی تصویری از ظرفیت بالقوه‌ی زندگی بهتر بشر توسط دانشمندان، شهرنشینان، صنعتگران، هنرمندان، مذهب باوران جدید و، فلاسفه موقعیت و شرایط تحولی شگرفی را فراهم ساخت. بنابراین خواهندگی برای برابری، آزادی و مداخله‌گری در جمعیت عمومی گسترش یافت. جابجایی قدرت در حال اتفاق افتادن بود، هنگامی که مردم و دسته‌هایی و افرادی از صاحبان قدرت جایی برای گفتگو در مورد تعریف موقعیت (ائم از فرصت‌ها و مخاطرات)، و جرات معرفی راه حل‌ها (تصویر موقعیت جدید از مسیر مشخص) را یافتند، و این‌ها یعنی مذاکرات سیاسی عموم مردم در زندگی روز مره‌ی خود.

به نظر هابر ماس کشف این نکته [نوع کارکردهای سیاسی حوزه‌ی عمومی] فقط هنگامی امکان پذیر است که به تحلیل «دوره‌ی خاصی» در تاریخ تکامل جامعه مدنی بپردازیم، یعنی دوره‌ای که طی آن «مبادله‌ی کالا» و «کار اجتماعی» کاملاً از سیطره‌ی دولت آزاد شد. آزادی این دو عرصه در فضایی سیاسی صورت گرفت که حوزه‌ی عمومی در آن نقش محوری داشت و... بر پارلمان و قانون مبتنی بود.

بدین ترتیب جامعه‌ی مدنی به منزلتی قانونی دست یافت که در خدمت باز تولید جامعه‌ی مدنی بود (جامعه‌ای که دولت بر مبنای نیازهای آن پی‌ریزی می‌شد) (هابر ماس صفحه‌ی ۱۳۳ - دگرگونی ساختاری حوزه‌ی عمومی - کاوشی در باب جامعه بورژوازی - ترجمه جمال محمدی - ۱۳۸۴ - چاپ افکار)

این مذاکرات و به دنبال آن هم سویی‌ها، در فضاهای فیزیکی اتفاق می‌افتاد که مردم در آن فرصت و اجازه‌ی مذاکره داشتند، در اروپا در محل‌های ویژه و در شرق نیز محل‌های خاص خود. گویا می‌توان تصویری مبهم از نوعی تشکل برای مذاکره و براساس آزادی بیان و خرد را ملاحظه نمود. یک بخش باقی می‌ماند، «منافع سایرین» در این میان قانون و مطبوعات نقش محوری برای تضمین منافع دیگران را بر عهده داشتند تا به تدریج فرهنگ عمومی مردم که در آن جامعه‌ی باز (به اصطلاح پوپر) می‌توانست از خود محافظت کند شکل گرفت.

دانش فراهم شده‌ی بشر به صورت تجربه‌ی علمی نظیر کشاورزی، دامداری، تربیت و طب بخشی از آن ملزوماتی بود که انسان‌ها برای رفاه بیشتر به آن نیازمند بودند، علوم فلسفی و ریاضیات نیز به تدریج در دفاتری گرد آمد و البته علوم روابط اجتماعی و روابط انسان با خویش و جهان (ادیان) نیز سامان یافته بود.

بخش دیگری از علوم که مربوط به بازرگانی و تجارت و قواعد و اخبار مرتبط با آن بود از هزاران سال پیش در کتیبه‌هایی نگاشته شده بود و در سده‌های اخیر با پیشرفت‌هایی که در قبل بیان شد و نضج آنچه «آزادی و توان انسان‌ها برای مصرف»، و «انتخاب برای مصرف» نامیده می‌شد، تکامل یافت. «خبر» ارزش زیادی پیدا کرد چرا که تحصیل سود در داشتن اطلاعات بود (که هم اکنون نیز در اصطلاحات رایج است). به این ترتیب نقش خبر گسترش یافت و آنچه اقتصاد و تجارت بود به سرعت خود را به اقتصاد سیاسی و سیاست کشاند. بنابر این به جز شیوه‌ای که در قبل بیان شد، به این روش نیز مردم و طبقه‌ی تازه شکل گرفته که مستقل از حکومت بودند، از طریق موضوعی آشکار (مثلاً روزنامه‌های اقتصادی - سیاسی و اقتصاد سیاسی) جای خود را در توزیع قدرت که خود را در توانایی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نشان می‌داد باز کردند.

نمونه‌ای از آنچه در طول تاریخ اندیشه می‌شد و روابط افراد را به گونه‌ای ویژه تعریف می‌کرد را در کلام افلاطون می‌بینیم، چیزی که به تدریج در حال تغییر بود:

«بزرگترین اصل این است که هیچکس، چه مرد و چه زن، بدون رهبر نباشد. یا ذهن کسی بدین خوی نگیرد که، خواه به انگیزه‌ی حمیت و غیرت و خواه از سر شوخی و بازی، بگذارد شخص به کاری به ابتکار خود دست بزند. بلکه در جنگ و در صلح مکلف است چشم به رهبر خود داشته باشد، و با وفاداری از او پیروی کند. و حتی در کوچکترین امور نیز تحت رهبری او باشد. فی المثل، تنها بشرطی باید برخیزد یا بجنبد یا شستشو کند یا غذا بخورد که به او گفته شده باشد که چنین کند. در یک کلمه، باید به عادت طولانی، نفس خویش را چنین آموزش دهد که هرگز در خواب هم نبیند که مستقل عمل کند و از بیخ و بن از انجام چنین چیزی ناتوان شود. (افلاطون آتنی؛ به نقل از پوپر، ترجمه‌ی فولادوند، ۱۳۷۷) اساساً افلاطون معتقد بود که باید فرزندانگان رهبری کنند و دیگران پیروی»

به این ترتیب با گرد آمدن شرایط جدید، یعنی طبقه‌ی صاحب درآمد، آزاد شدن گفتگو،

ونقش خبر در زندگی روزانه‌ی مردم (غیر اشراف و حکومتیان و روحانیون و دانشمندان)، چیزی به نام «افکار عمومی» شکل گرفت که پایه‌ای تئوریک برای گسترش نظارت بر رفتار حکومت ایجاد شد به ویژه در اموری که مربوط به رفاه اجتماعی می‌گردید. در این میان می‌توان نظریه‌ای را مطرح کرد به این ترتیب که احتمالاً با گسترش گونه‌گونی کالاها که از طریق آزادی تجارت تسهیل شده بود و آزادی انتخاب افراد، به تدریج نیاز به کالاهای جدید، مساله‌ی قدرت گرفتن «تولید» به جای «تجارت» موضوع مهمی را در پیش‌روی روابط حکومت و نهادهای عمومی قرار داد که هابر ماس آن را زمینه‌ی انقلاب معرفی می‌کند. به این ترتیب آنچه حاصل شد، چرخش سرمایه (به عنوان ابزار قدرت) از سایر امور (و از جمله حکومت و روحانیت مرتبط با آن) به سمت تولید (کالاهای صنعتی و مصرفی) و به طبع آن گسترش کار اجتماعی و تغییر در عرصه‌ی روابط جهانی گردید.

آنچه به بحث ما ربط پیدا می‌کند، آزادی افراد برای انتخاب کالا و فشار بی‌امان سیستم‌های تازه شکل گرفته برای تقویت این آزادی بود. آزادی فردی برای شناخت شرایط زیست با رفاه بیشتر و انتخاب مسیر دست‌یابی به این شرایط به تقویت زمینه‌ی ایجاد تشکلهای اجتماعی انجامید که این بار به جای صرفاً سندیکاهای صنفی با زاویه‌ای دیگر به مساله‌ی تشکلهانگه شدن و آن «آزادی انتخاب افراد» که در آن «ارزش‌های فردی و اجتماعی» قوت می‌گرفت، بود. تشکلهایی که بخش مهمی از دستور عمل خود را حفظ این آزادی قرار داده بودند برای آن که بتوانند در روابط قدرت مداخله کنند، تا قادر باشند آنچه را خود می‌پسندند، بدست آورند و این پایه‌ای برای تولد تشکلهایی شد که در یک طیف گسترده قرار داشتند.

این تشکلهای به شیوه‌های مختلف خود را به مردم و حکومت‌ها عرضه داشتند و به تدریج قدرت بسیار زیادی کسب کردند به نحوی که حتی در پزشکی در اواخر قرن بیستم، مداخله در سرنوشت و محله‌ی زندگی، بخشی از سلامت تلقی می‌شد.

از اواخر دهه ۱۹۷۰ بود که پژوهشگران به بررسی رابطه بین میزان سلامتی و پیوندهای اجتماعی پرداختند و تحقیقات نشان می‌داد که افراد با شبکه‌های اجتماعی قوی، نرخ مرگ و میر نصف و یا یک سوم افراد با شبکه‌های اجتماعی ضعیف دارند (Whitehead and Diderichsen) (به نقل از محمدی ۱۳۸۴ صفحه ۱۵۰-)

پاتنام معتقد است که همبستگی روشن و مثبت بین متغیرهای سلامت و سرمایه‌ی اجتماعی، همچنین رابطه‌ی قوی و منفی بین شاخص سرمایه اجتماعی و نرخ مرگ و میر وجود دارد (پاتنام ۲۰۰۰ - صفحه ۳۲۸-۳۱ به نقل از محمدی)

در سنجش سرمایه‌ی اجتماعی ما با سه مساله اصلی روبرو هستیم: (۱) چالش‌های روان شناختی سنجش سرمایه اجتماعی (۲) مشکلات توضیح و تفسیر تغییرات در سیر زمان (۳) مشکل ربط داده‌ها از سطوح افراد به سطوح اجتماعی

اقتدارافزایی که امروزه به عنوان راهبرد اصلی سازمان‌های توسعه‌ای و رفاهی مورد وثوق است، جریانی از درون یک اجتماع کوچک بوده، تعمداً صورت می‌گیرد و شامل چهار جزء است ۱) احترام و توجه متقابل افراد اجتماع ۲) باز خورد دادن نقادانه توسط افراد اجتماع و سایر ذینفعان ۳) حمایت و مراقبت افراد و اجتماع از یکدیگر و ۴) مشارکت در قالب گروه. بانک جهانی عناصر اصلی اقتدار را دستیابی به اطلاعات، دخالت دادن/ مشارکت کردن، مسئولیت‌پذیری و، ظرفیت سازمان اجتماع کوچک می‌داند.

یکی از مفاهیمی که برای اقتدارافزایی مورد توجه قرار گرفته و چهارچوبی برای سامان دادن به اندازه‌گیری آن تلقی می‌شود، آن چیزی است که نارایان در کتابی که توسط آکسفورد منتشر شده و مورد پذیرش بانک جهانی است، مطرح می‌کند؛

«اقتدارافزایی گسترش داشته‌ها (assets) و توانایی‌ها (capabilities) مردمان فقیر است برای مشارکت در، مذاکره با، کنترل و پاسخگو ساختن مؤسساتی که بر زندگی آنان تاثیر می‌گذارد (نارایان-۲۰۰۴)» و در آن رابطه‌ی بین این دو یعنی ساختار و مردم را به عنوان موضوعی برای تبیین نتایج توسعه‌ای مطرح می‌کند. این ساختار در دو حوزه‌ی وضعیت مؤسسه‌ای و ساختارهای اجتماعی و سیاسی بوده، در بخش مردمی به داشته‌ها و توانایی‌های فردی و جمعی نظر دارد.

با مروری بر آنچه در جهان و به صورت تئوریک و تا حدودی اجرایی در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه صورت گرفت، پی می‌بریم امروزه مردم سالاری منطبق با ارزش‌های اجتماعی یک جامعه مسیری است که راه منطقی خود را گشوده است و مطالعات متعدد نشان می‌دهد که با تقویت آن، به اهداف اصلی جامعه بیشتر نزدیک می‌شویم، اهدافی از قبیل؛

- احساس رضایت بیشتر از زندگی
- توسعه و رفاه اجتماعی بیشتر
- کاهش آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی
- پیشگیری از جنگ و نبردهای قومی
- پیروی از اصول انسانی که در آن منافع من و دیگران در هم تنیده است
- گسترش زندگی معنوی در انسان‌ها

فرایند دائمی دستیابی به هدف «افزایش توان ذی‌نفعان یک جامعه» بر پایه‌ی منابع علمی و دینی، اعتقاد بر مفهومی به نام «خرد جمعی» است که زیر ساخت آن باور به «هوشمندی انسان به ماهوه انسان» و «اختیار آدمی برای اختیار کردن آنچه به نفع اوست»، خواهد بود. در این میان ابزارهایی لازم است نظیر تشکل، قانون، مذاکره و اطلاع‌رسانی.

ایجاد شبکه‌هایی بین گروه‌های اجتماعی، مجموعه‌ی اقداماتی است که در قالب قوانین و ارزش‌های جاری یک کشور، شرایطی را فراهم می‌سازد تا تولید و توزیع اطلاعات تقویت شود، عموم افراد به این اطلاعات دست پیدا کنند و با توجه به درک این موضوع

که سرنوشت جامعه آن چیزی است که اینان خود در آن مؤثر بوده، برای ارتقای سلامت جامعه از طریق کمک به این شبکه تلاش خواهند کرد.

در عین حال شبکه‌ها به مقتدر شدن اعضای خود، توانایی شناسایی منافع فردی، گروهی و ملی خود و راه‌های حصول این منافع در قالب قوانین و قواعد، کمک خواهند کرد.

بنابر آنچه گفته شد، مفهوم فعالیت داوطلبانه موضوعی مدرن است که تولد آن مربوط به حقوق شهروندی است در عین حال هم مفهوم مشارکت و هم مفهوم کار برای خیر عمومی در طول تاریخ و بویژه با بنیان‌های مذهبی، به صورت مستقل دیده می‌شود. به نظر می‌رسد مذاهبی که ظرفیت روزآمد شدن از یک سو و پاسخ‌گویی به شرایط و نیازهای جدید را از سوی دیگر دارند، قدرت زیادی در تامین آزادی‌خواهی بشر و در عین حال رفاه اجتماعی او را در کنار مسئولیت دادن به همه‌ی افراد برای اجرای اراده‌ی الهی دارند.

البته این نگاهی برون دینی است اما پیشنهاد می‌شود در منابع خاص به تفسیر و تبیین این موضوع پرداخته شود. در این میان دین مبین اسلام خیر را در جماعت، تقوی و نظم مطرح می‌کند و سفارش به توجه به منافع عموم مردم و دوستی با آنان می‌نماید

امام صادق (ع) فرموده‌اند: در دنیا دوستان زیاد به دست آورید چه آنها در دنیا و آخرت سود می‌رسانند اما در دنیا نیازهایی را رفع می‌کنند، و در آخرت دوزخیان می‌گویند:

فمالنا من شافعين ولا صديق حميم

امام کاظم (ع) فرموده‌اند: برترین خصلت‌ها و گرمی‌ترین آنها بجا آوردن کار نیک، فریادرسی غمزدگان، تحقق دادن آرزوی آرزومندان، راست گردانیدن گمان امیدواران، و در زندگی افزودن دوستان است.

## در باره‌ی این کتاب

آنچه در کتاب حاضر که جزئی از مجموعه‌ی اقدامات دفتر تحقیق و توسعه معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور است با این امید فراهم شده تا به کمک آن تلاشی برای افزایش نقش مردم در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و معلولیت‌ها و ارتقای سلامت جسمانی- روانی- اجتماعی و معنوی آنان باشد.

این کتاب برای کسانی آماده شده است که به صورت تخصصی در حوزه‌ی اجتماعی سلامت یا کار با اجتماعات کوچک را برگزیده‌اند. البته مطالعه‌ی آن برای دوستانی که علاقه مند به این حوزه و بویژه نقش مشارکت و شبکه‌های سازمان‌های اجتماع محور (سام) در مقابله با آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی و نیز ارتقای سلامت هستند نیز کاملاً مفید به نظر می‌رسد.

تلاش شده است کتاب به نحوی طراحی گردد تا با مطالعه‌ی آن، کارشناسان قادر باشند مطالب موجود را به داوطلبان و ذینفعان اجتماعات کوچک بیاموزند. به این منظور فرایند طولانی طی شده است که ذکر چکیده‌ای از آن به برقراری ارتباط بیشتر با کتاب کمک

خواهد کرد.

در سال ۱۳۸۳ یعنی دو سال پس از آن که دفتر پیشگیری و امور اعتیاد سازمان بهزیستی کشور، رویکرد اجتماع محور را به منظور پیشگیری از اعتیاد مد نظر قرارداد و پس از آن که حدود هشت سال از طراحی و اجرای برنامه‌های محله‌ای با عنوان «همیاران سلامت روانی اجتماعی» در دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی گذاشته و سازمان غیر دولتی‌ای در همین مسیر ثبت شده بود و سال‌ها پس از اجرای برنامه «بازتوانی مبتنی بر جامعه» (CBR) در سازمان بهزیستی و...، پیشنهاد تشکیل شبکه‌ای از سام هادر یک کارگاه که با عنوان اقتدارافزایی برگزار شده بود، مطرح گردید. در آن زمان کارشناسان شرکت کننده در کارگاه با ایجاد این شبکه به دلیل عدم آمادگی گروه هدف موافقت نکردند. دو سال بعد، دفتر پیشگیری و امور اعتیاد با ابلاغ بخشنامه‌ای به استان‌ها، حمایت سازمانی خود را از پدیده‌ای که به نظر می‌رسید آمادگی اولیه برای آن وجود دارد را آغاز کرد. به این ترتیب که از واحدهای استانی سازمان خواست تا ترتیبی اتخاذ نمایند که طی آن نمایندگان سام‌های شهرستان و استان به صورت «شورای سازمان‌های اجتماع محور شهرستان و استان» ساختاری اولیه برای شبکه سازی را ایجاد نمایند. همچنین از ایشان خواسته شده بود تا از بین اعضای شورای استانی، متناسب با جمعیت استان، افرادی را به عنوان نماینده‌ی شبکه‌ی سام‌های استان از طریق رای‌گیری در شبکه معرفی کنند. بر این اساس ۱۰۲ نفر که به عنوان نمایندگان کشوری برگزیده شده بودند، در کارگاه آموزشی در اصفهان گرد هم آمدند و طی چند مرحله پس از آن، اساسنامه‌ای را تنظیم کردند که در حال ثبت است.

دفتر تحقیق و توسعه معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور، چهار موضوع محتوایی و دو موضوع ساختاری را برای تقویت این مجموعه صورت داد که از نظر منطقی، موجه می‌نمود؛

- ابتدا آموزش گسترده و اجرای مفصل برنامه‌ی «نیازسنجی اجتماع محور» را فراهم ساخت تا در طی آن ذی‌نفعان و مسئولان به نیم رخ اجتماعات کوچک، داشته‌ها و نیازهای اجتماعات پی ببرند و در عین حال اعضای سام مهارت این امر را به دست آورند.
- در بخش دوم برنامه‌ی گسترده‌ای از «پروژه نویسی» در ۱۰۰۰ محله با آموزش گسترده‌ی اعضای سام صورت داد که در طی آن ضمن فرا گرفتن مهارت تبدیل نیاز و تقاضا به برنامه‌ی اجرایی، دستگاه‌های حامی و مسئول را نیز بشناسند.
- در بخش سوم محتوایی نزدیک به چهل کارگاه آشنایی با اصول مشارکت و شبکه سازی در کشور برای کارشناسان معاونت پیشگیری و اعضای سام گذاشته شد و کتاب حاضر، بخش نظری آن است که برای کارشناسان فراهم

شده است. اعتقاد بر این است که با مطالعه‌ی این کتاب و شرکت در کارگاه‌ها، همراه کار عملی که خود سام‌ها برای تشکیل سام فراهم کرده بودند، سازمان به عنوان ابزاری برای اقتدارافزایی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

- در بخش چهارم محتوایی کتابی در حال فراهم شدن است با عنوان «مدیریت سازمان‌های اجتماع محور» که در آن تمامی مراحل اجرایی و قانونی مورد بحث قرار خواهد گرفت، کتابی است برای اعضای سام با هدف تقویت رهبری این سازمان‌ها که همراه شصت کارگاه برای تمام اعضای سام و مسئولان واحدهای تحقیق و توسعه‌ی استان‌ها در سال ۱۳۸۸ فراهم می‌شود.
- در بخش ساختاری نیز دو اقدام صورت گرفته است یکی تلاش برای حمایت از سام‌های مستقل و ثبت آن‌ها و دیگری حمایت جدی از ایجاد تشکل که در پیش ذکر گردید.

در پایان لازم است از حمایت بی دریغ معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور جناب آقای دکتر نفریه، همکاران عزیزم در دفتر تحقیق و توسعه‌ی معاونت، مدیران استانی و معاونان پیشگیری و کارشناسان مسؤل تحقیق و توسعه‌ی استان‌ها و بخصوص مسؤلان سازمان و کارشناسان سر اقلیم تحقیق و توسعه (استان خراسان رضوی- استان لرستان- استان تهران- استان کردستان- استان گیلان - استان بوشهر)، اعضا و نمایندگان سام‌های کشوری که به جد زحمت زیادی برای اجرای این مجموعه متقبل شده‌اند و به صورت ویژه از مؤسسه‌ی توسعه‌ی کیانا، جناب آقای دکتر پدرام موسوی و جناب آقای دکتر ابو الفضل وطن پرست تشکر می‌کنم.

امید است چراغی برای راهی به سوی نیک بختی مردمان فراهم کرده باشیم.

**دست در دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد**

دکتر مهرداد احترامی

سرپرست دفتر تحقیق و توسعه

معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور

آذر ۱۳۸۸









## فصل صفر

# شبکه‌های سازمانی به مثابه یک راهبرد برای توسعه مشارکتی

اندیشه غالب در سیاست گذاری‌های اجتماعی تازه ایجاد ساختارهایی مناسب برای گسترش و تعمیق روابط بین شهروندان و ارتقاء سطح مشارکت تک تک افراد اجتماع می‌باشد. مدل‌های مشارکتی روز به روز ارزش‌های منحصر به فرد خود را در تسریع فرایندهای توسعه نشان می‌دهند و گذر زمان حکایت از برتری این برنامه‌ها بر سایر مدل‌های توسعه می‌کند. نظریه پردازان این حوزه بیش از هر چیز بر ساختارهای مشارکتی تاکید ورزیده‌اند. این ساختارها که در اشکال گوناگون سازمان‌های جامعه مدنی نمود می‌یابند به تدریج به شاخص‌هایی برای ارزیابی میزان توسعه یافتگی جوامع و درصد مشارکت مردم بدل گشته‌اند. از عمده‌ترین نهادهایی که در این بین می‌توان به آن‌ها اشاره کرد سازمان‌های اجتماع محور (Community Based Organizations) و سازمان‌های غیردولتی (Non Governmental Organizations) می‌باشند. پرسش‌های فراوانی در باره کارکرد این سازمان‌های اجتماعی مطرح شده است تا بدانجا که برخی از منتقدین و کنکاشگران تاکید بر گسترش کمی این نهادها را به عنوان یک شاخص مناسب برای ارزیابی روندهای توسعه - به ویژه در کشورهای در حال توسعه - به چالش گرفته اند (تاجبخش ۱۳۸۵ ص ۱۹)

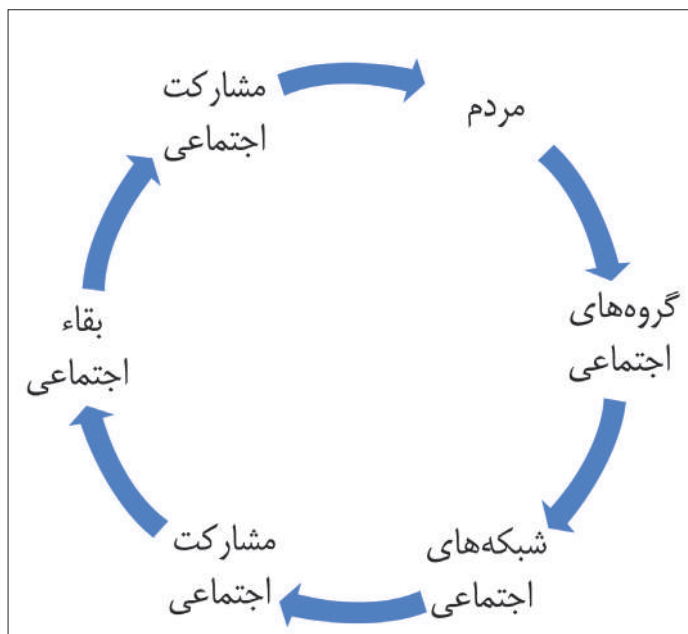
در تبیین این چالش‌ها مفاهیم تازه تری از جمله سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی به عرصه بحث‌های نظری وارد می‌شود. بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی محصول انباشت سرمایه اجتماعی در یک جامعه است و با سازو کارهایی برخاسته از درون ساختارها و سازمان‌های اجتماعی به بازتولید این سرمایه یاری می‌رساند.

به اعتقاد اکثر صاحب نظران این حوزه «در شرایطی که سرمایه اجتماعی



یعنی توانایی استفاده جمعی و توأم با همکاری از منابع برای وظایف عمومی وجود نداشته باشد بعید است که تنها تامین سرمایه مالی و افزایش سرمایه انسانی (از طریق آموزش) بتواند به نتایج مثبتی همچون رشد اقتصادی و کاهش فقر مشارکت بیش تر و پاسخگویی نهادهای عمومی منجر شود» (تاجبخش ۱۳۸۵ ص ۱۰) علت تاکید فراوان بر مفهوم سرمایه اجتماعی در مباحث مربوط به مشارکت اجتماعی نتایج یافته های متعددی است که حکایت از تاثیر مهم تر این نوع سرمایه - نسبت به سایر اشکال سرمایه - در تحرک بخشیدن به کلیه فعالیت های اجتماعی دارد. فعالیت هایی که از حوزه خانواده و تربیت فرزندان آغاز می شود و تا پیچیده ترین (مهمترین) اشکال مشارکت سیاسی (یعنی مشارکت در تعیین سرنوشت کشور خود) امتداد می یابد.

آنچه بدیهی به نظر می رسد ربط بین مفهوم مشارکت اجتماعی و تشکیل گروه های اجتماعی است. مفهوم کلیدی که در فصل های آتی این کتاب به آن پرداخته خواهد شد بر حول این موضوع متمرکز خواهد بود که هر شکلی از حضور مردم در عرصه های اجتماعی مساوی با مشارکت اجتماعی به مفهوم تازه و نوآورانه آن که متناسب با پیشرفت های بشر معاصر باشد ، نیست به همین دلیل در بخشی مجزا به تبیین کارکرد مشارکت در جوامع مدرن خواهیم پرداخت . اما به طور خلاصه باید اشاره کرد که سامان یافتگی روابط بین مردم در قالب سازمان های اجتماعی (سازمان یابی اجتماعی) شکل توسعه یافته از انباشت سرمایه اجتماعی در جوامع است که منجر به تشکیل گروه هایی هدفمند و با برنامه می شود و گرنه فعالیت پراکنده و بی سامان مردم به شکل منفرد و یا در چارچوب های سنتی قبیله و خویشاوندی ، پایین ترین چیزی است که ما از آن به عنوان مشارکت اجتماعی یاد می کنیم. به این مناسبت حرکت های توده وار و بی شکل و رفتارهای منفرد - بدون آنکه انگیزه خیر عمومی در آنها لحاظ شده باشد (یا نه)، اشکال بسیاری ابتدایی



مشارکت اجتماعی هستند که بعید است به کار توسعه جوامع بیايد. (همین مفاهیم در حوزه ی مورد توجه ما یعنی پیشگیری از آسیب ها و ارتقای سلامت نیز کاملاً مورد استفاده است) پرسش مهم بعدی این است که اگر بپذیریم رفتارهای انفرادی قادر نخواهند بود به انباشت



سرمایه اجتماعی و به تبع آن افزایش مشارکت اجتماعی کمک کنند آیا پذیرفتنی است که رفتار مستقل گروه های اجتماعی را نماد مشارکت حداکثری در جوامع بدانیم؟ مقصود این است که برآیند کلی مشارکت اجتماعی در جوامعی که سازمان های اجتماعی بدون همکاری با یکدیگر در حال فعالیتند چگونه خواهد بود؟ این پرسش ما را به سمت بحث در باره شبکه های اجتماعی

و از آن مهم تر شبکه سازمان های اجتماعی رهنمون می شود. در چند فصل این کتاب به طور مفصل در باره اهمیت تشکیل شبکه ها در تقویت مشارکت اجتماعی و انباشت سرمایه اجتماعی صحبت خواهیم کرد اما ادعای اصلی در این مباحث آن است که در اکثر مواقع وجود تعداد زیاد سازمان های اجتماعی از جمله سازمان های اجتماع محور به معنای وجود سرمایه اجتماعی بالا و افزایش مشارکت اجتماعی نیست سهل است در بسیاری موارد فعالیت جزیره ای و ناهماهنگی این سازمان ها موجب کاهش سرمایه اجتماعی شده و لطمه به فرایندهای مشارکتی خواهد زد از سوی دیگر برخی از صاحب نظران این حوزه معتقدند که «تاکید بر تعداد انجمن های مدنی غیر دولتی به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی (که بیش از هر چیز با رویکرد پاتنام ارتباط دارد) در کشورهای در حال توسعه که دارای جامعه مدنی ضعیف هستند و اکثر انجمن ها به شدت به دولت متکی هستند یا در واقع تحت نظارت دولت عمل می کنند گمراه کننده است. کرشنا پیشنهاد می کند که به جای این شیوه باید با تاکید بر شبکه ها و هنجارهای غیر رسمی جامعه به اندازه گیری سرمایه اجتماعی بپردازیم (تاجبخش ۱۳۸۵ ص ۱۹)

اگر بخواهیم به شکلی موجز تاثیر شبکه ها را بر فرایند مشارکت و توسعه اجتماعی بیان کنیم باید بگوییم در یک برآیند کلی شبکه های اجتماعی با افزایش کارکرد گروه های اجتماعی و بالا بردن ضریب نفوذ آنها، موجب پایداری این گروه ها و در نهایت بقا نهاد های اجتماعی و حرکت اجتماع خواهند شد.

در فصل های پیش رو ابتدا مروری بر مبانی مشارکت اجتماعی خواهیم کرد. در این مباحث این هدف را دنبال می کنیم که نشان دهیم چه عوامل موجب ترغیب مردم به شرکت در اتفاقات اجتماعی که در آن زندگی می کنند خواهد شد و چگونه از درون این تمایل به مشارکت گروه های اجتماعی با شکل و شمایل مدرن آن بیرون می آیند.

در فصل های بعدی نگاهی به چند و چون شکل گیری گروه ها و تحول آنها خواهیم انداخت تا مسیر شکل گیری گروه های اجتماعی را ردیابی کنیم و سپس گریزی کوتاه به بحث های

سازمان یابی در این گروه ها خواهیم زد. هدف از این بحث بیشتر شنیده شدن عنوان برخی واژه ها از قبیل سازمان و سازمان یابی است ، تا خواننده به این وقوف برسد که زمانی که از سازمان های اجتماع محور و یا شبکه ها صحبت می کنیم رویکردی سامان یافته و منظم را مد نظر داریم.

و در نهایت به موضوع شبکه ها و تاثیر آن ها بر عملکرد گروه ها و نهادهای اجتماعی خواهیم پرداخت. در این فصل ها رویکرد ما بیشتر آشنایی خواننده با تعاریفی عملیاتی است تا در شکل گیری و حرکت این نهادهای اجتماعی کمک کننده باشد.







## فصل اول

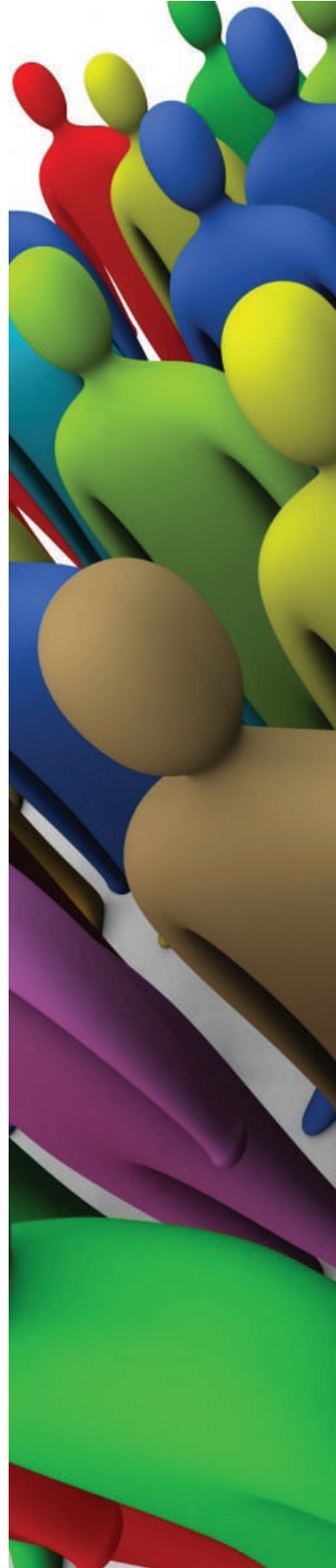
# مبانی مشارکت اجتماعی

### چکیده و نکات اساسی

الگوی مشارکتی مبنای فعالیت‌های نهادهای جامعه مدنی است. مفهوم مشارکت در فضاهای سنتی و مدرن (یا به عبارتی دیگر گذشته گرا و امروزی) تفاوت اساسی با یکدیگر دارند. در تعریف مدرن این واژه اشاره به نوعی کنش اجتماعی داوطلبانه، هدفمند و آگاهانه دارد، که هدف نهایی آن ارج نهادن به حرمت فردی و اجتماعی انسان است. (مفهومی که حاصل تجربه فکری و عملی همه جوامع انسانی است) مشارکت در جامعه مدنی موجب سهیم شدن مردم در قدرت و تصمیم‌گیری‌هایی می‌شود که به سرنوشت آنان بستگی دارد و باعث راه یافتن مردم به فرایند نظارت بر سرنوشت خویش می‌شود و فرصت‌های پیشرفت را به ویژه در اختیار بخش‌های فرو دست اجتماع قرار می‌دهد. زیر بنای فلسفی اعتقاد به مشارکت دو وجه عمده دارد: اول اعتقاد جدی به این که مردم به مثابه مردم می‌توانند و حق دارند که در سرنوشت خود مداخله کنند و دوم این که براساس بررسی‌های دقیق این موضوع به اثبات رسیده که نتایج حاصل از روش‌های مشارکتی در دراز مدت تأثیرات نهفته و پایدار تری بر زندگی مردم داشته و شیوه مطلوب تری برای اداره کشورها و جوامع است.

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد مشارکت در جوامع ایجاد آگاهی عمومی در مردم درباره نحوه مشارکت و موضوعات مبتلا به آن هاست عوامل دیگر زمینه ساز مشارکت شامل: درک نیازهای اجتماعی توسط مردم و تبدیل آن به مطالبات اجتماعی، سازماندهی مناسب و ایجاد نهادهای مناسب برای مشارکت مردم، حمایت‌های حقوقی و اداری از مشارکت مردم توسط دولت‌ها و نیز ایجاد اعتماد عمومی و پذیرش مردم به عنوان مشارکت کنندگان می‌باشد.

توانمند شدن مردم در جریان مشارکت اجتماعی یک هدف راهبردی





است. این اصل به ویژه در فعالیت‌های اجتماع محور از اهمیت بالایی برخوردار است. مردم در یک اجتماع کوچک گرد هم می‌آیند تا به حل مشکلی بپردازند اما هدف غایی در این فعالیت‌ها احساس اقتداری است که در مشارکت کنندگان ایجاد می‌شود. اقتدار افزایی (یا توانمند سازی) به طور خلاصه فرایند شناسایی و به فعل رساندن توانایی‌هایی است که مردم به طور بالقوه دارای آن هستند. بنابر این نخستین و مهم ترین گام در توانمند سازی شناسایی توانایی‌های مردم (ذی نفعان) است.

### اهداف این فصل :

هدف از باز خوانی مفاهیم گفته شده در این فصل، توانایی پاسخ دادن به این پرسش‌هاست:

- ❖ مشارکت در جوامع تازه چه معنایی دارد؟
- ❖ زمینه‌های مشارکت مردم در فرایندهای اجتماعی کدام است؟
- ❖ چرا مردم قدرت خود را برای مشارکت از دست می‌دهند؟
- ❖ توانمند سازی یعنی چه و چه اجزایی دارد؟

## مقدمه

در ادبیات رسانه‌ای از واژه مشارکت (Participation) و واژه‌های هم خانواده یا هم ریشه آن بسیار استفاده می‌شود. احتمالاً بخشی از آن، به مرسوم شدن گاه به گاه واژه‌ای و یا موضوعی در یک زمان و مکان و فراموشی آن در زمان بعدی باز می‌گردد، اما بی شک این رواج گسترده از یک نیاز فردی و اجتماعی در بین زیست‌مندان دنیای تازه حکایت می‌کند. نیازی که با مفاهیمی چون شهروند و حقوق شهروندی گره خورده است.<sup>۱</sup> واژه مشارکت واژه‌ای کهن است که بسیاری از تعبیر سستی را بر خود حمل می‌کند و به همین دلیل در مباحث اجتماعی مدرن سوء تعبیرهایی ایجاد می‌کند که کاربرد تازه آن را در جوامع توسعه یافته دچار چالش می‌کند. در جوامع سنتی مفهوم مشارکت بیشتر در روابط خویشاوندی کارکرد خود را نمایان می‌کند تا در حیات جمعی، به همین دلیل در چنین جوامعی حرکت‌ها و سازمان‌هایی که بر پایه مشارکت بنا می‌شوند معمولاً با شکست روبرو می‌شوند.<sup>۲</sup> اما در جوامع مدرن که بر پایه حقوق انسان‌ها پایه‌ریزی می‌شوند، مشارکت مفهوم کلیدی است و از منظری کلان این جوامع، جوامعی مشارکتی هستند. از منظر تفکر مدرن، مشارکت واقعی مردم هنگامی میسر می‌شود که با افراد و گروه‌های اجتماعی هم چون انسان‌هایی متفکر و آگاه به امور خویش رفتار شود. در این جوامع انسان‌ها به مثابه شهروندان حق مشارکت در زندگی خویش را دارا هستند. از سوی دیگر این مشارکت فعال و هدفمند یکی از وظایف شهروندی در این جوامع به حساب می‌آید. «اسم‌سلسل بر این باور است که در جوامع ساده و سنتی زندگی دسته جمعی و مشترک با مبانی حیات اجتماعی از قبیل پیوندهای خویشاوندی، ایل و تبار، قبیله و کاست سخت در هم تنیده است. در این گونه جوامع، تشکیلات رسمی از قبیل اتحادیه‌های کارگری، باشگاه‌های اجتماعی، انجمن‌های داوطلبانه و گروه‌هایی که منافع مشترکی دارند، کمتر توسعه می‌یابند. با وجود این، در یک جامعه صنعتی و شهری بقای روابط سنتی برای حیات دسته جمعی و مشترک کفایت نمی‌کند» (وینر، ۱۳۵۰ به نقل از سعیدی، ۱۳۸۲)

۱- هر چند گروهی بر این باورند که آنچه به آن نیاز داریم بیشتر contribution است

۲- رویکرد صاحب نظران بویژه در جوامع کهنسالی هم چون ایران به این موضوع بسیار متفاوت است. برخی با اشاره به بسیاری آداب و رسوم رایج در فرهنگ ایرانی از قبیل بنه که در بعضی روستاهای ایران هنوز رایج است بر سر آنند که مفهوم مشارکت را امری مسبوق به سابقه‌ای دیرین در فرهنگ ایرانی قلمداد کنند که این موضوع به عنوان موضوعی عمومی که از ابتدای شکل‌گیری جوامع بشری به اشکال مختلف وجود داشته است قابل پذیرش است. کارل پوپر در کتاب جامعه باز و دشمنان آن معتقد است مفهوم مشارکت در جامعه بسته (جوامع قبیله‌ای و اشتراکی) که بر اساس تصمیمات رسوم قبیله‌ای است، با مفهوم مشارکت در جامعه باز که بر اساس تصمیمات شخصی، آگاهانه و داوطلبانه صورت می‌گیرد، تفاوت دارد. اما آن چه ما در این نوشتار از واژه مشارکت مد نظر داریم اشاره به سازو کاری مدرن است که در زمینه تشکیل جامعه مدنی و با هدف ایجاد سامانه‌هایی تعریف شده با روش دمکراتیک (مردم سالار) به منصه ظهور می‌رسد مطابق این دیدگاه مشارکتی که در جوامع سنتی با ساختارهای اجتماعی غیر مردم سالار مشاهده می‌شود نسبتی دور با حضور جدی مردم در عرصه‌های تصمیم‌گیری تا نظارت بر فرایندهای اجتماعی دارد و حداکثر می‌تواند مشارکتی در حداقل‌های ممکن نامیده شود.

تشریک مساعی مردم از طریق سازمان های متنوع و متکثر غیررسمی در بخش غیرانتفاعی مثل انجمن های اولیا و مربیان، انجمن های خدمات محلی و تعاونی های روستایی، موجب رفع بسیاری از مشکلات جامعه محلی و در واقع ساز و کاری جایگزین برای اداره امور بوده است و هم چنین تمرینی برای مردم سالاری (Democracy) محسوب می شود (سعید - ۱۳۸۱) به همین دلیل باید مشارکت در مفهوم مدرن آن را در حوزه نظریه جامعه مدنی - مردم سالاری (Civil society-Democracy) تعریف کرد. جدا کردن این مفهوم از این نظریه آن را تا حد مفاهیم ناکارآمد سنتی در جوامع توسعه یافته تقلیل خواهد داد و از سوی دیگر نظریه جامعه مدنی - مردم سالاری بدون در نظر گرفتن تعریف مدرنی از مشارکتی از درون تهی خواهد شد و دچار عوارض متعددی خواهد شد که طی قرن بیستم بارها شاهد آن بوده ایم.



مشارکت در تصمیم گیری ها و اعمال روش های جمعی برای مدیریت یک نهاد اجتماعی، که گاه از آن با نام مدیریت مشارکتی نام برده می شود، ستون اصلی و مهم ترین عامل در نگرش تازه به مدیریت در سازمان های اجتماعی عصر حاضر است. تلاش برای هر چه مستقیم کردن این مشارکت از طرف تمامی افراد درگیر در یک سازمان از جمله کاربران خدمات آن، بی شک تاثیر شگرفی بر فرهنگ حاکم بر جامعه در دراز مدت خواهد داشت. این که تمامی مشارکت کنندگان (ذی نفعان)<sup>۱</sup> در تمام سازمان ها و گروه های فعال در سطح

جامعه با این مفاهیم آشنایی کاملی پیدا کنند و مجریان طبیعی روش های مشارکتی در رابطه با زندگی اجتماعی شان باشند. امکان دستیابی به سودمندی های اداره مشارکتی در لایه های بالاتر و از همه مهم تر اداره حکومتی آن را امکان پذیرتر می سازد. علاوه بر این جایگیری مفهوم اداره مشارکتی در میان مردم از طریق نهادهای اجتماعی می تواند مؤثرترین نقش را در ایجاد فرهنگ مدنی امروزی برای آن مردم ایجاد کند. این امر بی تردید ارزشمندترین جنبه دستیابی به یک نظام مشارکتی برای تصمیم گیری در نهادهای اجتماعی است.

علی رغم وجود مقاومت های فراوان، به نظر می رسد تغییرات مثبتی در جهت مشارکت به عمل آمده و مشارکت همه جانبه مردم رو به گسترش است. این مشارکت به ویژه در کشورهای در حال توسعه گسترش رو به رشدی داشته است و تغییراتی از

۱- واژه ذی نفعان معادلی برای کلمه stakeholder است. و به همه کسانی اشاره دارد که طی یک فرایند از آن متاثر می شوند. به همین دلیل برخی آن را هموندان ترجمه کرده اند.

قبیل اعمال جدی روش های مردم سالار در عرصه های سیاسی و اجتماعی، خصوصی سازی، انقلاب اطلاعاتی، سازمان های غیردولتی، گروه های حاشیه ای، گروه های زنان، و تشکل های جوانان و افراد بومی، اقلیت های مذهبی، روستاییان، معلولان و اقشار کم درآمد از نموده های بارز این گسترش است. در این بین گسترش کمی سازمان های غیردولتی و افزایش کیفیت حضور آن هادر عرصه های اجتماعی یکی از شاخص های اصلی مشارکت مردم درجوامع توسعه یافته است. این آمار به تناسب توسعه یافتگی در کشورهای مختلف قابل بررسی است. مشارکت مردمی از طریق تشکل ها وسازمان های غیردولتی و سازمان های اجتماع محور، بهترین شکل تجلی جامعه مدنی است. این سازمان ها با کارکرد ویژه خود در سطح خرد وکلان، امروزه شرکای نوپای دولت ها در عرصه های مختلف محسوب می شود. این سازمان ها یکی از ابزارهای مهم توسعه و یکی از موثرترین ملاک ها برای سنجش و بررسی میزان مشارکت مردم در امورکشورها به شمارمی روند.

## مشارکت چیست ؟

گروهی مشارکت را چنین تعریف کرده اند: کنش متقابل اجتماعی که در آن افراد یا گروه ها، کار یا فعالیت خود را به صورت کم و بیش سازمان یافته با کمک متقابل یکدیگر صورت می دهند تا هدفی مشترک را محقق کنند.

این واژه درمنابع گوناگون مترادف یا نزدیک به بسیاری واژه های دیگر از جمله اشتراک مساعی<sup>۱</sup> سهم شدن<sup>۲</sup> بسیج منابع<sup>۳</sup> مسوولیت پذیری<sup>۴</sup> واگذاری امور<sup>۵</sup> خودگردانی<sup>۶</sup> تقسیم کار<sup>۷</sup> انسانی کردن<sup>۸</sup> خودیاری<sup>۹</sup> عدم تمرکز<sup>۱۰</sup> خود اتکایی<sup>۱۱</sup> توانمند سازی<sup>۱۲</sup> بکار رفته است. بر اساس برخی تعاریف مشارکت را می توان فرایندی برای آموزش مردم برای شرکت در اتخاذ

۱- Collaboration

۲- Sharing

۳- Mobilization

۴- Sponsorship

۵- Free-rein

۶- Self – Management

۷- Division of labor

۸- Humanitization

۹- Self – help

۱۰- Decentralization

۱۱- Self – reliance

۱۲- Empowering

تصمیمات گروهی و در عین حال سهیم شدن در مسوولیت ها دانست که امروز بیشتر در کنار واژه توسعه<sup>۱</sup> به کار گرفته می شود که از آن با عنوان توسعه مشارکتی<sup>۲</sup> نام برده می شود و تمامی ابعاد توسعه اعم از سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می گیرد. (سعیدی- ۱۳۸۲) با رویکردی دیگر می توان مشارکت را به معنی نوعی تعهد و قبول مسوولیت فردی و اجتماعی دانست. این تعهد و مسوولیت می تواند در شکل کار و فعالیت معین یا نامحدودی صورت پذیرد که شمار زیادی از این وظایف جنبه اخلاقی داشته و تعدادی نیز شکل حقوقی و اقتصادی به خود می گیرند هم چنین مشارکت را می توان فرایندی دانست که گروه های ذی نفع در توزیع منابع مداخله و نظارت دارند.



به یک هدف خاص با استفاده از توان جمعی در ارایه پیشنهاد، تصمیم گیری، برنامه ریزی، اجرا، بهره برداری، مراقبت و محافظت از دستاوردها به کار می گیرند. این کوشش مستلزم دخالت فعال مردم در تصمیم گیری هاست تا آنجا که بر زندگی آن ها تأثیر می گذارد.

برخی دیگر مشارکت را متشکل ساختن گروه های محروم از مزایای اجتماعی می دانند که به منظور تأمین برخی نیازهای ضروری آن ها صورت می پذیرد که توسط دولت ها امکان تأمین آن ها وجود ندارد. این تعریف با مفهوم خود یاری قرابت بیشتری دارد. سه وجه عمده ای که در مجموع

تعاریف پیش گفته مستتر است. وجوه اصلی در تعریف مشارکت است.

اول: سهیم شدن مردم در قدرت و اختیار

دوم: راه یافتن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش

سوم: گشودن فرصت های پیشرفت به روی مردم به ویژه افراد طبقات زیرین جامعه

با همین رویکرد می توان تعریف کاربردی مشارکت را به این شکل بیان کرد: «مشارکت ابزاری است برای افزایش اقتدار<sup>۳</sup> مردم به منظور تضمین اعمال نقش مؤثر آنها در توسعه.»

۱- Development

۲- Participatory development

۳- اقتدار افزایشی معادل سازی برای واژه مرجع Empowerment است که برخی معادل توانمند سازی را برای آن برگزیده اند.

در تعریف مشارکت با رویکرد توسعه ای که نگرش غالب در سازمان های غیر دولتی و اجتماع محور است مشارکت به مثابه کنشی است که به رشد و بالندگی مشارکت کنندگان منجر می شود و شیوه ای است برای تأمین احترام به شخصیت فردی اجتماعی انسان به عنوان شهروند آزاد جامعه مدنی.

## ● خلاصه تعاریف مشارکت

مشارکت عبارت است از:

- ◀ دخالت داوطلبانه، آگاهانه و همه جانبه مردم در همه امور سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ◀ مشارکت تنها یک ابزار برای نیل به توسعه نیست بلکه خود هدف توسعه است (توسعه مشارکتی)
- ◀ مشارکت همواره منجر به توانمندسازی مردم (مشارکت کنندگان) می شود.
- ◀ مشارکت یک کنش اجتماعی سازمان یافته است.
- ◀ مشارکت یک تلاش دسته جمعی برای نیل به هدفی مشترک است.
- ◀ مشارکت آموزش مردم برای اتخاذ تصمیمات جمعی است.
- ◀ مشارکت یک تعهد و قبول مسوولیت فردی اجتماعی است.
- ◀ مشارکت مستلزم دخالت فعال است.
- ◀ مشارکت سهیم شدن مردم در قدرت است.
- ◀ مشارکت بازگشایی فرصت های پیشرفت برای همه مردم است.
- ◀ مشارکت کنشی داوطلبانه، آگاهانه، هدفمند و همه جانبه است.
- ◀ هدف نهایی مشارکت تأمین احترام فردی و اجتماعی انسان است.

به طور خلاصه می توان گفت:

مشارکت: عبارت است از مجموعه همکاری ها، همفکری ها و اقداماتی که اعضای یک جامعه در امور مربوط به خود به عمل می آورند و به این وسیله به قدرت بیشتری در رسیدن به اهداف و آرمان های خود دست می یابند. به عبارت دیگر، مشارکت نقش پذیری و مسوولیت آگاهانه در یک کار گروهی به صورت داوطلبانه است.

## فلسفه مشارکت

### چرا مردم مشارکت می کنند؟

آیا مشارکت یک نیاز پایه است که همه مردم باید به دنبال پاسخ دادن به آن باشند؟ و یا نیازی است که مردم پس از فرا رفتن از سطح نیازهایی از قبیل مسکن و سرپناه و امنیت ممکن است به اهمیت آن واقف شوند؟ آیا مشارکت کردن مردم در برنامه های اجتماعی یک ضرورت غیر قابل جایگزین است یا اینکه گزینه ای است در کنار گزینه های دیگر؟ به اعتقاد بسیاری «آدمیان هنگامی که جامعه ای را پدید می آورند، علاوه بر شناخت از خود و جهان پیرامون، که رفتار آن ها را شکل می دهد، شناخت و روحیه اجتماعی نیز بر آنها حاکم می شود. عضویت در یک جامعه عقب مانده حداکثر در حد خانواده و شبکه خویشاوندی است و در دایره قوم و قبیله خلاصه می شود. لیکن در جامعه پیشرفته این عضویت به جامعه و ملت و بشریت تسری می یابد. هر اندازه جامعه ای پیچیده تر و پیشرفته تر شود، روابط انسان ها از الهام و نامعین بودن به سمت داشتن روابطی [سازمان یافته] تغییر جهت می دهد. در چنین جوامعی افراد و گروه های اجتماعی در فعالیت های عمومی و برنامه های اجتماعی به صورت آگاهانه مشارکت می کنند.»

انسان ها در شرایطی که فرصت اندیشیدن، دخالت کردن و تاثیر گذاری دارند، آزاد، قابل اعتماد و ارزشمندترند. این موضوع کلید اصلی و قلب مفهوم مشارکت است. مشارکت، فلسفه ای مستحکم است و باورهای مثبتی درباره مقاصد و رفتارهای انسان ها ارایه می دهد.

«مشارکت شهروندان به هر شخص فرصت رشد، خود احترامی، خود هدایتی و شکوفایی را می دهد و این ممکن نیست مگر با اعمال حقوق دمکراتیک فرد و مشارکت در تصمیم گیری ها و صرف انرژی او در اجرای تصمیمات اتخاذ شده» (چامالائو مورتیس: ۱۳۸۳) از سوی دیگر تجربه زندگی اجتماعی بشر به ویژه زندگی در عصر مدرن به این نکته تأکید دارد که «همکاری گروهی افراد با یکدیگر کارآمدترین روش حل مسایل پیچیده است که راه حل های ساده ای ندارد. (همان منبع)

از مهم ترین نظریه هایی که می توانند در تبیین فلسفه مشارکت مورد استفاده قرار گیرند نظریه های اختیار عاقلانه، عمل جمعی، تفسیر گرایی، ساختار گرایی و کارکرد گرایی هستند. این نظریه ها تبیین های روشنی از مشارکت های مردمی ارائه می کنند. «نظریه اختیار عاقلانه آدمیان را مخلوقاتی عالم و قاصد تعریف می کند که فعلشان مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است. این نظریه، اغراض و معتقدات افراد را اصل قرار می دهد و بر مبنای آن، تحلیلی صوری از تصمیم گیری سنجیده و عاقلانه به دست می دهد. الگوی تبیین اختیار



عاقلاانه، یک اصل محوری دارد و آن اصل این است که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده است. فرض بر این است که آدمیان در انتخاب یک راه از بین راههای مختلف، راهی را که با اغراضشان همسو است اختیار می کنند. برای رفتن به هر راهی سود و زیان آن را محاسبه می کنند و پس از بررسی ادله موافق و مخالف، اقدام به گزینش یک راه می کنند. بر اساس این دیدگاه، عملی عاقلاانه و سنجیده است که در چهارچوب اطلاعات مشخص از شقوق مختلف، وسیله مناسبی باشد برای رسیدن به هدفی خاص. لذا برای تبیین رفتار فرد باید ابتدا اغراض و معتقدات او را معین کرد. و سپس نشان داد که آن عمل، شیوه خرد پسندی است برای رسیدن به آن اغراض در چهارچوب آن معتقدات. این نظریه شیوه ساده ای از استدلال را اصل قرار می دهد، مانند استدلال بر مبنای بیشترین فایده بردن. رویکرد اختیار عاقلاانه در مقام تبیین بر آن است که اتفاقات اجتماعی - از قبیل بروز اعمال دسته جمعی، وجود نهادهای با دوام اجتماعی و فرایند تحولات اجتماعی و اقتصادی - حاصل جمع اعمال افراد بسیاری است که بر اساس محاسبات عقلانی عمل می کنند.» (لیتل، ۱۳۷۳ به نقل از سعیدی، ۱۳۸۲)

نکته اساسی دیگر درباره این که چگونه مردم برای موضوعی دور هم جمع می شوند و مشارکت می کنند توجه به علایق شخصی آنهاست حتی در اموری که مردم بر اساس حس نوع دوستیشان مبادرت به مشارکت می کنند آن چه آنان را در این موضوع به صورت اساسی ترغیب به مشارکت می کند این است که این موضوع تا چه اندازه به علایق و دغدغه های شخصی افراد نزدیک باشد... مردم معمولاً در اموری مشارکت می کنند که برایشان آشناست یا علاقمندند که با آن آشنا تر شوند. (Alan & Twelvetreets, ۲۰۰۲)

علاوه بر آن مردم بر اساس موقعیت اجتماعی، جنس، نژاد و مکان زندگی خود دغدغه ها و علایق متفاوتی دارند و مشارکت آنها در برنامه های مختلف اجتماعی متناسب با همین تفاوت در علایق و دغدغه ها قابل پیش بینی است. به همین دلیل « یک کنشگر یا فعال برنامه های اجتماعی نیازمند فهم این تفاوت های اساسی در جلب مشارکت مردم است » (همان منبع) از سوی دیگر فلسفه مشارکت، فلسفه ای مبتنی بر اندیشه ورزی همه مشارکت کنندگان است بنابر این یک « سازمان مشارکتی تمامی افراد ذی نفع خود را دعوت می کند تا به طور عمیق و با اشتیاق درباره آن چه اعتقاد دارند و آنچه فکر می کنند [سازمان، گروه یا سایر همکاران] می تواند و باید به دست آورد بیانیشد. هم چنین از آنان دعوت کند تا اندیشه ها و عقاید خویش را پیرو راند و بدون وا همه از تلافی به دفاع از

آن‌ها پیردازند.» (مک لگان و نل، ۱۳۷۷) در واقع در یک گروه مشارکتی هیچ یک از اعضا و ذی نفعان دچار خود سانسوری و محدودیت در بیان اندیشه‌های خود نمی‌شوند ضمن آن که کلیت ساختار گروهی به شکلی طراحی می‌شود که امکان طرح دغدغه تک تک افراد و سنجیده شدن این دغدغه‌ها از سوی همه وجود داشته باشد.

برخی از منابع (اعتمادی، ۱۳۷۸) با تاکید بر چند اصل اساسی، آن‌ها را پیش شرط‌هایی برای مشارکت مردم فرض کرده‌اند

۱- اگر مشارکت مردم را مشروط به آگاهی بدانیم، بزرگترین مانع را برای مشارکت ایجاد کرده‌ایم.

۲- در مشارکت باید به هر کس این حق داده شود که متناسب با توان و علاقه خود ایفای نقش کند.

۳- در مشارکت همه یکدیگر را با همه اختلاف‌ها بپذیرند و هیچ کس خود را برتر از دیگران نپندارد.

۴- همگان، مشارکت کنندگان بالقوه اند.<sup>۱</sup>



با تکیه بر روش مردم سالار و از دیدگاه اندیشه‌های آزاد اندیشانه در مسایل اجتماعی «مشارکت یک انتخاب است و مستلزم انتخاب کردن [و با لطف] هر کس مسوولیت انتخاب‌هایش را به عهده می‌گیرد. هنگامی که ما اندیشه انتخاب کردن را بپذیریم باید شرایط همراه با آن را نیز بپذیریم. باید حق خود - و از این روح دیگران - را برای انتخاب کردن بپذیریم و مسوولیت اعمال خود را

به عهده بگیریم. انتخاب مستلزم آگاهی است ما باید از محیط خود، تصمیم‌ها و تاثیر شخص برای انتخاب مسوولیت‌ها و چگونگی پاسخ‌گویی آگاه باشیم. اما آگاهی و پذیرش مداوم حق و مسوولیت انتخاب مشکل است و غرایز متعاضنه خود بخود صورت می‌گیرد» (همان منبع)

از این منظر مشارکت در امور بیشتر جنبه درگیری فکری دارد، وقتی فرد در امری مشارکت می‌کند تمامی وجود شخص درگیر می‌شود و نه تنها مهارت‌های او، بلکه جنبه روانی مسئله

۱- یک نگرانی جدی ممکن است در اینجا مطرح شود و آن این است که می‌توان از این مفاهیم این گونه برداشت کرد که مشارکت تنها در صورتی ممکن است که اولاً دانش مشارکت وجود داشته باشد، ثانیاً ساختار حکومتی یا دولتی اجازه مشارکت را بدهد و برای مشارکت مردم (تقسیم قدرت) برنامه داشته باشد، ثالثاً مردم از ابتدا نیاز به مشارکت را حس کنند. اما باید به این نکته اساسی اشاره کنیم که این نوع نگاه ممکن است به تاخیر مشارکت منجر می‌شود و این طور برداشت شود که مردم نمی‌توانند در ایجاد زمینه‌های مشارکت مداخله کنند. مفاهیم آغازگری اجتماعی، نفوذ نوآوری، ایجاد حرکت در اجتماعات (community mobilization-community initiative-diffusion of innovation) و مواردی نظیر آن فعالیت‌هایی را توضیح می‌دهد که طی آن شرایط در افراد از طریق قدم‌های (هفت‌گانه) تغییر فراهم می‌شود.

برجسته جسمانی پیشی می گیرد. برای این اساس شخصی که اشتراک مساعی می کند، به جای آن که در برابر کار و وظیفه احساس درگیری نماید در مقابل شخصیت خود احساس درگیری می کند این فرد به جای آن که تنها فعالیت و کار خود را عرضه کند نفس و من خود را به ضمانت می گذارد.

### ● فلسفه مشارکت به زبانی ساده

- ◀ مردم توانا هستند و می توانند خودشان فکر کنند و بهترین تصمیم را بگیرند.
- ◀ مردم حق دارند در سرنوشت خود دخیل باشند.
- ◀ مردم (در هر سطح و رتبه ای) قادرند زندگی خود را اداره و هدایت کنند.
- ◀ مردم آزادی انتخاب دارند هر چند که اختیارشان توسط محیط محدود می شود.
- ◀ مردم با هر بینش و آگاهی و هر طرز فکری هدفی دارند و به طور مداوم برای رفع نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی خود می کوشند.
- ◀ مردم می خواهند درباره خودشان و حضورشان در جهان احساس خوبی داشته باشند.
- ◀ مردم قادرند که رفتارهای جدید را یاد بگیرند و خود را تغییر بدهند.
- ◀ بسیاری از مسائل مردم اجتماعی است تا فردی یا شخصی پس باید به طور اجتماعی و با مشارکت دیگران در حل آن اقدام کنند.
- ◀ مردم سازنده، همکاری کننده، قابل اعتماد، واقع بین، معتقد و اجتماعی هستند.
- ◀ مردم می توانند اداره زندگی و سرنوشت خود را به عهده بگیرند.
- ◀ مردم نیاز به احساس ارزشمندی و احترام به خودشان دارند.
- ◀ مردم نیاز به احساس احترام در میان جمعی که در آن زندگی می کنند، دارند.

## زمینه های مشارکت

ایجاد و گسترش فرهنگ مشارکت در بین گروه های کوچک و در ابعاد بزرگ تر ، در سطح جامعه نیاز به بسترسازی های مناسب و ایجاد زمینه های آن را دارد.

در نگاهی کلی اصلی ترین چیزهایی که زمینه ساز و مهیا کننده یک برنامه ریزی مشارکتی و افزایش حضور همه ذی نفعان فرایند در آن است، «وجود درک کامل و روشنی است از آن چه باید تغییر کند» چنین درکی دارای دو جزء مهم است:

۱- شیوه ها و ذهنیت هایی که باید کنار گذاشته شوند.

۲- شیوه ها و مجموعه ذهنیت هایی که باید ساخته شوند و پرورش یابند.

فرض این دیدگاه این است که افراد و گروه ها درک متفاوتی از موضوعات و واقعیت ها دارند و در یک برنامه مشارکتی تلاش می شود این ادراک های مختلف نمایان شود.



حتی آن دسته از مردم که اطلاعات یا حقایق یکسانی در اختیار دارند، مطابق تجربیات، جهان بینی و زمینه های فرهنگی خود به شیوه ای متفاوت آنها را تفسیر می کنند. بنابراین در یک برنامه مشارکتی کامل زمینه ای فراهم می شود که در آن افراد و گروه ها با تصورات، ادراکات و تعبیر مختلف بتوانند بازسازی (Reconstruction) از موقعیت خود طراحی و ارائه کنند که برای همه قابل فهم باشد. در چنین شرایطی هم زمان با مقایسه و تقابل دیدگاه های مختلف، معانی جدیدی ظاهر می شوند. در این فرایند، فهم و شناخت عمیق تری ایجاد می شود به این ترتیب ضمن دست یابی به اتفاق نظر و مشخص کردن دیدگاه های مختلف، از این

دیدگاه ها برای بحث و تبادل نظر در مورد اقدامات لازم استفاده می گردد. این فعالیت مستلزم دقت و حساسیتی جدید است. به طور کلی می توان گفت افراد از طریق شکل دادن یا تاثیر گذاری بر بیشتر تصورات بنیادی که برنامه را پیش می برد، مشارکت خود را تحقق می بخشند (دیلمی، گزارش کارگاه اجتماع محور، موسسه ایرانیان) با رویکرد فردی باید بیان داشت که شرایط ویژه فردی برای مشارکت در فرایندهای اجتماعی مورد نیاز می باشد.

## زمینه های فردی مشارکت

- دانش و آگاهی نسبت به موضوع، اولین گام برای ایجاد حس مشارکت واقعی با توجه به تعاریف پیش گفته است.
- علاقه مندی به موضوع
- علاقه مندی به رویکردهای اجتماعی حل مسئله
- آگاهی به فلسفه کارگروهی
- آگاهی به روش ها و ساز و کارهای مشارکت
- داشتن وقت و انرژی کافی برای مشارکت

## زمینه های اجتماعی مشارکت

### آگاهی عمومی

به این معنا که افراد و گروه های اجتماعی مشکل یا مشکلات مشترک مربوط به جامعه مورد نظر خود را شناخته باشند و درخصوص نقش های اجتماعی خود آموزش دیده باشند. باید علت و ضرورت همکاری و نقش مردم به آن ها تعلیم داده شود طبق تحقیقات به عمل آمده مردم زمانی آماده همکاری برای حل یک مسئله می باشند که ابتدا آن را بشناسند تا انگیزه لازم را پیدا کنند. بعد از انگیزه کسب توانایی لازم برای حل مسئله است که در این مرحله نیز باید مهارت های لازم برای تشخیص مشکل و اتخاذ راه حل مناسب کسب گردد یعنی اصل احساس نیاز، توانمندی و علاقه، مقدمه مشارکت هدفمند در یک گروه یا یک جامعه است. (شمسایی - ۱۳۸۲) در اینجا ذکر نکته ای مهم به نظر می رسد، زیرا



ممکن است این شائبه ایجاد شود که برای مشارکت بایستی منتظر تغییر یا اتفاقی بیرون از فرایند مشارکت بود و برای آغاز فرایند مشارکت یابی کارهایی پیش از آن انجام شود که این پیش فرض با مبانی مشارکت مغایرت دارد. نظر قالب اندیشمندان این حوزه - که توسط بسیاری تجربه های عملی مورد تایید قرار گرفته است بر این موضوع تاکید می کند که توانمندسازی یا مقتدر شدن تنها در طی فرایند مداخله مردم یا افراد و در حین کار اتفاق می افتد و نباید منتظر چیزی از خارج بود (تغییرات را با مشارکت ایجاد می کنیم) این نظر که داشتن آگاهی مقدم بر مشارکت است، به این مفهوم نیست که باید در آستانه مشارکت دروازه بانانی را قرار داد تا تنها کسانی را که دارای دانش کافی در باره مشارکت و امور مربوط به اجتماع خود هستند به این شهر راه دهند و هر کس کتاب و جزوه بیشتری در انبان خود داشت مشارکت کننده اجتماعی بهتری است، بلکه مقصود این است که افراد نیازمند داشتن آگاهی - به مفهوم کلان آن - در باره خود و محیطی که در آن زندگی می کنند، هستند. بخش اساسی این آگاهی به حضور هوشمندانه در فضای زیستی مرتبط است که مجموعه ای پیچیده از تجربه ها و آرمان ها را شامل می شود. اما وجود فضایی برای افزایش دانش های مرتبط به آنچه مردم با آن سرو کار دارند، مشارکت اجتماعی را سمت و سوی آگاهانه تر و مشخص تر خواهد بخشید و امکان غلبه توده گرایی و اقدام های ناپایدار و نیاندیشیده را کاهش خواهد داد.

به طور ویژه در برنامه های اجتماع محور توجه به این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است. در این برنامه می توانیم دو موضوع را به طور موازی پیش ببریم، اول آمادگی برای مشارکت و مسئولیت پذیری و دوم در تقویت احساس موفقیت {های کوچک و بزرگ} از طریق اجرای پروژه های کوچک که با ادراک نتایج مشارکت آن را تقویت می کنیم بر اساس شرایط یکی از این دو کمی جلو می افتد. فاصله ی زیاد این دو ممکن است منجر به روشن فکر شدن مردم (یا گروهی از آنان) یا عمل زدگی (محیطی برای هجوم کسانی که مردم را خدمه ی خود می خواهند بشود

در این بین مساله ی افراد کلیدی هم مهم است زیرا اینان ممکن است بواسطه قدرت (دانش، پول، روابط و...) اجازه ندهند بقیه ی افراد در سرنوشت خود مداخله کنند و پدیده ی اکثریت خاموش (tokenism) ایجاد شود.

### 🔵 نیازهای اجتماعی توسط مردم درک شده و تبدیل به طلب و تقاضا شده باشد.

بسیاری از نیازهای اجتماعی توسط مردم درک می شود اما تبدیل به یک مطالبه اجتماعی نمی شود مشارکت زمانی امکان وقوع دارد که نیازها به تقاضاها تبدیل بشوند در این مسیر سازمان های غیردولتی و سایر نهادهای جامعه مدنی بیشترین نقش را ایفا می کنند.

### 🔵 سازمان دهی مناسب

وجود ساز و کارهای اجتماعی مناسب (از جمله سازمان های غیردولتی) یکی از زمینه های اصلی افزایش مشارکت مردم است. در واقع زیر بنای تفکر جامعه مدنی بر همین اساس

بنا شده است که بدون وجود سازوکارهای تعریف شده و ایجاد نهادهای مناسب امکان مشارکت مردم در امور اجتماعی یا وجود ندارد و یا در حداقل های خود باقی می ماند. امکان حرکت از فضای سنتی به فضای مدرن و تغییر کاربردی مفاهیمی همچون مردم، مشارکت و... تنها در صورت پیش بینی سازو کارهای مناسب آن ممکن خواهد شد. سازماندهی مردم در قالب نهادهای مدنی و گروه های ساختار یافته موجب می شود مشارکت کنندگان و مردم پراکنده و متفرق انسجام پیدا کنند.

### ● حمایت های حقوقی اداری، برنامه ای و اعتباری

این حمایت های زمینه ساز مهم برای مشارکت مردم است. با گسترش این حمایت ها، تشکلهای و مردم از اختیارات کافی و قانونی برای حضور همه جانبه بهره مند می شوند و قادرند که در ایفای نقش های خود در امور محوله به درستی عمل کنند. (شمسائی - ۱۳۸۲)

در این راستا «حمایت از مردم وجوامع بایستی عامل مولد و انرژی بخش در تداوم فعالیت گروه های داوطلب و غیردولتی باشد برای حصول به این امر مهم...توسعه یک خط مشی ملی با بررسی همه جوانب برای مشارکت مردم و با توجه به نقش رسالت تشکلهای داوطلب مردمی ترویج سیستم مدیریت باز و مشارکتی و عنایت بیشتر به کار گروهی، تقویت و ارزش نهادن به فرهنگ شفافیت و پاسخ گویی.... می تواند مؤثر باشد». (نمازی - ۱۳۸۰)

### ● ایجاد اعتماد عمومی و پذیرش واقعی مردم

دقت نظر متولیان دولتی به این موضوع که مشارکت مردم تناسب مستقیم با میزان سرمایه اجتماعی در یک سرزمین دارد و این سرمایه اجتماعی از اعتماد بین گروه ها و افراد ناشی می گردد. بسیار مهم است زیرا عدم حمایت های مناسب اداری و حقوقی می تواند در کاهش این اعتماد اجتماعی در نهایت کاهش مشارکت عمومی دخالت تام داشته باشد. یکی از دلایل عمده کاهش مشارکت در کشورهای توسعه نیافته از جمله ایران عدم ثبات در برنامه ها و اقدام های دولتی و در نتیجه بی اعتمادی عمومی به برنامه هایی است که نیاز به حضور مردم دارد بنا بر همین اصل پذیرش عمومی و ایجاد اعتماد شاید یکی از اصلی ترین زمینه های مشارکت و جویی اعتمادی عمومی یکی از مهم ترین موانع مشارکت است. در واقع مردم زمانی مشارکت می کنند که باور داشته باشند که مشارکت آنها در تمام مراحل اجرا تا ارزیابی برنامه ها مورد توجه قرار گرفته است.

### ● ثبات در برنامه های اجتماعی

تغییرات مدام در برنامه های اجتماعی و بی ثباتی در آنها زمینه مشارکت را به شدت از بین می برد و بویژه در گروه های حاشیه ای احساس عدم امنیت و نیز مورد سوء استفاده واقع شدن را تقویت می کند.

وجود درصد قابل قبولی از زمینه های گفته شده امکان مشارکت مردم در فعالیت های اجتماعی



را مهیا می کند و در نهایت به سازمان هایی که روح مشارکت در آن ها وجود دارد و سازوکارهای مشارکتی مبنای عمل آن ها است منتهی خواهد شد. «بنابراین [نظر] سازمان های مشارکتی سازمان هایی فعال هستند، اعضای آن حرف های خود را و علت موافقت نکردن خود را [ به صراحت ] اعلام می کنند و به بحث می گذارند، هم چنین می کوشند شبکه های حمایتی فعالی به وجود بیاورند.» ( مک لگان و نل، ۱۳۷۷) امکان بیان کردن عقاید و آسودگی در بیان این عقاید از سوی همه ذی نفعان یک گروه مشارکتی و امکان سنجیده شدن همه نظرها توسط سایرین مهم ترین خصوصیت یک سازمان مشارکتی است. که در زمینه یک ثبات و انسجام در برنامه ها و سیاست های اجتماعی و نیز آگاهی گسترده در تمام سطوح اجتماع ایجاد می شود.<sup>۱</sup>

### اقتدار افزایی (Empowerment)

توانمند شدن مردم در جریان مشارکت اجتماعی یک هدف راهبردی است. این اصل به ویژه در فعالیت های اجتماع محور از اهمیت بالایی برخوردار است. مردم در یک اجتماع کوچک گرد هم می آیند تا به حل مشکلی بپردازند اما هدف غایی در این فعالیت ها احساس اقتداری است که در مشارکت کنندگان ایجاد می شود. مردم در جریان مشارکت در اقدام های اجتماعی می آموزند که چگونه با دیگران کار کنند و چطور با تشریک مساعی، موفق به حل مشکلات خود و اجتماع خود شوند. این خود آگاهی و اعتماد به نفس تولید شده موجب افزایش اقتدار آنان می شود.



تفاوت این نگاه با برخی رویکردهای دیگری که ممکن است از واژه های مشابه در ارتباط با حضور مردم در فرایندهای اجتماعی استفاده کنند، الویت دار بودن موضوع توانمند شدن مردم بر سایر دست آوردهایی است که از مشارکت مردم حاصل می شود. زیرا به اعتقاد بسیاری از حمایت کنندگان فعالیت های اجتماعی، هدف اصلی مشارکت حل مشکلات است و «گاهی از مشارکت افراد برای دست یابی به اهداف مادی و غیرمادی استفاده می شود که در این جا مشارکت ابزاری شکل می گیرد. اما در طرحواره ای<sup>۲</sup> که مشارکت را به عنوان راهبردی برای توانمند شدن مردم

۱- ممکن است خواننده گمان کند مشارکت به محض ایجاد باعث تغییرات عمیق در شرایط محیطی می شود و نیز در فرایند مشارکت ذی نفعان هیچگاه اشتباهی اتفاق نمی افتد، در حالی که همانطور که مطرح شده است، اولاً مشارکت به خودی خود یک نوع توسعه است و تسهیل آن خود را تقویت می کند. ثانیاً مشارکت هزینه هایی دارد که باید پرداخت شود از جمله این که ممکن است افراد اشتباه کنند چه در مرحله تحلیل و چه در سایر مراحل. منتظر ماندن که افراد از نظر توانایی در همه مراحل به حدی برسند که مطمئن یا تقریباً مطمئن شویم که اشتباهی رخ نخواهد داد، هدر دادن زمان است و البته سرمایه. به طور خلاصه باید بگوییم افراد از طریق دانش داشتن و اشتباه کردن یاد می گیرند اما لازم است این اشتباه ها به صورت تجربه قابل دسترس بشود

۲- طرح واره را به جای پارادایم گذاشته ام و منظور زمینه کلی و ساختاری است که موضوع در آن شکل می گیرد.

در نظر می گیرد مشارکت به عنوان کنشی است که زمینه های رشد و توانایی افراد جامعه و بروز خلاقیت ها را فراهم می سازد که این نوع از مشارکت را مشارکت توسعه ای می گوئیم و از آنجا که در این رویکرد مشارکت یک کنش اجتماعی داوطلبانه، آگاهانه، هدفمند و همه جانبه است، می تواند منجر به شناسایی و افزایش توانایی های صاحبان فرایند شود.

**اقتدار افزایی (یا توانمند سازی) به طور خلاصه فرایند شناسایی و به فعل رساندن توانایی هایی است که مردم به طور بالقوه دارای آن هستند. بنابر این نخستین و مهم ترین گام در توانمند سازی شناسایی توانایی های مردم (ذی نفعان) است.<sup>۱</sup>**

گام مهم بعدی، بسیج این منابع برای ایجاد تغییرات مثبت اجتماعی است. زیرا به تجربه ثابت شده است، زمانی که شناسایی این ظرفیت ها و توانایی ها در جهت یک تغییر مثبت اجتماعی مورد استفاده قرار نگیرد موجب وازدگی و سرخوردگی در مشارکت کنندگان و نیز حامیان آنان خواهد شد.

### اجزا و اصول اقتدار افزایی در فعالیت های سازمانی

در یک فرایند سازمان یافته (که عموماً در قالب سازمان های اجتماعی از قبیل سازمان های اجتماع محور رخ می دهد) مقتدر شدن مشارکت کنندگان دارای اجزا و مراحل است که مهم ترین آن ها به این شرح است:

- **هم سویی (Alignment):** بین نیازها و انگیزه های اعضا و آرمان ها و اهداف سازمان
- **اختیار و فرصت (Authority and opportunity):** به این منظور سازمان باید ابزارها و پشتیبانی لازم را در اختیار اعضا بگذارد و موانع موجود در راه استفاده موفق از اختیار را برطرف کند.
- **توانایی (Capacity):** زیرا اختیار داشتن بدون داشتن توانایی های لازم علاوه بر امکان مخدوش کردن اهداف سازمان ممکن است به خود افراد نیز آسیب برساند.
- **تعهد (Commitment):** تعهد یک حالت ذهنی است و زمانی عیان می شود که یک عضو مسوولیت ایجاد موفقیت و حرکت در جهت رسیدن به موفقیت را می پذیرد... سازمان باید تعهد کارکنان را با برآز مدام این موضوع که آنان اعضای با ارزش سازمان محسوب می شده و نیز با شناسایی و تشویق مناسب آن ها به دست آورد.

۱- تهیه نقشه داشته ها (asset mapping) از مهم ترین فعالیت هایی است که در هر اقدام محله ای یا اجتماع محور باید مد نظر باشد.







## فصل دوم

# طیف مشارکت و فعالیت‌های داوطلبانه

### چکیده و نکات اساسی

در سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی متناسب با میزان اعتقاد به مفهوم مشارکت و نیز اندازه بلوغ و انسجام آن سازمان، سطوح مختلف مشارکت قابل مشاهده است. بالاترین سطح، که مشارکتی واقعی و همه جانبه است و نشان دهنده اعتقاد و جدیت اعضای یک سازمان به مشارکت می‌باشد، تا پایین ترین سطح که تنها ظاهر سازی و استفاده از عناوین مشارکتی است. شناخت سطوح مشارکت به اعضا و دست اندرکاران یک سازمان غیردولتی کمک خواهد کرد تا مشخص کنند. در چه جایگاه یاسطحی قرار دارند و در ضمن خواستار چه سطحی از مشارکت هستند.

بر اساس نظر آرشتاین برای مشارکت هشت سطح کلی قابل مشاهده است که پایین ترین سطح عدم مشارکت افراد است که هیچ اطلاعات مهم و قابل اعتنایی به اعضا داده نمی شود و آنها در هیچ فرایندی مداخله نمی کنند و انتظار حضور بی چون و چرا و گسترده اعضا وجود دارد. و سطح هشتم، بالاترین سطح مشارکت است که اعضای گروه در تمامی بخش‌ها از جمله تعیین اهداف و تصمیم گیری حضور و نظارت دارند.

کار داوطلبانه فعالیتی با ارزش است که از روزگار قدیم مبنای فعالیت‌های خیر خواهانه و انسان دوستانه بوده است. امروزه داوطلب بودن به یک ارزش اجتماعی در جوامع تبدیل شده است و سیاستگذاران اجتماعی گسترش فرهنگ کار داوطلبانه را به عنوان بخشی از ارتقاء اخلاقی جوامع مد نظر قرار داده اند. داوطلب یک سازمان غیردولتی انسانی است که در وهله نخست نسبت به یک موضوع اجتماعی حساس شده است و احساس وظیفه‌ای برای انجام دادن کاری پیدا کرده است. اما هر داوطلب موجودی یگانه و منحصر به فرد است. داوطلبان در اشکال، نژادها، رنگ‌ها و سنین مختلف



ظاهر می‌شوند و دارای توانایی‌ها و مهارت‌های بسیار متفاوتی برای مشارکت در برنامه‌های سازمان‌های اجتماعی هستند و دلایلشان برای این مشارکت بسیار متفاوت و متعدد است.

### اهداف این فصل :

- ◀ سطوح یا طیف مشارکت اجتماعی چگونه است؟
- ◀ داوطلب کیست و فعالیت داوطلبانه کدام است؟
- ◀ سازمان داوطلبانه چگونه سازمانی است؟



## سطوح مشارکت

مشارکت اجتماعی وضعیت صفر و یک ، یعنی وجود و عدم وجود ندارد . به عبارتی



ساده تر نمی توانیم بگوییم در یک سازمان به خصوص و یا در یک جامعه خاص مشارکت هست و در سازمان و جامعه ای دیگر مشارکت نیست. تجربه های فردی و گروهی و نیز بررسی های ساختار یافته حکایت از آن دارد که ما در تحلیل شرایط مشارکت با طیفی بسیار گسترده روبرو هستیم که

اتفاقا فضای خاکستری آن بسیار وسیع تر و چشمگیرتر است.

به طور خلاصه می توان چنین بیان کرد که مشارکت گستره ای به پهنای تمام اقدام هایی دارد که در طول مراحل تصمیم سازی، برنامه ریزی، مدیریت، اجرا، ارزشیابی و ... ممکن است به وقوع بپیوندد. اعتقاد عملی به مفهوم مشارکت در بین گروه های اجتماعی بسیار متفاوت است و از قانون همه یا هیچ پیروی نمی کنند. یک فعال در گروه های مردمی همواره باید رویکرد به مفهوم مشارکت را در آن سازمان بسنجد و تلاش کند تا حد ممکن سازمان را در جهت مشارکتی شدن کامل پیش برد و در طیفی که بیان می شود حرکتی رو به بالا را تعریف کند.

شناخت سطوح مشارکت به اعضا و دست اندرکاران یک سازمان غیر دولتی کمک خواهد کرد تا مشخص کنند، در چه جایگاه یا سطحی قرار دارند و در ضمن خواستار چه سطحی از مشارکت هستند.

متناسب با شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... حضور مردم در عرصه های اجتماعی و فعالیت های مدنی متفاوت است. در جلب همکاری مردم برای همکاری با گروه های اجتماعی فهم شرایط اجتماعی و درک وضعیت مردمی که جویای همکاری آنان هستیم تاثیر فراوانی در چگونگی ورود یک تشکل مدنی در حوزه های اجتماعی دارد. برای روشن شدن این گستره و تبیین سطوح مشارکت می توان از مدلی استفاده کنیم که شری ارنشتاین (Sherry Arnstein) با عنوان نردبان مشارکت ارائه کرد. این شمای کلی طیف مشارکت ذی نفعان را در طی همکاری با گروه های اجتماعی و رویکرد این گروه ها را در ارتباط با اعضا و ذی نفعان نشان می دهد.

## سطوح مشارکت:

| سطح مشارکت | تعریف                                     | حوزه های درگیر و دامنه نفوذ                                                                                                                                       |
|------------|-------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۸          | مشارکت در سطح بسیار بالا (مشارکت حداکثری) | اعضای گروه در تمامی بخش ها از جمله تعیین اهداف و تصمیم گیری حضور و نظارت دارند.                                                                                   |
| ۷          | مشارکت بالا                               | افراد در برنامه ریزی درگیر می شوند اما هنوز اعمال اقتدار از بالا وجود دارد.                                                                                       |
| ۶          | مشارکت نسبتا بالا                         | مردم و اعضای گروه به شکل انتخابی در برخی تصمیمات و برنامه ریزی ها مشارکت می کنند.                                                                                 |
| ۵          | مشارکت متوسط (اطلاع رسانی و مشورت)        | ابتکار عمل و ایده های اصلی از طرف برنامه ریزان ارائه می شود اما به نظر اعضای گروه اهمیت داده می شود و امکان اظهار نظر و مداخله به شکل بالقوه برای مردم وجود دارد. |
| ۴          | مشارکت نسبی                               | برخی از نظرات اعضا شنیده می شود. افراد نصیحت و راهنمایی می شوند و قسمت هایی از برنامه ها آماده اصلاح و تغییر است.                                                 |
| ۳          | مشارکت کم (ظاهر سازی)                     | با اعضا ظاهرا مشورت می شود اما برنامه ای تغییر نمی کند.                                                                                                           |
| ۲          | مشارکت خیلی کم (صحنه آرایی)               | اطلاعات گزینش شده اندکی به اعضا داده می شود و از آنان انتظار همکاری می رود.                                                                                       |
| ۱          | عدم مشارکت (عوام فریبی)                   | هیچ اطلاعات مهم و قابل اعتنایی به اعضا داده نمی شود و آنها در هیچ فرایندی مداخله نمی کنند و انتظار حضور بی چون و چرا و گسترده اعضا وجود دارد.                     |

سطوح بیان شده در سه بخش کاملا متفاوت قابل بررسی هستند.

**بخش اول:** که سطوح اول تا سوم را شامل می شود. در این سه سطح، اطلاق دقیق واژه مشارکت خطاست و تنها برای تبیین وضعیت عمومی از اصطلاح های مشارکتی برای تشریح شرایط استفاده می شود. زیرا سازمان ها و گروه هایی از این دست بر مبنای مشارکت تعریف نشده اند و اراده ای برای مشارکتی شدن در آن ها وجود ندارد. بلکه بیشتر ارائه ظاهری مشارکتی برای استفاده از مزایای احتمالی آن وجود دارد. در این سه سطح اعضا و مردم از اهداف و برنامه ها آگاهی لازم و مناسب ندارند و نمی دانند هدف از اجرای این برنامه ها چیست و چه دست آوردهایی خواهد داشت و خواست اصلی برنامه ریزان چه بوده است؟ حتی در تعدادی از این فعالیت ها شرکت کنندگان نمی دانند برنامه ریزان چه کسانی هستند. اما به هر نحو در این

سطوح به علت استفاده گاه به گاه از ادبیات مشارکتی در محاورات و انجام برخی حرکت های نمادین با شکل و شمایل مشارکتی ممکن است با ایجاد شرایطی ویژه و انجام تلاش هایی مثبت در جهت مشارکت، زمینه های جهش به مراحل بالاتر به وجود بیاید. اولین سطح قابل مشاهده در این پلکان وضعیتی است که به طور تقریباً خالصی شکل سامان یافته عوام فریبی اجتماعی است و در اشکال سیاسی صورت خاصی از توده گرایی است که معمولاً نقیضی بر رفتارهای دموکراتیک اصیل فرض می شود. حضور نمادین برخی از گروه های مردمی در برنامه های سالیانه از پیش طراحی شده (مثل روز کودک یا روز بدون دود و یا روزهایی دیگری که مشارکت کنندگانش تنها در حد بالا بردن یک پلاکارد دارای اهمیت هستند)، بدون آگاهی از آن چه در حال وقوع است از نمونه های بارز مشارکت در این سطح است حتی در پله های بالاتر، این برنامه هابه طور مشخص به صحنه سازی و ظاهر سازی بدل می شود. در سطح سوم (ظاهر سازی) ظاهر اعضا و شرکت کنندگان در برنامه حق اظهار نظر دارند اما در واقع امکان مداخله چندان مهمی در مورد موضوع و روندها و نتایج حاصله ندارند.

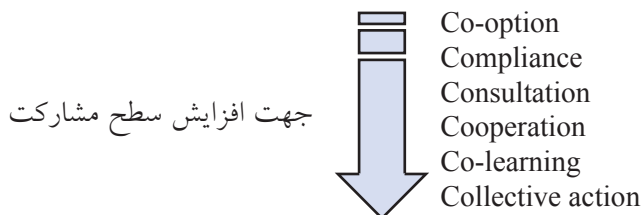
**بخش دوم:** که مراحل چهارم و پنجم را شامل می شود سطحی است که در آن اندیشه واقعی مشارکت وجود دارد و مدیران گروه یا سازمان به طور جدی در پی اعمال روش های مشارکتی هستند اما به دلایل متعددی از قبیل شرایط درونی گروه، عدم دانش کافی، محدودیت های اجتماعی و... مشارکت در عمل هنوز بسیار ضعیف است. اما نقطه تمایز این سطوح وجود اعتقاد به مشارکت از سوی برنامه ریزان و مدیران گروه یا سازمان است و اصول زیر به طور کلی پذیرفته شده است:

۱. مردم نسبت به اهداف گروه آگاهند و تا حد بالایی آن را درک کرده اند.
  ۲. تصمیم گیرندگان و برنامه ریزان گروه یا سازمان را می شناسند.
  ۳. برنامه های مشارکتی دارای معنایی واضح هستند.
  ۴. اعضا پس از دریافت اطلاعات کافی برای شرکت در برنامه ها داوطلب می شوند.
- از این سطوح می توان با نام هایی از جمله سازمان های مشورت پذیر استفاده کرد.

**بخش سوم:** که پله های شش تا هشت را شامل می شود سطحی است که اندیشه مشارکت به عرصه های عملی وارد شده است و علاوه بر اعتقاد همه ذی نفعان گروه، همه افراد صاحب دانش کافی برای ورود عملی به عرصه های مشارکتی هستند. این سطوح، سطوح مشارکت واقعی هستند و در پله آخر، مشارکت کامل به وقوع می پیوندد. سازمان هایی از این دست، سازمان مشارکتی تکامل یافته اند.

در این سطوح شکل حضور اعضا و مردم حالتی نمادین ندارد و سازو کارهای درون گروه در مسیر حداکثری کردن مشارکت و کاهش هر چه بیشتر موانع تعریف شده اند. در سطح هشتم مردم در تمام فرایندها از ابتدا تا انتها متناسب با میزان دانش و توان عمومی خود امکان مشارکت را پیدا می کنند.

برای راحت تر شدن درک سطوح مشارکت و تسهیل بخاطر سپاری آن می توان از تقسیم بندی مشابهی استفاده کرد که به آن مدل C۶ گفته می شود. که هر حرف C ابتدای واژه ای است که سطح مشارکت را تعیین می کند:



Co-option به معنای دعوت از افراد برای شرکت در یک گروه صرفاً بصورت صوری است. در این حالت چه بسا که فرد مزبور حتی دلیل حضور خود را نمی داند اما گروه یا برخی از افراد گروه در حقیقت به طریقی از حضور او منتفع می شود. قابل درک است که در این حالت سطح مشارکت بسیار پایین است. به عنوان مثال استفاده از کودکان پیش دبستانی برای گرفتن پلاکاردهایی حاوی جملات دشوار بهداشتی و راهپیمایی در خیابان عملاً مشارکت این کودکان را به همراه ندارد.

از مردم خواسته می شود تا نمایندگان خود را برای شرکت در جلسات معرفی کنند ولی به این افراد گفته می شود که تنها می توانند ناظر بر جلسات باشند و حق اظهار نظر و رأی دادن ندارند. گاهی نیز ادبیات جاری به حدی برای نمایندگان مردمی ثقیل و یا نامفهوم است که فضایی برای مشارکت نمی بینند.

Compliance در حقیقت تعیین وظیفه برای یک فرد اما با دادن عامل رغبت برانگیز برای اجرای آن یا با بکارگیری عامل تنبیهی در عدم اجرای آن است. در این سطح، عامل برانگیزاننده یا تهدیدکننده سائق فرد برای همکاری و «اجابت» است و هدف اصلی کار برای او بی اهمیت و چه بسا خطرناک است.

مردم در قبال غذا، پول نقد یا دیگر انگیزه های مادی، منابع خود را در اختیار پروژه می گذارند. یک نمونه از این نوع مشارکت، تحقیق مزرعه ای است که در آن کشاورزان زمین هایشان را در اختیار تحقیق می گذارند ولی خود در فرایند آزمایش و یادگیری دخیل نیستند. بعد از اتمام پروژه و قطع شدن انگیزه های مادی، معمولاً مردم منفعتی در ادامه فعالیت ها نمی بینند.

Consultation در این سطح فرد یا افراد مورد مشاوره قرار می گیرند. از آنها در مورد انجام یک فعالیت یا پروژه پرسش می شود ولی این مشاوره و نظرخواهی با ضمانت تأثیر همراه نیست. مثال آن حالتی است که نظر مغازه داران یک خیابان را در مورد اثرات یک طرفه کردن خیابان جویا شویم اما مطرح کنیم که نمی دانیم تا چه حد به نظرات آنها توجه خواهد شد!

با مردم مشورت می شود و بیرونی ها به نظرات آنها گوش می دهند. تعریف مسئله و راه حل به عهده حرفه ای های بیرونی است که ممکن است با توجه به عکس العمل های مردم تعدیلاتی را اعمال کنند. چنین فرایند مشورتی سهمی در تصمیم گیری برای مردم متضمن نمی شود و بیرونی ها ملزم به لحاظ کردن نظرات مردم نیستند.

Cooperation در این حالت فرد یا مردم با یک فرد بیرونی همکاری می کنند اما این فرد بیرونی است که نهایتاً جمع را هدایت و رهبری می کند و برای آنها تصمیم می گیرد. مردم معمولاً آن فرد را به عنوان کارشناس و صاحب علم و تجربه می پذیرند و باور دارند که او می تواند به آنها کمک کند و نتیجتاً با او همکاری کرده و در فعالیت مشارکت می کنند.

مردم برای تحقق «اهداف از پیش تعیین شده» مربوط به یک پروژه تشکیل گروه می دهند. این پروژه می تواند شامل توسعه یا ارتقا دادن یک روند سازماندهی اجتماعی باشد که از بیرون ابداع شده است. این گونه ورود مردم معمولاً در مراحل آغازین پروژه یا برنامه ریزی نیست؛ بلکه اغلب پس از آنکه تصمیمات اصلی اتخاذ شدند صورت می گیرد.

Co-learning در این سطح فرد یا عامل بیرونی از روش های تسهیلگری استفاده کرده و در صدد است که به مردم کمک کند که خودشان در مورد برنامه هایشان تصمیم گرفته و اجرا و ارزشیابی کنند. در این حالت تلاش می شود که تقسیم دانش و تجربه برای درک بیشتر بین همگان صورت گیرد.

مردم در تحلیل مشترک موضوعات با یک تسهیلگر بیرونی مشارکت می کنند که منجر به برنامه های عملی و تشکیل نهادهای محلی جدید یا تقویت نهادهای موجود می شود. این نوع فرایند سعی در استفاده از فرایندهای یادگیری جمعی دارد. نهادهای تشکیل یا تقویت شده معمولاً ابتدا به آغازگر و تسهیلگران بیرونی وابسته هستند ولی می توانند در آینده خود-اتکا شوند.

Collective action در چنین حالتی خود فرد یا مردم تصمیم می گیرند که برای خودشان کاری انجام دهند. حالت خودجوشی و عمل جمعی در غیاب آغازگر بیرونی وجود دارد و سطح مشارکت بسیار بالاست. مردم خود نیازهایشان را سنجیده و برای برآورده شدن آن برنامه ریزی می کنند و فعالیت های اجرایی را انجام می دهند. در این سطح مردم نسبت به خروجی فرایند احساس مالکیت داشته و در حفظ و پایداری آن می کوشند.

مردم مستقل از نهادهای بیرونی برای تغییر وارد عمل می شوند. آنها برای دسترسی به منابع و مشاوره های مورد نیاز، با نهادهای بیرونی ارتباط برقرار می کنند؛ ولی کنترل بر منابع در دست خودشان است. چنین بسیج و عمل جمعی خودجوشی ممکن است حتی توزیع های ناعادلانه ثروت و قدرت را به چالش بطلبد.

## داوطلب کیست؟

«و سرانجام آن چیست که انسان را وادار می کند به راه خود برود و از میان توده ی مردم برخیزد؟ ... آن چیزی است که معمولاً احساس مسئولیت نامیده می شود: عاملی غیر منطقی که موجب می شود انسان خود را از توده ی مردم و راه های پیش پا افتاده رها سازد. شخصیت حقیقی همیشه دارای حس مسئولیت، همانند قانون الهی عمل می کند که از آن راه گریزی نیست.» (کمال شخصیت، کارل گوستاو یونگ، ترجمه هایده تولایی)

سازمان های اجتماع محور نهادهایی مبتنی بر کار داوطلبانه اند. مقصود از این جمله این



است که حتی اگر بخشی از کارهای این سازمان ها توسط افراد حقوق بگیر (Staff) به انجام برسد، تکیه اصلی این سازمان ها بر کاری است که نیروی انسانی داوطلب آن انجام می دهند.

کار داوطلبانه فعالیت با ارزش است که از روزگار قدیم مبنای فعالیت های خیر خواهانه و انسان دوستانه بوده است. امروزه داوطلب بودن به یک ارزش اجتماعی در جوامع تبدیل شده است و سیاستگذاران اجتماعی گسترش فرهنگ کار داوطلبانه را به عنوان بخشی از ارتقاء اخلاقی جوامع مد نظر قرار داده اند.

در تعریفی ساده از یک داوطلب می توان گفت :  
**داوطلب کسی است که در مقابل تخصیص آزادانه زمان و  
 انرژی خود انتظار پاداش برنامه ریزی شده ای نداشته باشد**

داوطلب (Volunteer) یک سازمان غیردولتی انسانی است که در وهله نخست نسبت به



یک موضوع اجتماعی حساس شده است و احساس وظیفه ای برای انجام دادن کاری پیدا کرده است. این مرحله مهمی است که چنانچه براساس واقعیت های ملموس اجتماعی وهم چنین اطلاعات درست ایجاد نشده باشد درمراحل دشواربعدی، تمایل فرد را برای مشارکت دراین فعالیت اجتماعی به شدت دچار مشکل خواهدکرد.

هرداوطلب موجودی یگانه ومنحصر به فرد است. داوطلبان دراشکال،نژادها، رنگ ها و

سنین مختلف ظاهر می شوند و دارای توانایی ها و مهارت های بسیارمتفاوتی برای مشارکت در برنامه های سازمان های اجتماعی هستند ودلائلشان برای این مشارکت بسیار [متفاوت] ومتعدد است (Merrill-۲۰۰۵) داوطلب به هرشخصی اطلاق می شود که وقت،توان ومهارت های خود را آزادانه [و با میل و اراده]در اختیار سازمان های داوطلبانه قرار می دهد تا در دست یابی به اهداف آنها مشارکت کند. (Volunteer Canada - ۲۰۰۶)

یک فعالیت داوطلبانه فعالیتی است که فرد داوطلب بدون هدف کسب امتیازات مادی آن را انجام می دهد ونکته مهم دراین بین آن است که وی می داند که سود حاصل از این فعالیت به شخص دیگری غیر ازخود او، یعنی به یک گروه نیازمند اجتماعی،کمک به حل یک مساله عمومی و یا به طور مشخص به فردی که کمک جوست خواهد رسید «این در اختیار قراردادن آزادانه وقت و کمک افراد، داوطلبانه و بدون در نظرگرفتن بزرگی و کوچکی و یا ساختار سازمان های داوطلبانه است.» (همان منبع)

هرچند تمایل عادی رهبران اجتماعی و اکثر فعالان اجتماعی، جستجو برای یافتن داوطلبان در دامنه محدودی از افراد [مانند جوانان، زنان، دانشجویان و...] است، اما در واقع داوطلبان می توانند از هر قشری به گروه بپیوندند. سن، جنس، تحصیلات، مذهب، تجربه یا روش زندگی هیچ یک به عنوان مانعی در راه کمک [به کمک جوینان و حل مشکلات اجتماعی] نیست. (چامالا - ۱۳۸۳)



## انواع داوطلبان

افراد ممکن است کمک های داوطلبانه خود را به اشکال مختلف و از راه های گوناگونی به سازمان ارایه کنند که از جمله می توان به فعالیت های داوطلبانه ای که در فضای مجازی<sup>۱</sup> انجام می شود، اشاره کرد. اما به طور معمول افراد علاقه مندند تا با حضور در فضایی مشترک با کسب انرژی از بودن با دیگران، کمک های خود را ارایه دهند و هم چنین از کمک های فکری، عاطفی و عملی دیگران استفاده کنند. سازمان های داوطلبانه با دو گونه کلی داوطلبان سرو کار دارند.

### 🔵 گونه اول: داوطلبان موقت

داوطلب موقت فردی است که در برخی از فعالیت ها و برنامه های سازمان به صورت گاه به گاه مشارکت دارد. معمولاً بسیار علاقه مند است اما وقت کمی دارد و مسوولیت های اجتماعی و خانوادگی متعددی دارد و ممکن است یکی از دلایل عدم تمایل وی برای حضور دائم و منظم در برنامه ها، عدم امکان حضور فیزیکی به علل گوناگون از جمله بعد مسافت باشد. هدایت این گونه داوطلبان و طراحی برنامه هایی متناسب با وقت و توان آنها بسیار حائز اهمیت است. طراحی برنامه هایی برای استفاده از کمک های این داوطلبان در فضاهای مجازی بسیار مفید واقع خواهد شد.

### 🔵 گونه دوم: داوطلبان دائمی (یا نیمه دائمی اما دراز مدت)

افرادی هستند که وقت و انرژی کافی برای انجام فعالیت داوطلبانه دارند آن ها می توانند به طور منظم در فعالیت های سازمان مشارکت کنند و در صورت برنامه ریزی صحیح امکان استفاده منظم آنها در برنامه های دائمی سازمان وجود دارد.

## جدول مقایسه انواع داوطلبان<sup>۱</sup>

| داوطلب بلند مدت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    | داوطلب موقت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>- خود را وقف یک مسئله یا یک گروه کرده است.</li> <li>- برای تاکید بر ارزش فردی و هویتش از نقش خود در سازمان کمک می گیرد.</li> <li>- کار و وظیفه خود را به گونه های انجام میدهد که برای موفقیت طرح لازم است.</li> <li>- عامل مهم انگیزشی او ترکیبی است از نایل شدن به اهداف بزرگ و مقبولیت فعالیت.</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>- یک مشارکت کلی در برنامه های سازمان دارد.</li> <li>- نهایت ظرفیت و توان خود را بکار نمی گیرد.</li> <li>- معمولاً فعالانه برای ملحق شدن به سازمان به کار گرفته می شود.</li> <li>- اولویت وی به رسمیت شناختن آرمان های فردی او است نه الزامات دست یابی به اهداف و موفقیت گروهی که با آن کار میکند.</li> </ul> |

۱- Virtual

۲- منبع: پدram موسوی/ جزوه آموزشی مدیریت نیروی داوطلب/ موسسه کنشگران داوطلب/ ۱۳۸۴

مواردی که سازمان های داوطلبانه در به کارگیری داوطلبان جدید باید مد نظر قرار دهند:

- شناخت عوامل انگیزشی داوطلبان بالقوه، نگرانی ها و میزان تعهد آنها به اهداف گروه یا سازمان.
- ارتباط بین رهبران اجتماعی و داوطلبان بالقوه [در ایجاد انگیزش ها و هدایت داوطلبان بسیار مهم است]
- دقت درگزینش داوطلبان [منظور مراقبت از ورود افراد با پیشینه رفتارهای مخرب اجتماعی و .... می باشد]
- تعادل دقیق بین اهداف گروه یا سازمان با نیازهای فردی و انگیزه های شخصی داوطلبان (چامالا - ۱۳۸۳)

مورد آخر که پیشتر نیز بدان اشاره شد نکته ای اساسی است، چنان چه اغراض شخصی بر اهداف سازمانی غلبه کند سازمان دچار تشتت و از هم گسیختگی خواهد شد و به سمت چند دستگی و فرو پاشی پیش خواهد رفت و چنان چه اهداف سازمانی به طور خود کامانه ای بر انگیزه های فردی چیره شود. افرادی بدون هویت و پوشالی و در نهایت بدون انگیزه در اختیار سازمان خواهند بود که سازمان را از پویایی و شکوفایی و ارتقا تهی خواهد کرد.

### مهم ترین دلایل گرایش سازمان های جامعه مدنی به کار داوطلبانه

- ◀ فراهم آوردن همیاری در جامعه
- ◀ گسترش فرهنگ کار داوطلبانه در جامعه
- ◀ اقتدار افزایی در گروه های مشارکت کننده
- ◀ ارتقاء ارزش های اخلاقی
- ◀ تکمیل منابع و تجربیات کارکنان رسمی و افزودن به ارزش سازمان و فعالیت آن
- ◀ جانشین سازی برای مشاغل حقوق بگیر به ویژه زمانی که منابع مالی کافی برای به کار گرفتن کارکنان رسمی وجود ندارد.
- ◀ ایجاد مسیرهای ورودی برای جامعه (به ویژه برای گروه های ضعیف تر اجتماعی)
- ◀ برقراری ارتباط با سایر گروه ها
- ◀ برقراری ارتباط شخصی به هنگام ارایه خدمت به ذی نفعان
- ◀ همیاری در تأمین مالی برای سازمان
- ◀ امکان واکنش سریع به موقعیت های بحرانی و نیازهای متغیر
- ◀ پاسخ به تقاضای فردی برای انجام دادن کاری مفید در راستای تحقق اهداف.







## فصل سوم

# سازمان یابی اجتماعی



### چکیده و نکات اساسی

مردم به علت علائق مشترک، به خاطر دوستی و رفاقت، یا به دلیل نیازهای اجتماعی به هم می‌پیوندند و گروه‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. گروه‌ها با تعریف نقش‌ها و ساختارها سازمان می‌یابند و می‌توانند موجب شکل‌گیری سازمان‌های اجتماعی شوند. سازمان مجموعه‌ای از افراد هستند که بر اساس اصول و قواعدی تعریف شده و برای دست‌یابی به اهدافی که عموماً در باره آن‌ها به توافق رسیده‌اند با یکدیگر کار می‌کنند.

شکل‌گیری سازمان‌ها توسط مردم دارای دلایل عقلانی است و اصولی پیروی می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح است:

- ایجاد سازمان‌ها مبتنی بر اصل خردمندی است
- سازمان‌ها برای هدف خاصی شکل گرفته‌اند.
- سازمان‌ها دارای قواعد و مقررات هستند.
- در سازمان‌ها تقسیم کار و وظایف وجود دارد و سازمان باید رهبری شود
- فعالیت‌ها در سازمان هماهنگ و جهت‌دار است.
- مقصود از سازمان یابی در اجتماعات کوچک فرایند تبدیل گروه‌هایی است که در مقیاس‌های محله‌ای شکل می‌گیرند و برای دست‌یابی به اهدافی که افرادی در این اجتماعات در پی دست‌یابی به آن‌ها برنامه‌هایی را برای خود پیش‌بینی می‌کنند و در نهایت برای تضمین موفقیت خود قواعد و اصول را بنا می‌کنند و با تعریف ساختارهایی، گروه‌ها را تبدیل به سازمان‌ها می‌کنند.

مراحل مهم سازمان یابی اجتماع محور عبارت از:

- ارتباط با مردم و تحلیل اجتماع کوچک
- گرد هم‌آوری مردم (و سایر فعالیت‌های مربوط به بسیج اجتماع کوچک)

- کمک به شناسایی نیازها و داشته ها
- ایجاد یک اراده برای برطرف کردن نیازها (شعار برای تغییر، استفاده از رسانه،...)
- کمک به شناسایی اقدامات برای رفع نیازها
- کمک به شناسایی اهداف اختصاصی و عینی
- کمک به مردم در شکل دادن به یک سازمان و تعیین ساختارها و قواعد
- نگهداری و پایش سازمان برای دستیابی به آن اهداف
- انتخاب اولویت‌ها، ارزیابی راه‌های جایگزین و طراحی یک برنامه عمل
- انتقال نتایج کار به گروه و ارزشیابی و اصلاح می‌باشد

## اهداف این فصل :

- ◀ تعریف گروه چیست ؟
- ◀ نحوه شکل گیری گروه‌ها چگونه است؟
- ◀ مقصود از پویایی گروه و تحول گروه چیست؟
- ◀ تعریف سازمان کدام است؟
- ◀ مقصود از سازمان یابی اجتماعی چیست؟



## شکل گیری گروه ها و ایجاد سازمان های اجتماع محور



### تشکیل گروه و پویایی آن

شکل گیری گروه مبنای ایجاد سازمان های اجتماعی است. در واقع همه سازمان ها، گروه هایی هستند که واجد خصوصیات تازه ای شده اند. مهم ترین این ویژگی ها ایجاد ساختار، برنامه و تقسیم وظایف مشخص است. برای ورود به بحث سازمان یابی در گروه های اجتماع محور، لازم است مروری بر تعاریف گروه و نحوه شکل گیری آن بنماییم و سپس به فرایند شکل گیری یک سازمان بپردازیم.

### گروه چیست؟

از هومر، داستان سرای یونان باستان نقل شده است که «هر گاه مردی تنها باشد استعداد او کمتر و عقلش ضعیف تر است». تجربه روزمره و یافته های پژوهشی گویای آنند که مردم وقت زیادی را در سازمان هادر تعامل اجتماعی صرف می کنند. بسیاری از این معاشرت هادر گروه های کوچک روی می دهد. (میچل، ۱۳۸۳) تاریخ زندگی بشر بر روی زمین نشان از آن دارد که ما همواره در گروه ها زیسته ایم، زمانی که به صورت گروهی به دنبال شکار دویده ایم و یا زمانی که به صورت گروهی به دنبال یک توپ پلاستیکی در ورزشگاه های مملو از گروه های تماشاگران دویده ایم.

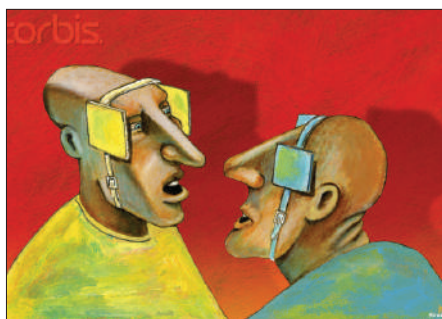
«گروه ها همه جا هستند: مخاطبان، هیت مدیران، کمیته ها، گروه های رقص، خانواده ها... باشگاه ها گروه های حمایت، تیم ها و بسیاری از موارد دیگر. دنیا پر از گروه ها است. اکثر انسان ها در آن واحد عضو چند گروه هستند و تعداد گروه های دنیا احتمالاً بیش از پنج بیلیون می باشد» (فورسایت، ۱۳۸۱ ص ۱۵) مردم به علت علائق مشترک، به خاطر دوستی و رفاقت، یا به دلیل نیازهای اجتماعی به هم می پیوندند. (میچل، ۱۳۸۳ ص ۲۷۱) شاید با همین استدلال ساده فرایند شکل گیری گروه ها قابل تبیین باشد، اما واقعیت این است که دلایل شکل گیری و پویایی گروه ها بسیار پیچیده تر است زیرا انسان ها با عقاید و علایق بسیار متفاوتی تمایل به شرکت در گروه ها را پیدا می کنند و رفتار شان در هنگام کار در گروه ها تفاوت فراوانی با رفتار هایشان در هنگام کار به تنهایی است. از سوی دیگر عوامل بسیار متعدد اجتماعی و محیطی بر این تعاملات اثر می گذارد، بسیاری از این عوامل از حیطه مهار افراد گروه خارج است اما بر روند انجام واقعی کار و وظایف

افراد در گروه تاثیر اساسی می گذارند. به همین دلیل روندهای شکل گیری و پویایی گروه هادر فهم رفتارهای اجتماعی و به ویژه در کنش های افراد در سازمان هابسیار اهمیت دارد.

در ساده ترین تعریف از گروه می توان گفت « گروه عبارت از دو یا چند فرد است که به هم وابسته اند و با تعامل اجتماعی بر یکدیگر تاثیر می گذارند (فورسایت، ۱۹۹۸) در سایر نوشته ها» تعاریف رسمی متعددی از گروه کوچک به چشم می خورد. عناصر مشترک این تعاریف گویای آنند که گروه کوچک متشکل از تعداد معدودی افراد است، معمولا کمتر از ده نفر، که مدت مدیدی از معاشرت و تعامل با یکدیگر برخوردارند. در چنین رابطه ای افراد علایق مشترکی پیدا می کنند که اغلب در اهداف مورد توافق متجلی می شوند. (میچل، ۱۳۸۳) بسیاری از نظریه پردازان در توصیف گروه ها بر وابستگی متقابل تاکید دارند ولی برخی از آن ها نیز خصوصیات دیگری چون ارتباط، نفوذ، هویت و ساختار را مهم می دانند. (فورسایت، ۱۳۸۱ ص ۲۱)

تاثیرگذاری بر یکدیگر خصوصیت لازم برای اطلاق نام گروه بر یک جمعیت انسانی است اما داشتن یک هدف یا علاقه مشترک خصوصیتی است که در صورت عدم وجود آن به سختی می توان از عنوان گروه نام برد و شاید در نگاهی سهل گیرانه تر بتوان گفت در صورت عدم وجود این ویژگی گروه ها حالتی ناپایدار خواهند داشت و فرایند تحول آن ها برای تشکیل تیم و سازمان یابی صورت نخواهد گرفت. در گروه هایی که این علاقه ها و هدف های مشترک وجود دارد « چیزی وجود دارد که آنان (افراد گروه) را به هم پیوند می دهد. اغلب اعضا در باره گروه به عنوان یک موجودیت سخن می گویند... ما این را انجام می دهیم... یا ما چنین می اندیشیم. گروه معمولا تاریخچه ای دارد و در مکانی ویژه تشکیل جلسه می دهد یا به کار اشتغال می ورزد، مجموعه ای پابرجاست با اینکه اعضای آن می توانند بیایند و بروند. اعضای گروه اکثرا با هم معاشرت می کنند و اغلب اوقات با هم تعامل چهره به چهره دارند.» (میچل، ۱۳۸۳ ص ۲۷۰)

## ویژگی های اصلی در تعریف گروه ارتباط



اصلی ترین وجه شکل گیری یک گروه ایجاد رابطه است. اصلی ترین روش ایجاد ارتباط گفت و گو است. در مبحث سرمایه اجتماعی ( نگاه کنید به فصل....) خواهیم گفت که مبنای ایجاد یک ارتباط وجود حداقلی از اعتماد است، مثلا وقتی در صف منتظران مترو در یک ایستگاه شما از فرد

کناری خود ساعت می پرسید یک گروه کوچک - هرچند موقت- شکل گرفته است اگر خوب دقت کنیم اقدام به این پرسش نیاز به وجود حداقلی از اعتماد دارد .

### تاثیر

ارتباط بین دو نفر منجر به تاثیر گذاری خواهد شد بنابر این گروه شرایطی را ایجاد می کند که افراد بر دیگران تاثیر می گذارند و از آنها تاثیر می پذیرند

### تعامل

«گروه یک نظام اجتماعی است که اعضایش به طور منظم با هم تعامل و یک هویت گروهی مشترک دارند. یعنی بر گروه احساس « ما بودن» حاکم است ، احساسی که باعث می شود اعضای گروه خودشان را به یک ماهیت خاص متعلق بدانند» ( جانسون، ۱۹۹۵ ص ۱۲۵ به نقل از فورسایت، ۱۳۸۱ ص ۲۲)

تعامل در گروه شکل های مختلفی دارد اما بخش قابل توجهی از آن به تکلیفی که گروه برای آن تشکیل شده است برمی گردد ...همچنین برخی از تعاملات هم به جنبه میان فردی یا اجتماعی- هیجانی زندگی گروهی برمی گردد.( فورسایت، ۱۳۸۱ ص ۲۴)

### وابستگی و روابط متقابل

متقابل بودن روابط و وابستگی بین افراد گروه از مواردی است که بسیاری از صاحب نظران به عنوان وجه اصلی در تعریف گروه به آن اشاره کرده

### هویت مشترک

به گمان بسیاری ایجاد ارتباط و تاثیر گذاری متقابل شرط کافی برای شکل گیری گروه نیست بلکه زمانی می توان به رابطه دو یا چند نفر عنوان گروه را اطلاق کرد که «دو یا چند نفر خودشان را عضو آن بدانند و حداقل یک نفر دیگر وجودش را به رسمیت بشناسد» (براون، ۱۹۸۸، ص ۲-۳ به نقل از فورسایت ۱۳۸۱ ص ۲۲) بندرت پیش می آید که کسی از عضویت خودش در گروه ها بی خبر باشد اکثر انسان ها متوجه وجود گروه ها و عضویت خود در آنها هستند و سایر اعضای گروه ها را می شناسند. هویت مشترک می تواند موجب ایجاد هویت اجتماعی گردد. « هویت اجتماعی عبارت است از در نظر گرفتن خودمان به عنوان اعضای یک گروه یا رده اجتماعی. هویت اجتماعی (هویت جمعی) شامل تمامی خود پنداره هایی می شود که محصول عضویت ما در گروه های اجتماعی هستند. (همان منبع، ص ۲۷)

### وجود ساختار

هر چند بنا به نظر بسیاری ایجاد ساختار ، گروه را تبدیل به یک تیم و آنگاه یک سازمان می کند اما برخی معتقدند در یک گروه به مثابه یک واحد اجتماعی اعضا کمابیش جایگاه مشخصی دارند و بر اساس حداقلی از نقش های خود با هم ارتباط دارند.

## چرا مردم به گروه می پیوندند؟

مردم با توجه به طیف علایق و نیازهای خود تمایل به پیوستن به گروه‌ها را پیدا می کنند.



برخی از این موارد در بالا اشاره شده است اما در یک جمع بندی می توان دلایل پیوستن مردم به گروه‌ها و کمک کردنشان به پویایی گروه‌ها را به این شکل خلاصه کرد:

### ➤ مردمان دیگر را ملاقات کنند

مردم نیازمند ملحق شدن به دیگرانند و نفس بودن با دیگران دلیل قانع کننده‌ای برای تعاملات اجتماعی و حضور در گروه‌هاست.

برخی از آن به عنوان ارضای نیازهای وابستگی نام برده‌اند.

### ➤ دانش و مهارت‌های تازه بیاموزند

گروه‌ها می توانند در خصوص خود و درباره جهان خارج منابعی از اطلاع باشند. دیگر افراد می توانند به عنوان مبنایی برای مقایسه عمل کنند. همچنین تجربه دیگران با تجربه شما متفاوت است و بنابر این اطلاعات (و تجربیات) تازه‌ای در اختیار شما قرار می گیرد. (میچل، ۱۳۸۳ ص ۲۷۸)

### ➤ یک سرگرمی داشته باشند.

### ➤ علائق و اهداف خود را پیگیری کنند.

عضویت در یک گروه ممکن است اهدافی را برای فرد برآورد که به تنهایی نیل به آن‌ها دشوار باشد. اغلب لازم است که مردم به هم بپیوندند و توانایی‌های خود را مشترکاً به کار بگیرند تا به حصول اهداف خویش نایل آیند

### ➤ اهداف بزرگتر و والاتری برای زندگی خود بسازند

نهایت هدفی که در پس ذهن افراد برای حضور در گروه‌ها و مشارکت در تعاملات اجتماعی متصور است ساختن اهدافی والاتر و دست یابی به آرزوها و آرمان‌هایی بزرگتر است. این اهداف و آرمان‌ها گاه شخصی است اما در بسیاری موارد این اهداف به آرمان‌هایی اجتماعی تبدیل می شود. منشاء بسیاری از تحولات اجتماعی خواست آرمان‌های بزرگ در بین کسانی است که عموماً در گروه‌های اجتماعی عضویت دارند.

## تحول گروه (Group Development)

گروه‌ها به قدرت، فعالیت، انعطاف پذیری و شتاب گرایش دارند (فارسایت، ۱۳۸۱)



ص ۳۰) این گرایش ذاتی در طول مراحل شکل‌گیری تا گسترش عملکردهای گروه نمود دارد. صاحب‌نظران برای تبیین فرایندی که گروه‌ها در این مسیر طی می‌کنند از اصطلاح پویایی گروه (group dynamic) استفاده می‌کنند. در تعریفی سراسر است شاید بتوان گفت پویایی گروه «رشته‌ای تحقیقاتی است که هدفش پیشبرد دانش انسان در مورد گروه‌ها، قوانین تکوین و تحول آن‌ها و روابط متقابل گروه‌ها با افراد، دیگر گروه‌ها و موسسات بزرگ است» (همان منبع ص ۳۰). کورت لوین که به اعتقاد بسیاری بنیانگذار

جنبش علمی مطالعه گروه هاست، برای اشاره به نقش کنش‌ها و واکنش‌های افراد و گروه‌ها در تغییر شرایط، از اصطلاح پویایی گروه استفاده می‌کرد.

هسته مرکزی در بحث پویایی گروه‌ها بر این اساس بنا شده است که گروه واحدی زنده است که با محیط خود در تعامل است، از محیط انرژی و منابع می‌گیرد، ساختارش را حفظ می‌کند و به مرور رشد می‌کند و بزرگ می‌شود. بر اساس این نظریه گروه چیزی بیش از جمع افراد آن است. افراد در گروه گاه دست به کارهایی می‌زنند که برای تک تک آنان بعید به نظر می‌رسد که می‌توانستند همه با هم نیز آن کار را بکنند.

تحول گروه بحثی ناظر بر این اندیشه زنده بودن گروه‌ها و فرایند تغییر مداوم آن است. بروس تاکمن در نظریه تحول گروه پنج مرحله اصلی را برمی‌شمرد که اکثر گروه‌ها آن را طی می‌کنند.

### مرحله اول: مرحله شکل‌گیری

در این مرحله اعضای گروه دور هم جمع می‌شوند. این مرحله در مقایسه با کل دوران حیات گروه دوام چندانی ندارد. افراد بنا به دلایل موقت یا پایدار به گرد هم می‌آیند اما این اتفاق به زودی به سر می‌رسد

### مرحله دوم: مرحله برخورد و اختلاف‌ها

اعضای گروه در پی یافتن جایگاه خود در گروه و مشخص کردن دقیق وضعیت خود در آن هستند و بر سر این جایگاه‌ها و نیز علایق و اهداف ویژه خود که آن‌ها را اهداف گروه نیز فرض می‌کنند با دیگر اعضای گروه اختلاف پیدا می‌کنند. این مرحله طوفانی،

مرحله ای سرنوشت ساز در گروه هاست. بسیاری از گروه ها در این مرحله از هم خواهند پاشید و راهی به مراحل بعد پیدا نخواهند کرد اما از درون این اختلاف ها و چالش ها به تدریج توانمندی ها و علائق گروهی افراد مشخص می شود و راهی به ایجاد ساختارها و ملاک ها گشوده می شود.

### مرحله سوم: مرحله هنجار سازی

در این مرحله به تدریج انگاره های ارتباط در گروه مشخص می شود و باعث تعریف اصول و ملاک هایی می شود که در قالب آیین نامه ها و یا کدهای اخلاقی، مسیر حرکت گروه را در مراحل بعدی روشن می کند در این مرحله با ایجاد ساختارها و ملاک ها اختلاف ها فروکش می کنند، و اعضای گروه به تدریج پی می برند که چه کسانی شایستگی مدیریت گروه را دارند و یا چه کسانی بهتر می توانند در تعیین راهبردهای گروه کمک کننده باشند. به بیان دیگر حیات اولیه گروه با تغییر و دگرگونی شدید مشخص می شود. هر چند پس از اندک مدتی مسایل از ثبات و قوام برخوردار می شوند. مردم آغاز به درک این نکته می کنند که جای مناسب آنان کجاست و چه انتظاری از آنان می رود تعامل های بعدی ثابت تر و پیش بینی پذیرتر می شود.

ایجاد نظم و قاعده نتیجه طبیعی تعریف نقش ها و هنجارها در گروه است. به اعتقاد برخی از متخصصین در این مرحله می توان از واژه تیم برای گروه استفاده کرد به این مفهوم تیم، گروهی است که در آن نقش ها و هنجارها تعریف شده است و نظم و قاعده ای بر گروه حاکم شده است.

### مرحله چهارم: مرحله عملکرد

گروه ها زمانی حالت مولد پیدا می کنند که نظم و قاعده بیابند در این مرحله که اوج مراحل تحول گروه محسوب می شود گروه از محدوده مخالفت ها و مسائل مربوط به ساختار یابی و نظم دهی فراتر می رود و بر عملکردش متمرکز می شود. وجه ممیزه سازمان ها به مثابه گروه های سازمان یافته در این مرحله قابل مشاهده است. یعنی زمانی که از یک سازمان یاد می کنیم به گروهی اشاره می کنیم که با تعریف ساختارها و هنجارهای خود دارای برنامه های مشخصی است که منجر به مشاهده عملکرد و تولید در آن ها می شود.

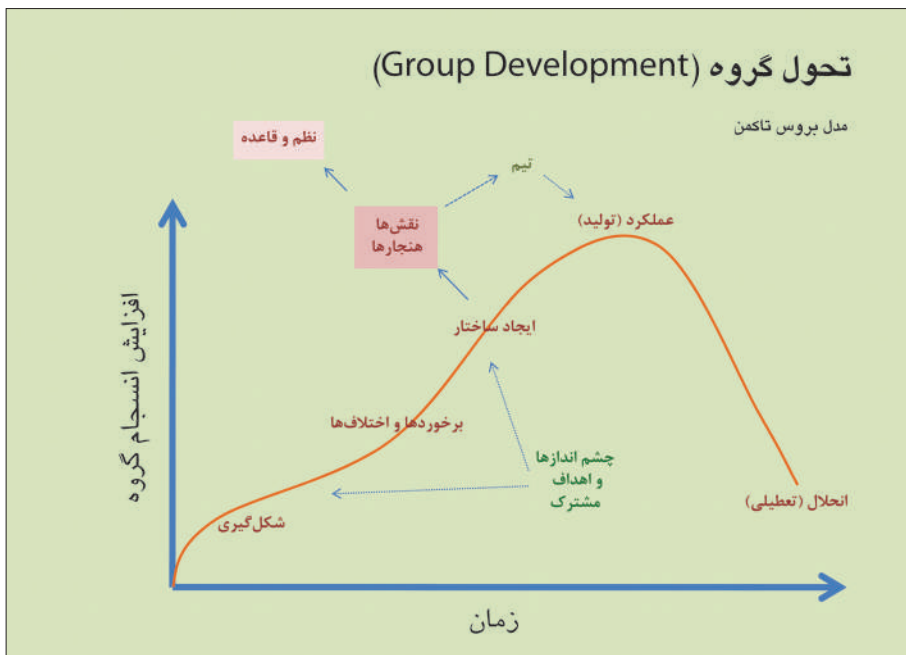
برای اینکه گروهی کارآمد باشد [یا کارآمدی آن افزایش یابد] سه چیز لازم است: ۱) سخت کوشی و تلاش، ۲) توانایی ها و مهارت های شایسته و درخور ۳) راهبرد مناسب مربوط به کار یا فرایند گروهی

### مرحله تعطیلی

گروه ها برای انجام کاری شکل می گیرند. ممکن است زمان انجام این کار به سر آید و یا آن کار به انجام برسد، بدیهی است که زمان زندگی گروه به پایان خواهد رسید. ممکن است به دلایل دیگری گروه نتواند به حیات خود ادامه دهد و مرگ آن فرارسد. اما اعضای گروه می توانند با پیش بینی و رصد اتفاقاتی که به مرگ گروه منجر خواهد شد تمهیداتی را



برای ادامه زیست خود بیابند. هر چه علایق اعضا و اهدافشان مشخص تر و پایدارتر باشد، احتمال بازسازی های دوره ای و ادامه حیات گروه وجود دارد.



### سازمان یابی اجتماعی (Community Organizing)

افراد به گروه ها می پیوندند و گروه ها متحول می شوند، از پس برخوردها و تنش های درون گروه سرانجام قواعد و هنجارها سر بر می آورد و گروه ساختار می یابد. گروه های ساختار یافته با تدوین برنامه و تعیین نقش ها به سازمان ها بدل می شوند.

سازمان ها نمادهای غالب در زندگی امروز ما هستند. هر چند سازمان ها به قدمت تاریخ حضور ما بر این کره قدمت دارند اما آنچه دنیای امروز ما را به دنیایی از سازمان ها بدل کرده است، افزایش شگفت انگیز این نهادها و پیچیده تر شدن آنهاست به شکلی که ما امروزه گاه با سازمان هایی به بزرگی یک شهر روبرو می شویم. از سوی دیگر در دنیای پیچیده امروز زندگی کردن بدون وجود سازمان ها غیر قابل تصور است، به گفته نویسنده کتاب مردم در سازمان ها «جامعه ما جامعه ای سازمانی است. فعالیت هایی که تولد، تحصیلات، کار، تفریح، رشد معنوی و مرگ ما را احاطه کرده اند، اغلب توسط یک سازمان تنظیم می شوند و یا تحت تاثیر آن قرار می گیرند»

در این بخش قصد داریم مختصری در باره مفهوم سازمان سخن بگویم و آنگاه در باره این موضوع که چگونه گروه هادر مقیاس های محلی می توانند سامان بیابند و برای دستیابی موثر به اهداف خود تبدیل به سازمان هایی در مقیاس های محله ای بشوند.



## تعاریف و اصول اساسی

### سازمان چیست؟



سازمان مجموعه‌ای از افراد هستند که بر اساس اصول و قواعدی تعریف شده و برای دست یابی به اهدافی که عموماً درباره آن‌ها به توافق رسیده‌اند با یکدیگر کار می‌کنند. اصطلاح سازمان به چندین چیز اطلاق می‌شود. مثلاً اغلب آن را با واژه‌هایی از قبیل ساختمان یا جهت دار مترادف می‌دانند. همچنین از سازمان این مفهوم مستفاد می‌شود که با هرج و مرج متضاد است [و در آن‌ها] قواعد و مقرراتی وجود دارد، اهداف و مرادهایی موجود است، نمودارهایی برای تشریح این نکته وجود دارد که چه کسی باید با چه کسی گفت و گو کند، سلسله مراتب فرمانده (رهبری) آشکارا توصیف شده‌اند، و افرادی به انجام وظایف متفاوتی اشتغال دارند که با هم هماهنگ و تلفیق شده‌اند. (میچل، ۱۳۸۳ ص ۳۸)

### اصول اساسی در تعریف سازمان

#### ❶ ایجاد سازمان‌ها مبتنی بر اصل خردمندی است

مقصود از این بیان این است که انسان‌ها بر اساس اصل انتخاب عاقلانه به این تصمیم می‌رسند که برای انجام بهتر و درست‌تر کارها و برای موثرتر بودن فعالیت‌هایشان وجود سازمان‌ها ضروری است. به همین دلیل می‌توان گفت هرچه جوامع پیشرفته‌تر می‌شوند و کارهای مورد نیازشان بیشتر و گسترده‌تر می‌شود، انسان خردمند نیاز بیشتری به سازمان‌ها و فعالیت‌های سازمانی پیدا می‌کند.

#### ❷ سازمان‌ها برای هدف خاصی شکل گرفته‌اند.

در بحث تحول گروه به این موضوع اشاره شد که تنها گروه‌هایی می‌توانند از پس دوره اختلاف‌ها و آشوب‌ها برآیند که اهداف مشترکی در بین افراد آن وجود داشته باشد. زمانی که یک گروه ساختار می‌یابد و بدل به سازمان می‌شود این اهداف و علایق فردی در اهداف سازمانی متجلی می‌شود. در واقع فرایند ایجاد سازمان به نوعی مجموعه فعالیت‌هایی برای

دست یابی به اهدافی از پیش اندیشیده شده. (هدف گذاری<sup>۱</sup>) «این اهداف معمولاً به عنوان آرزوهای اعضای سازمان تعریف می شوند. در زمان های گذشته که سازمان ها کوچک تر و ساده تر بودند، تشخیص این اهداف امری نسبتاً آسان بود. امروزه، در موارد بسیار ممکن است تعریف این اهداف دشوارتر باشد... اهداف علاوه بر انجام وظیفه به عنوان یک پیوند مشترک، ممکن است به عنوان یک معیار ارزیابی نیز عمل کنند و در بسیاری از موارد کارایی<sup>۲</sup> سازمانی به عنوان میزان حصول اهداف تعریف می شود. (همان منبع)

## وجود قواعد و مقررات

آنچه یک گروه را تبدیل به یک سازمان می کند تعریف قواعد و مقررات است. به طور معمول این اتفاق با تدوین آیین نامه ها و اساسنامه ها که در آن نقش ها و جایگاه ها تعریف می شود آغاز می شود. تدوین قوانین و مقررات مشخص می کند که هر کسی چه کاری را در چه زمانی انجام می دهد، سازوکارهای پاسخگویی چگونه است، افراد چگونه با یکدیگر مرتبط می شوند و فعالیت های سازمان چگونه نظارت و ارزشیابی می شود.

## در سازمان ها تقسیم کار و وظایف وجود دارد و سازمان باید رهبری شود

تقسیم کار جزء اساسی در سازماندهی گروه هاست و در این بین مشخص کردن شیوه های رهبری در سازمان و تعیین افرادی برای انجام این وظیفه، از مهم ترین کارهایی است که باید به انجام برسد. در فرایند تشکیل گروه، اعضا به تدریج توانایی های خود را نشان خواهند داد و در این میانه اعضای سازمان تشخیص می دهند که چه کسانی قدرت رهبری بالاتری دارند و بهتر است امور راهبردی را کدام مجرا پیگیری شود. به اعتقاد صاحب نظران سازمان پیروزی یا شکست هر سازمانی را می توان به رهبری آن نسبت داد.

## فعالیت هادر سازمان هماهنگ و جهت دار است.

مهم ترین وظیفه ای که برای رهبری در سازمان ها مطرح است هماهنگ کردن امور و قرار دادن آن هادر یک جهت مشخص است. این فرایند زمانی به درستی انجام خواهد شد که اسناد راهنمایی برای آن موجود باشد به همین دلیل سازمان ها عموماً دارای برنامه های راهبردی هستند که چشم اندازها و ماموریت سازمان در آن ها تعریف شده است. چشم اندازها به شکلی کلی بیان کننده مسیر کلی سازمان هستند و ماموریت سازمان نشان دهنده آن است که سازمان برای چه اهدافی و با رعایت چه ارزشهایی و با چه روش هایی برای رسیدن به این چشم اندازها اقدام خواهد کرد.

Goal setting -۱

Effectiveness -۲

### ◀ ساختارها در هر سازمان به صورتی آگاهانه طرح ریزی شده است.

هر سازمانی متناسب با اهداف خود، حوزه فعالیت هایش و طیف توانایی ها و علائق اعضای خود، ساختارها و برنامه های خود را طراحی می کند. ساختارهایی که با توجه به این اصول بنا نشده باشند، ساختارهایی شکننده و بی پایه خواهند بود که در جریان فعالیت های سازمان ناکارآمد و غیر موثر خواهند بود.

### ◀ سازمان با محیط خارج ارتباط دارد.

این نکته که سازمان در خلا ایجاد نمی شود و در خلا فعالیت نمی کند حایز اهمیت فراوان است. سازمان ها موجوداتی زنده هستند که به تمام اجزاء پیرامون خود، شامل سازمان های دیگر، گروه ها، مردم، سازه های شهری و ... در ارتباطی مداوم هستند. سازمان بر محیط خود تاثیر می گذارد و از این محیط تاثیر می پذیرد.



## سازمان یابی اجتماعی (Community Organizing)

هر چند اصول کلی در سامان یافتن گروه‌ها از مدلی کلی پیروی می‌کند. اما در اجتماع‌های کوچک که از آن گاه با عناوینی چون جامعه محلی یا اجتماع کوچک یاد می‌شود، تفاوت‌هایی در توالی و الویت‌های سازمان‌یابی مشاهده می‌شود. بخشی از این تفاوت‌ها به ساختارهای خاص این جوامع مربوط است و بخشی نیز به تفاوت در اهداف و نیازها در سطح محلی باز می‌گردد. پیش از اشاره به اصول کلی در سازمان یابی در گروه‌های اجتماع محور لازم است چند اصطلاح کلیدی در این حوزه به تعریف کشیده شود.



### مقصود از Community چیست؟

بنا به نظر اکثر منابع موجود می‌توان گفت تعریف اجتماع (Community) بیش از هر چیز براساس مرزهای جغرافیایی آن تعیین می‌شود در این صورت هر محله، مدرسه، کارگاه، مجتمع ساختمانی یا کارگاه مصداق آن به شمار می‌رود. اما آنچه به طور دقیقتر تعریف اجتماع را شکل می‌دهد، احساس تعلق مشترک افراد به آن، منافع مشترک آنها، نیازها و دارییهای مشترک آنها، و روابط و تعاملهای نزدیک و چهره‌به‌چهره آنهاست. گروهی دیگر با اندکی گستردگی در تعریف گفته‌اند: «اجتماعات می‌توانند بر اساس اشتراکات جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و یا مولفه‌های دیگر به تعریف در آیند» (Easterling&Galagher&Lodwick, 2003) در این تعریف علاوه بر تمرکز بر مرزهای جغرافیایی که در تعریف اجتماع کوچک بر آن تاکید می‌شود بر اشتراکات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی تاکید ویژه می‌شود. این اختلاف در تعریف community از اینجا منشأ می‌گیرد که گروهی بر این عقیده‌اند که تا زمانی که گروه‌های انسانی در مرزهای جغرافیایی گرد هم نیامده باشند نمی‌توان واژه اجتماع را بر آنها اطلاق کرد اما در دنیای امروز گروه‌های بسیاری از مردم در ارتباطی بویا و موثر با یکدیگر به پیگیری علائق و اهداف مشترک خود می‌پردازند بدون آنکه در مرزهای جغرافیایی مشترکی در کنار یکدیگر باشند. شاید اشاره به دو مفهوم دیگر برای دست یابی به یک رویکرد منطقی مناسب باشد.

در ادبیات مرتبط با این موضوع به دو واژه دیگر اشاره می‌شود

Grassroots که می توان آن را جامعه محلی ترجمه کرد. این واژه به سازمان های اجتماعی اشاره دارد که توسط مردم و بدون دخالت افراد حرفه ای تشکیل شده است. این واژه به طور ضمنی به مردمی نظر دارد که بدون تجربه حرفه ای و تنها با اتکا به تجربه اجتماعی خود به ساخت اجتماع کوچک اقدام می کنند. در این مفهوم مرزهای جغرافیایی مورد اشاره اساسی قرار می گیرند و مقصود از جامعه محلی گروهی از مردم هستند که در یک مکان جغرافیایی زندگی می کنند.

واژه کمک کننده دیگر Association است که به انجمن برگردان شده است. در تعریف این واژه نیز همانند واژه پیشین می توان گفت انجمن یک گروه رسمی یا غیررسمی از شهروندان است که برای دستیابی به یک هدف مشترک با یکدیگر کار می کنند. آنها معمولاً با تمرکز بر یک دغدغه مشترک، تدوین یک برنامه مشخص، و اجرای فعالیت های معین، به این اهداف دست می یابند. اما در این مورد تأکیدی بر مرزهای جغرافیایی وجود ندارد. انجمن هائی توانند در فضای مجازی نیز شکل بگیرند و اقدام به پیگیری اهداف و دغدغه های اعضای خود کنند

به طور خلاصه می توان گفت که مردم یا در واحدهای جغرافیایی و یا به دلیل دغدغه های مشترک گرد هم می آیند و اجتماع کوچک شکل می گیرد به این فرایند در اصطلاح ساخت اجتماع کوچک یا (Community Building) اطلاق می شود. بنا به تعریف ساخت اجتماع کوچک زمانی است که مردم یا سازمان هایی که در اجتماع کوچک شکل گرفته اند، گرد هم می آیند تا برای محقق کردن اجتماع آرمانی خود کاری انجام دهند، این کار با تدوین برنامه هایی برای تجهیز همه منابع و امکانات اجتماع آغاز می شود.

### مولفه های اساسی در ساخت اجتماع کوچک

- ◀ یک آرمان اجتماعی (جامعه ایده آل) وجود دارد.
- ◀ این آرمان برآیند آرزوهای همه افراد اجتماع است.
- ◀ همه افراد اجتماع کوچک در شکل گیری این آرمان مشارکت کرده اند.
- ◀ اجتماع کوچک برای دست یابی به اهداف خود دارای برنامه مشخصی است.
- ◀ اجتماع کوچک دارایی ها (assets) خود را شناسایی کرده است.
- ◀ اجتماع کوچک آمادگی استفاده از منابع خارج از خود را دارد

### سازمان یابی اجتماع کوچک

با مقدمه ای که بیان شد می توان گفت مقصود از سازمان یابی در اجتماعات کوچک فرایند تبدیل گروه هایی است که در مقیاس های محله ای شکل می گیرند و برای دست یابی به اهدافی که افرادی در این اجتماعات در پی دست یابی به آنها برنامه هایی را برای خود پیش بینی می کنند و در نهایت برای تضمین موفقیت خود قواعد و اصول را بنا می کنند و با تعریف ساختارهایی، گروه ها را تبدیل به سازمان ها می کنند.



## مراحل مهم سازمان یابی اجتماع محور

- ◀ ارتباط با مردم
- ◀ تحلیل اجتماع کوچک
- ◀ گردهم آوری مردم (وسایر فعالیت های مربوط به بسیج اجتماع کوچک)
- ◀ کمک به شناسایی نیازها و داشته ها
- ◀ ایجاد یک اراده برای برطرف کردن نیازها (شعار برای تغییر، استفاده از رسانه،...)
- ◀ کمک به شناسایی اقدامات برای رفع نیازها
- ◀ کمک به شناسایی اهداف اختصاصی و عینی
- ◀ کمک به مردم در شکل دادن به یک سازمان و تعیین ساختارها و قواعد
- ◀ نگهداری و پایش سازمان برای دستیابی به آن اهداف
- ◀ انتخاب اولویتها، ارزیابی راه های جایگزین و طراحی یک برنامه عمل
- ◀ انتقال نتایج کار به گروه وارزشیابی و اصلاح











## فصل چهارم

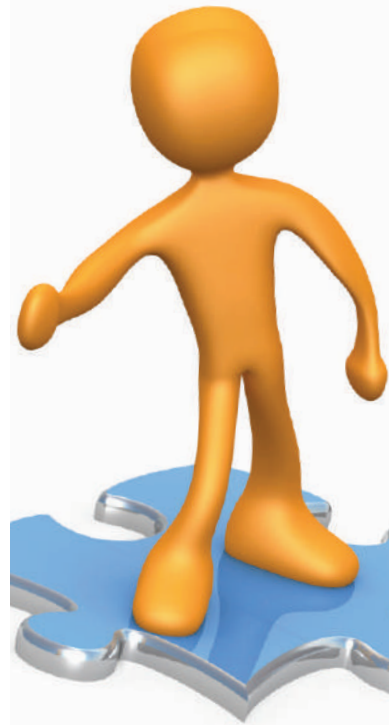
# سازمان‌های جامعه مدنی

### چکیده و نکات اساسی

سازمان‌های جامعه مدنی از جمله سازمان‌های اجتماعی هستند که در کنار سایر سازمان‌ها از جمله نهادهای دولتی و خصوصی با رویکردی غیرسیاسی و غیرانتفاعی به پیگیری نیازهای اعضای خود و سایر اعضای جامعه می‌پردازند. سازمان‌های غیردولتی (NGOs) یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه مدنی هستند که نقش کلیدی در ایجاد، گسترش و تعمیق آن دارند. برای سازمان‌های غیردولتی تعاریف نظری و کاربردی بی‌شماری بیان شده است، اما در یک جمع بندی این سازمان‌ها نهادهایی هستند با ساختار و سازماندهی مشخص که توسط دولت‌ها تأسیس نشده‌اند، اعضای آن شهروندان جامعه هستند که با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه گرد هم آمده‌اند و مهم‌ترین خصلت آن غیرانتفاعی و داوطلبانه بودن فعالیت‌ها در آن است. کارآرایی این سازمان‌ها در حوزه‌های گوناگون اجتماعی از قبیل حوزه محیط زیست، زنان و کودکان به طور نظری و عملی کاملاً به اثبات رسیده است.

بنا به تعریفی دیگر، سازمان غیردولتی سازمانی است که تشکیلات و ساختاری مشخص داشته باشد، عمده اعتبار آن از بخش غیردولتی تأمین شود، غیر انتفاعی و داوطلبانه بوده و پاسخ‌گوی تمام و یا بخشی از نیازهای جامعه خود باشد.

سازمان‌های اجتماع محور یکی دیگر از انواع مهم سازمان‌های جامعه مدنی هستند که ساختار، ویژگی‌ها و کارکردهای مخصوص خود را دارا می‌باشند. این بخش اساسی از جامعه مدنی به کوچکترین واحدهایی که گروهی از مردم برای اندیشیدن درباره خود و محیطشان تشکیل می‌دهند اشاره دارد اما همین ساختارهای محلی از بسیاری اصول پیش گفته در باره نهادهای جامعه مدنی تبعیت می‌کنند. به همین دلیل برخی این سازمان‌ها را «در واقع سازمان‌های غیردولتی در سطوح محلی



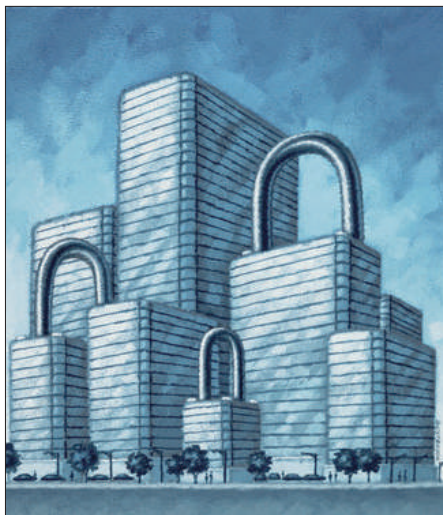
می‌دانند که اغلب به صورت غیررسمی تشکیل می‌شوند. از اجتماع کوچک (به عنوان اساس شکل‌گیری نهادهای محلی) «توده‌ای از مردم که در یک محل زندگی می‌کنند» یاد می‌شود. این سازمان‌های محلی نقش ویژه‌ای در برنامه‌های رفاه اجتماعی و سلامت در اکثر جوامع ایفا می‌کنند.

### اهداف این فصل :

- ◀ انواع سازمان‌ها کدامند و مقصود از سازمان‌های جامعه مدنی چیست؟
- ◀ سازمان غیر دولتی چیست؟
- ◀ تعریف سازمان‌های اجتماع محور و رویکرد جامعه محوری؟
- ◀ سازمان‌های غیر دولتی و اجتماع محور چه کارکردهایی دارند؟

## نهادهای جامعه مدنی<sup>۱</sup> (CSO)

« چیزی که انسان را بر حیوان فضیلت می بخشد نهادهای عرف هاست»  
(جی، برنت<sup>۲</sup> نقل از جامعه باز و دشمنان آن نوشته کارل پوپر)



در فصل پیش گفتیم که انسان در دنیایی از سازمان ها زندگی می کند. برپایی سازمان ها نمادی از عقلانیتی است که آدمی را از سایر زیستمندان جهان متمایز می کند، زیرا سازمان یابی نشانی از جست و جوی آدمی برای دست یافتن به بهترین پاسخ ها برای پرسش هایی است که هیچ گاه به پایان نخواهد رسید. از همین رو، گروه ها در جوامع بشری بسیار متنوعند و سازمان ها بسیار رنگارنگ. شاید بتوان اجتماعات انسانی را رنگین کمانی از گروه ها و سازمان ها نام نهاد که در گستره ای هماهنگ

در کنار یکدیگر نشسته اند و هر یک به زندگی آدمی رنگی ویژه می بخشند. خانواده نهادی است که در آن به دنیا وارد می شویم و با نخستین موجودات از جنس خودمان زندگی می کنیم. به مدرسه پا می گذاریم، دنیایی بزرگتر و نهادی پیچیده تر که روابط انسانی گونه ای متفاوت است. در گروه های ورزشی، مذهبی یا خیریه، شکل دیگری از نهادها را تجربه می کنیم. کارمند یک سازمان بزرگ دولتی می شویم و در روابطی یک سر متفاوت با آنچه در سایر نهادها تجربه کرده ایم روبرو می شویم. پرسش این است: چرا به نهادها و سازمان هایی این همه گوناگون نیاز داریم؟ آیا این تنوع موجود ناظر بر تنوعی در نیازهاست و یا خود این تنوع دارای جذابیت است؟ ارائه پاسخی سراسر به این پرسش هاسخت می نماید، اما اگر به شکلی وارونه از جایی که سازمان ها ایستاده اند شروع به حرکت کنیم، در خواهیم یافت که سازمان ها دارای کارکردهایی ویژه برای خود هستند و خاستگاه هر یک از آنها با دیگری تفاوت دارد. مثلاً سازمانی برای تامین پول اعضای خود تشکیل شده است و تلاش می کند با ارائه خدمات یا کالاهایی به کسب منفعت بپردازد. و یا سازمانی توسط دولت شکل گرفته است تا روابط خارجی کشور را

۱- Civil Society organization

۲- J. Burnet, Early Greek philosophy

با دیگر کشورها سامان دهد. از این منظر شاید بتوان سازمان های موجود در اجتماع را در دسته بندی های کوچک یا بزرگی قرار داد.

در یک تقسیم بندی کلی می توان سه گونه اصلی سازمان ها را در جوامع مدرن شناسایی کرد. گونه اول سازمان هایی هستند که با رویکردی سیاسی وارد عرصه اثر گذاری بر رویدادهای اجتماعی می شوند. از مهم ترین این سازمان های توان به احزاب اشاره کرد. فعالان یک حزب با حضور در سازمان هایی که به دولت و وظایف دولتی مربوط می شوند به فعالیت اجتماعی می پردازند.

گونه دوم سازمان ها با رویکردی اقتصادی شکل گرفته اند. این سازمان ها که نمونه شاخص آن شرکت ها هستند به اعضای خود اجازه می دهند با مشارکت در فرایندهای اقتصادی به اجتماع خود یاری برسانند.

گونه سوم از سازمان های موجود در اجتماع که موضوع سخن ما هستند، نهادهایی هستند که بدون رویکردهای سیاسی و اقتصادی تمایل به مشارکت در روندهای اجتماعی را دارند. بدون شک زمانی که انگیزه های سیاسی و اقتصادی را از فعالیت های بشری حذف - و یا کم رنگ - کنیم ، باید به دنبال انگیزه هایی معقول و منطقی برای ورود به عرصه های اجتماعی بگردیم . این انگیزه ها، انگیزه هایی برخاسته از تمایل ذاتی بشر برای کمک به دیگران ، موثر بودن در سرنوشت خویش و احساس حضور موثر در اتفاقاتی است که در اجتماع او رخ می دهد و بر زندگی او تاثیر می گذارد. این گونه سوم از بخش سوم اجتماع که به آن جامعه مدنی می گوئیم ، منشا می گیرند.

نهادهای جامعه مدنی را به عنوان زیرمجموعه ای از نهادهای اجتماعی» شاید بتوان به عنوان پاسخ هایی پایدار برای مسایل مهم و پایدار در نظر گرفت « (لنسکی ۱۳۶۹) در



برداشتی کلی نهادهای جامعه مدنی به کلیه سازمان ها، گروه ها و فعالیت های سامان مندی که در درون جامعه مدنی شکل می گیرد اطلاق می شود و علی الاصول باید واجد شرایطی باشند که قابل تشخیص از نهادها و سازمان های بخش دولت و بخش خصوصی باشد. با نگاهی ویژه تر و با رویکردی سازمان یافته سازمان های غیردولتی و تشکلهایی را که توسط مردم راه اندازی و اداره می شوند را می توان اصلی ترین گونه از سازمان های جامعه مدنی دانست.

بنا به یک تعریف نهادهای جامعه مدنی «طیف وسیعی از سازمان هایی با مشخصات غیر دولتی و غیر انتفاعی هستند، که در حیات عمومی جامعه حضور دارند. علائق و خواسته ها



و ارزش های اعضای خود و یا دیگران را بر اساس ویژگی های عرفی، فرهنگی، سیاسی، علمی و مذهبی و بشردوستانه مبتنی بر خواست جوامع خود بیان می دارند (www.world-bank.org)

بنا به یک تعریف عام نهادهای اجتماعی مدنی، سازمان هایی غیردولتی هستند به این معنا که مردم داوطلبانه آن ها را ایجاد کرده اند و خود آنها را مستقل از دولت ها اداره می کنند و غیرانتفاعی هستند به این معنا که انگیزه سود آوری را برای یک فرد یا گروهی از افراد ندارند. (پیر نظر، ۱۳۷۹)

هم چنین بخش هایی از نهادهای حکومتی که از جامعه مدنی پشتیبانی می کنند (مانند بخش های مهمی از قوای مقننه و مجریه) و موسسات آموزشی و فرهنگی که ارزش فعالیت های جامعه مدنی را تبلیغ و تشویق می کنند در زمره همین سازمان ها هستند، اما در مجموع بزرگترین بخش از نهادهای جامعه مدنی آن هایی هستند که به عنوان سازمان های جامعه مدنی خوانده می شوند.

سازمان های جامعه مدنی به طور کلی به نهادهایی گفته می شود که به وسیله مردم تشکیل شده اند مانند انجمن های غیررسمی از قبیل مجامع همسایگی کوچک، باشگاه های ورزشی و فرهنگی و سازمان های بزرگ که به طور رسمی به ثبت رسیده اند. با گسترش روز افزون جامعه مدنی و اهمیت فزاینده آن در اداره کشورها، طی دهه های اخیر نهادهای مدنی از لحاظ کمی و کیفی گسترش فراوانی داشته اند و به جزء لاینفک از حیات اجتماعی در کشورهای توسعه یافته مبدل گشته اند. این روند در کشورهای در حال توسعه به شکل موثری در حال گسترش و تعمیق است. این نهادها متناسب با تحول پذیری جامعه مدنی در طول زمان و مکان های مختلف دارای اشکال و انواع متعددی شده اند و متناسب





با کارکردهای گوناگون، خود را باز تعریف و بازسازی می کنند. طی سالیان اخیر این نهادها در کشورهای پیشرفته و نیز در کشورهای در حال توسعه بیشترین رشد را داشته اند.» به عنوان نمونه در کشور فرانسه حدود ۶۵۰ هزار سازمان غیر دولتی در حوزه های گوناگون در حال فعالیتند.» (بهشتی ۱۳۸۱)

پژوهش هایی که در هشت کشور بزرگ صنعتی انجام شده نشان می دهد که سازمان های غیرانتفاعی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۰ میلادی یازده میلیون و نهصد هزار کارمند (staff) داشته اند و ششصد و چهارده میلیارد دلار به مصرف رسانده اند. در آلمان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۸۵، سیزده درصد از افزایش شغل را این سازمان ها ایجاد کرده اند. در آمریکا ۱/۴ میلیون سازمان غیرانتفاعی با سرمایه ای برابر با پانصد میلیارد دلار وجود دارد.

باید در نظر داشت که بدون اطلاعات دقیق و موشکافی در اطلاعات موجود مشکل بتوان تعریف روشنی از جامعه مدنی و نهادهای آن در مقام یک نیروی موثر و کارآمد به دست داد. مثلاً به خوبی مشخص نیست که شرایط کار در این سازمان ها در مقایسه با شرایط کار در بخش دولتی و بخش خصوصی چگونه است؟

بدیهی است زمانی که از انگیزه های ایجاد این سازمان ها سخن می گوئیم، شرایط آرمانی و ایده آل را در نظر داریم و چنان که ممکن است یک سازمان دولتی و یا یک سازمان بخش خصوصی را به ناصواب برود، سازمان های جامعه مدنی هم بی لغزش نیستند، و همواره هدف های شریف اجتماعی یا روحیه دموکراتیک سرچشمه انگیزه های آن هانیست.... «نمونه های فراوانی از سازمان هایی وجود دارند که مقررات و شرایط قانونی سازمان های جامعه مدنی را دارند اما فاسد و خطا کارند»<sup>۲</sup> (پیرنظر، ۱۳۷۹)

#### ۱- Non profit organization

۲- بنابراین داشتن آگاهی درست و دقیق درباره این که آیا سازمان های تازه بنیاد جامعه مدنی، رفتار عادلانه ای نسبت به بازار کار سستی دارند اهمیت بسیار دارد. به دیگر سخن، نظارت برگسترش نهادهای مدنی از این منظر دارای اهمیت است که عدم توجه به اعلام خطر اندیشه و رزان رادیکال می تواند این نهادها را تبدیل به «خرابه نشین» هایی کند که مردم (که اغلب آنها زنان و افراد دواز قدرت جامعه خواهند بود) با دستمزدهای اندک به آنجا تبعید شوند و نمونه های تازه دیگری از نابرابری و استثمار تکرار شود.

## موازن ارزش های مشترک در سازمان های جامعه مدنی

سازمان های جامعه مدنی ارزش های اجتماعی مشترکی دارند. در زیر به تعدادی از آنها اشاره می شود.<sup>۱</sup>



### الف- فراگیری و نبود تبعیض

استقبال از همه اعضای علاقه مند جامعه، پذیرش آن ها، گوش فرا دادن به ندای آن ها و نیز شرکت دادن آن ها در امور اجتماعی، در ذات سازمان جامعه مدنی نهفته است. این سازمان ها باید نماینده ی گسترده ترین گروه ها و خواسته های آن ها باشند. در ساختار آنها نباید هیچ گونه تبعیضی بر اساس جنس، نژاد، هویت قومی یا مذهبی، ناتوانی جسمی و هرگونه ویژگی های مردمی دیگر وجود داشته باشد.

### ب- مشارکت در مدیریت

سازمان های جامعه مدنی نمونه یک حکومت دمکراتیک هستند. این سازمان ها باید به همان مبانی دمکراتیکی متکی باشند که برای دولت ها می خواهند و تبلیغ می کنند. چه در داخل ساختار سازمان خودشان و چه در سطح جامعه به طور عام نباید چیزی را پوشیده نگاه دارند و باید شرکت مردم را در امور خویش تشویق و ترغیب کنند.

### ج- دسترسی عموم به سازمان و پاسخگو بودن آن

سازمان های جامعه مدنی بر پایه اعتماد مردم به آن ها در مدیریت شایسته و اداره سازمان در نهایت دوستی بنا می شوند. بنابراین، سازمان مستقیماً مسؤول و جوابگوی مردم و نیز هر سازمان دولتی است که بر کارهای آن نظارت دارد.

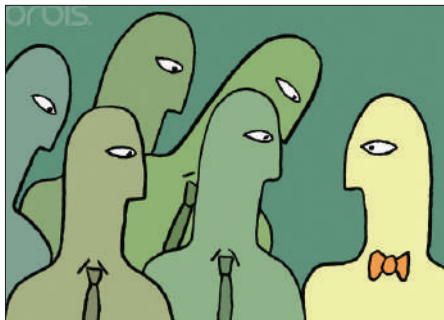
### د- ایجاد حس مشارکت مردم

سازمان های جامعه مدنی از لحاظ نظری و عملی، غالباً کارهای غیر دمکراتیک دولت ها و افراط کاری بخش بازرگانی را به باد انتقاد می گیرند این سازمان ها نه تنها باید در کارهای خود بسیار دقیق و سخت گیر باشند، بلکه نباید در تحصیل مشارکت مردم، دولت و بخش بازرگانی کوچکترین فرصت را از دست بدهند. هم چنین مهم است که سازمان های جامعه مدنی با دیگر سازمان های همانند پیوستگی داشته باشند و روحیه همکاری و کمک به یکدیگر را فعال کنند.

۱- نقل و خلاصه شده از کتاب جامعه مدنی چیست؟ نوشته: مریم پیرنظر

## گونه شناسی سازمان های جامعه مدنی

سازمان های فعال در حوزه جامعه مدنی بسیار متنوع و گسترده اند. از اتحادیه های صنفی



تا باشگاه های فوتبال، سازمان های خیریه محله ای تا کنفدراسیون های بزرگ و سندیکاها، همگی در ذیل تعریف این سازمان ها قرار می گیرند. آنچه مد نظر ما در این فصل است ارایه تعریفی از دو گونه مهم و فراگیر از این سازمان هاست .

گروه اول که با عنوان سازمان های غیر دولتی<sup>۱</sup> نامیده می شوند، طی سالیان اخیر طرف بحث

و مناقشه های بسیار بوده اند. گروه دوم سازمان های اجتماع محور یا سازمان های محله ای هستند که با توجه به تمرکز ما در این کتاب بر فعالیت آن هادر مداخله و پیشگیری از آسیب های اجتماعی ، به طور خاص به تعریف کشیده شده اند.

## سازمان های غیر دولتی (Non Governmental Organization)

### تعاریف و اصول پایه

«مردم در برابر فرایند فردی شدن و تجزیه اجتماعی مقاومت می کنند و مایل به گردهم آمدن در سازمان های اجتماع گونه هستند که در طول زمان احساس تعلق و درنهایت، در موارد بسیار، هویتی فرهنگی و اجتماعی ایجاد کنند. فرضیه من این است که برای رخ دادن چنین چیزی فرایندی از بسیج اجتماعی ضرورت دارد یعنی مردم باید درگیر نهضت شهری شوند. تا از طریق آن منابع مشترک کشف و از آن دفاع شود. شکلی از سهیم شدن در زندگی پدید آید و معنای تازه ای تولید شود.»  
(مانوئل کاستلز - عصر اطلاعات)

آن چه در وهله نخست درباره سازمان های غیردولتی می توان گفت آن است که این سازمان ها ریشه در مفاهیمی بنیادین دارند. مفاهیمی که از دل فهم عمومی و خواست

۱- در چند سال اخیر از واژه «سمن» یا سازمان های مردم نهاد برای نامیدن این سازمان ها استفاده شده است. نویسنده این سطور با این نام موافقت ندارد زیرا این عنوان وجهی اثباتی دارد که از این منظر بسیاری از سازمان های بخش خصوصی و بسیاری از نهادهای حکومتی از قبیل مجلس مشمول این تعریف خواهند شد . در صورتی که واژه غیردولتی وجه مهم سلبی این سازمان ها را به رخ می کشد که اهمیت اساسی در نحوه کار این نهادها دارد.

انسان امروز برمی خیزد. خواستی که منتج به این بیان اساسی می شود، « مرا نیازی نیست به کسی تا به جای من بیاندیشد، تصمیم بگیرد و عمل کند. (پیرونیا ۱۳۸۴) بنابه قولی» هیچ کس نمی تواند و نمی بایستی به جای ما بیاندیشد. زیرا هیچ کس قادر نیست که اندیشه فردی را به جای او زندگی کند. (جهانگلو -۱۳۸۴)

سازمان های غیردولتی باجمع شدن انسان هایی که با درک عمیق مشکلات خاص جامعه خود سازمان می یابند و با هدف حل معضلات اجتماعی به دور از حمایت، هدایت و تحکیمات آمرانه نهادهای رسمی و دولت هایی پدید می آیند که اغلب نمی خواهند به ضعف عملکرد و توان خود اعتراف کنند. سازمان غیردولتی مفهومی است که نمی توان تعریفی خاص و دقیق و جامعی برای آن قائل شد و تاریخچه پیدایش معینی برای آن ذکر کرد. با این حال رشد بی سابقه این گونه سازمان ها و کارکرد خارق العاده آن ها در حل معضلات و ناهنجاری های بشری (خاصه در شهرها) باعث شده است تا این نهاد جامعه انسانی، از مفهومی تقریباً ناشناخته با حیطه ی وظایفی ثابت و محدود، به گونه ای شگفت آور تغییر یافته و به بازیگری قدرتمند در عرصه ملی و بین المللی تبدیل شود.<sup>۱</sup>

هرچند از عمر سازمان های غیردولتی زمان زیادی نمی گذرد و هنوز بسیاری از جنبه های



حقوقی آن به خوبی تشریح و موشکافی نشده است، اما کارآرایی این سازمان ها در حوزه های گوناگون اجتماعی از قبیل حوزه محیط زیست، زنان و کودکان به طور نظری و عملی کاملاً به اثبات رسیده است. سازمان های غیردولتی می توانند با فعالیت در حوزه عمومی، شرایط را برای نیل به مفاهیمی همچون شهروندی جهانی و آشکارسازی ابعاد

مسئولیت و حوزه های کنش آن در روند جهانی سازی فراهم آورند. در یک نگاه واقع گرایانه، سازمان های غیردولتی هنوز یک مفهوم نظری در حال تکامل هستند.

سازمان های غیردولتی یک تعریف کامل و جامع که مورد قبول همگان باشد ندارند و وجود استقلال و دامنه مجاز فعالیت های آن مورد توافق همگان نیست. هر بخش و نهادی از دیدگاه کارکردی و با توجه به زمینه های مشترک در کار، از بعد خاصی این سازمان ها را تعریف می کند. (پیرونیا ۱۳۸۴)

شاید بتوان یکی از دلایل عمده رشد و تکامل سازمان های غیردولتی را دربارور شدن مفهوم

۱- از منظری دیگر شاید بتوان گفت به دلیل تمرکز قدرت و تصمیم گیری در کشورهای در حال توسعه و بویژه کشور ما (و با توجه ویژه به حوزه سلامت و آسیب های اجتماعی که موضوع سخن ماست)، اختلاف منافع با دولت مساله اصلی گروه های اجتماعی نیست بلکه عدم برنامه ریزی درست است که پاسخ طلبی و راه نمایی را می طلبد و نه ایجاد حس مقابله و این برخلاف وضعیت بسیاری از کشورهای توسعه یافته است که به دلیل عدم تمرکز قدرت، گروه های گوناگون اجتماعی در ابعاد متعدد به دنبال منافع گروهی خود هستند.

«جامعه مدنی جهانی» در سال های اخیر جستجو کرد. بسیاری معتقدند نفرت و دلزدگی ناشی از فجایع جنگ جهانی دوم و جنگ های محدود و منطقه ای پس از آن و نیز احتمال بروز جنگ های فراگیر که مایه سلب آسایش و احساس امنیت فکری و روحی شده است و نیز ناکارآمدی نهادهای سیاسی و با باورهای صلب باعث شده تا ملت ها هم پای نوسازی خویش به تدریج به ضرورت مشارکت و نظارت بر دولت های خویش در امور مربوط به کشور، حکومت و روابط بین الملل پی ببرند و با سازمان دهی خویش در چهارچوب هایی همانند سازمان های غیردولتی، نوع همکاری و تعامل با دولت ها را نهادینه سازند. بعدها این ساختار تکامل یافته و به امری تبدیل شد که می توانست با بهره گیری تام از مهم ترین عامل قدرت، یعنی مشروعیت یافتن از سوی مردم، به اعمال فشار بر دولت ها برای تغییر در وضعیت های نامطلوب، توجه به اموری خاص و یا انجام فعالیت ویژه بپردازند. پشتیبانی مردم مسأله ی مهمی در مشروعیت افراد و صاحبان قدرت در حوزه ی محلی و ملی و بین المللی است که خود را در مسائلی نظیر انتخابات شهرداری ها و مجالس نشان می دهد. در جریان فرایند توسعه، هم دولت ها و هم سازمان های بین المللی بر آن شدند تا با ارائه و تدوین ساز و کارهای خاص، انرژی سرشار سازمان های غیردولتی را نهادینه ساخته، در جهت اعتلای اهداف خود و جوامع ملی و بین المللی به کار گیرند. تدوین قطعنامه ۳۱ / E / ۱۹۹۶ در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، اوج موفقیت سازمان ملل در نهادینه سازی این روابط به شمار می آید. ([www.unrisd.org](http://www.unrisd.org)) دولت هانیز درسطوح ملی تلاش کرده اند، تا با تصویب قواعدی ویژه برای ثبت و دسته بندی سازمانهای غیر دولتی، آنها را در رسیدن به اهدافشان یاری کنند.

### تعریف جامع سازمان های غیردولتی

نخستین تعریفی که بر اساس نام این سازمان می توان ارائه داد تعریف فراگیر زیر است:

**هر سازمان یا هر گروه منسجم و سازمان یافته ای که توسط دولت و بخش خصوصی تاسیس نشده و به طور مستقل اداره می شود سازمان غیردولتی خوانده می شود.**

تعریف مذکور این امکان را ایجاد می کند تا کلیه تشکلهای خیریه، امدادرسان، تجاری، بازرگانی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، علمی، حقوقی، اداری، سیاسی، فنی، معنوی، گردشگری و نظایر آن را در این مجموعه گرد هم آوریم. اما تاکنون با توجه به ساختار و هدف سازمانهای غیردولتی و نیز به دلیل آن که این سازمانها بر اساس قوانین حقوقی درونی دولت هابه وجود می آیند، امکان دست یابی به یک تعریف جامع جهانی فراهم نیامده است. با وجوداین تعاریف مختلف و بسیاری از سوی نهادهای بین المللی و محققان ارایه شده است

بنا به یک تعریف، یک سازمان غیردولتی شخصیتی غیرانتفاعی است که اعضای آن شهروندان یک یا چند کشورند که نوع فعالیت آن به منظور پاسخ گویی به احتیاجات فرد، جامعه و یا جوامعی که سازمان مذکور با آن ها همکاری می کند، تعیین می شود (که البته مستقل از دولت یا دولت ها عمل می کند) (پیروز نیا، ۱۳۸۴)

بنا به تعریفی دیگر، «سازمان غیردولتی، تشکلی مستقل، منعطف، دموکراتیک و غیرانتفاعی است که فعالیت های خود را جهت کمک به تقویت بنیه های اقتصادی و اجتماعی گروه های حاشیه ای، حل معضلات عامه و گاه رفع مسائل قشری خاص متمرکز کرده اند.» (همان منبع)

از منظری دیگر «سازمان غیردولتی سازمانی است که با ساز و کاری تعریف شده برای فراهم ساختن زمینه های همکاری میان گروه های ملی درباره مسایل (ملی یا) بین المللی به ویژه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، انسان دوستانه و تکنیکی اقدام می کنند.» (همان منبع)

طبق تعریف ارایه شده از سوی اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل؛ سازمان غیردولتی به هر سازمان غیردولتی و داوطلبانه اطلاق می شود که در سطح محلی، ملی یا بین المللی فعالیت دارد و افرادی با علائق مشترک آن را ارائه و اداره می کنند. خدمات انسان دوستانه، توجه دادن مردم به اعمال دولت، نظارت بر سیاست های اتخاذ شده از سوی دولت و تشویق به مشارکت سیاسی و اجتماعی، در شمار فعالیت های این سازمان ها قرار می گیرد.

بر اساس این تعریف سازمان هایی از این نوع، با تحلیل و کارشناسی امور، نقشی مشابه سازمان های هشدار دهنده را ایفا می کنند. (www.unrisd.org)

اما تعریف موجود در بانک اطلاعات سازمان های غیردولتی ایران، ارائه شده در همایش نقش و جایگاه سازمان های غیردولتی در عرصه فعالیت های ملی و بین المللی (دفتر مطالعات وزارت کشور، ۱۳۸۰) این سازمان ها را به این شکل تعریف کرده است:

سازمان غیردولتی، سازمانی است که تشکیلات و ساختاری مشخص داشته باشد، عمده اعتبار آن از بخش غیردولتی تامین شود، غیر انتفاعی و داوطلبانه بوده و پاسخ گوی تمام و یا بخشی از نیازهای جامعه خود باشد.

تمامی تعارف فوق، دلالت بر یک نکته دارد و آن اندیشه ایجاد رویه ای جدید در به

انجام رسیدن امور جوامع انسانی است. رویه ای که یک وجه آن کاهش کنترل های سایر نهادهای فعال در جامعه - مقصود بخش خصوصی و بخش دولتی است - می باشد و وجه دیگر آن کاهش انگیزه ی منفعت طلبی شخصی در انجام امور می باشد (انگیزه ای که رکن اصلی جامعه سرمایه داری در جهان امروز است)

سازمان های غیردولتی در بخش های مختلفی که برای جوامع انسانی در آن نوعی عدم امنیت و احساس ترس و نگرانی وجود دارد (مانند چالش هایی که در حوزه محیط زیست به وجود آمده و یا گسترشی که در میزان و شدت آسیب های اجتماعی از جمله اعتیاد رخ داده است) می توانند وارد عرصه عمل گردند.

### ● مهم ترین خصوصیات سازمان های غیر دولتی

- ◀ دارای ساختار و سازماندهی مشخص هستند.
- ◀ توسط دولت ها تأسیس نشده اند.
- ◀ غیر انتفاعی اند، یعنی افراد عضو آن نفع مالی مستقیم ندارند.
- ◀ اعضای آن شهروندان جامعه هستند.
- ◀ با هدف پاسخ گویی به نیازهای جامعه شکل می گیرند.
- ◀ ساختار عملیاتی مستقل از دولت ها دارند.
- ◀ ساختار دموکراتیک (مردم سالار) دارند.
- ◀ سازمان های انعطاف پذیرند (یعنی متناسب با نیازهای جوامع خود، از درون، برنامه ها و استراتژی های خود را اصلاح می کنند)
- ◀ فعالیت های اعضای آن داوطلبانه است.
- ◀ در تمام سطوح محلی، ملی و بین المللی فعالیت می کنند.
- ◀ اعضای آن دارای علایق مشترک هستند (نه الزاما عقاید مشترک)
- ◀ اعضای آن به اصول و ارزش های اجتماعی جوامع خود پای بند هستند.
- ◀ هدف نهایی آن ها تقویت توانایی های مردم است.
- ◀ به احزاب سیاسی وابستگی ندارد.
- ◀ در تمام حوزه های اجتماعی از قبیل تجارت، علوم، محیط زیست، فرهنگ، مذهب و.... فعالیت می کنند.
- ◀ ساختار مالی آن مبتنی بر بخش های غیردولتی است.



## سازمان های اجتماع محور (CBOs) Community Based Organizations

زمانی که از سازمان های جامعه مدنی سخن به میان می آید بلا فاصله ذهن اکثر افراد به سمت



سازمان های غیر دولتی و نهادهای مشابه آن معطوف می گردد. اما همان گونه که پیشتر اشاره شد سازمان های جامعه مدنی دارای انواع متعددی هستند که هر یک ساختار، ویژگی ها و کارکردهای مخصوص خود را دارند. یکی از انواع آن، سازمان های اجتماع محور (یا محله ای) است. اطلاق سازمان به این گونه نهادها بیش از آن که به ساختارهایی مشابه سازمان های دولتی و غیردولتی اشاره داشته باشد بیشتر برای تاکید بر وجود سامانه ای از ارتباطات پیش بینی پذیر و هدفمند میان تعدادی از افراد است که دغدغه ها و نیازهای مشترکی دارند. و از

سوی دیگر برای همگن کردن مفهوم عمومی این گروه ها با سایر نهادهای جامعه مدنی است. به هر روی این بخش اساسی از جامعه مدنی به کوچکترین واحدهایی که گروهی از مردم برای اندیشیدن در باره خود و محیطشان تشکیل می دهند اشاره دارد اما همین ساختارهای محلی از بسیاری اصول پیش گفته در باره نهادهای جامعه مدنی تبعیت می کنند. به همین دلیل برخی این سازمان ها را «در واقع سازمان های غیردولتی در سطوح محلی می دانند که اغلب به صورت غیر رسمی تشکیل می شوند» (سعیدی ۱۳۸۲)

سازمان های اجتماع محور، مشارکت اجتماعی را تا خرد ترین اجزای جوامع گسترش می دهند و این امکانی است که به ندرت می توان در میان سایر اشکال گروه های اجتماعی تا این حد از گستردگی و نفوذ مشاهده کرد.

اولین اجتماعات انسانی و فعالیت های انسان دوستانه در جهان به قدمت عمر انسان است و نمی توان تاریخ دقیق و مشخصی برای آن تعیین کرد. عبارت اجتماع کوچک (Community) طی سه قرن اخیر و پس از انقلاب فرانسه بیشتر وارد گفتمان رایج فعالان و نظریه پردازان اجتماعی شده است. از قرن هجدهم بسیاری از فلاسفه علوم اجتماعی در اروپا سعی در ارائه تعریفی جامع از اجتماع کوچک کرده اند. اما علی رغم تمامی این کوشش ها تعریفی جامع و مانع از اجتماع کوچک وجود ندارد. واژه نامه آکسفورد از اجتماع کوچک به عنوان «توده ای از مردم که در یک محل زندگی می کنند» یاد کرده است (میربیگی، ۱۳۸۵) از معروف ترین نظریه پردازان این حوزه «نیاند تونیز» می باشد. وی در کتاب معروف خود Gessellechaft and Gemeinschaft به تعریف دو گونه اجتماع

بشری پرداخت. در Gemeinschaft مشخصه قوانین اجتماعی، ارتباطات فردی، ارتباط با سنت ها و احساس تعلق خاطر قوی نسبت به آن ها است در حالی که در Gessellschaft قوانین اجتماعی، شامل ارتباطات فردی معقول و حساب شده همواره با محدودیت های قانونی یا اقتصادی است. (همان منبع)

مطابق این تعریف روستا به عنوان یک اجتماع کوچک حقیقی است و نمایانگر شکل کامل همبستگی اجتماعی است، روابط عمومی بر احساس تعلق و تعامل است و سنن و هنجارها مشترک هستند که عمل جمعی را شکل می دهند.

بر اساس تعریفی کلی می توان اجتماع کوچک را به عنوان تجمع محلی مردمی تعریف کرد که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خصوصیات سیاستگذاری، مشکلات و نیازها، مشترک هستند. در واقع در این تعریف از اجتماع کوچک به عنوان واحدهای همگن یاد شده است که اعضای آن با یکدیگر در راستای اهداف مشترک فعالیت می کنند. به طور مثال اجتماع کوچک می تواند نیازهای بهداشتی خود را اعلام و برنامه های مورد نیاز را طراحی کند. ریفیکن و همکارانش در تعریف مشارکت اجتماعی بیان داشته اند اجتماع کوچک یعنی گروهی خاص با نیازهای مشترک که در یک منطقه جغرافیایی تعریف شده زندگی می کنند (ماکارو، ۱۳۷۸)

اجتماع (Community) در یک تعریف سر راست، براساس مرزهای جغرافیایی آن تعیین می شود در این صورت هر محله، مدرسه، کارگاه، مجتمع ساختمانی یا کارگاه مصداق آن به شمار می رود. اما آن چه به طور دقیق تر تعریف اجتماع را شکل می دهد، احساس تعلق مشترک افراد به آن، منافع مشترک آن ها، نیازها و دارایی های مشترک آن ها و روابط و تعامل های نزدیک و چهره به چهره آن ها است.

گروهی دیگر با اندکی گستردگی در تعریف گفته اند: «اجتماعات می توانند بر اساس اشتراکات جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و یا مولفه های دیگر به تعریف در آیند.» (Easterling & Galagher & Lodwick, ۲۰۰۳)

چنان چه در تعاریف فوق دقت کنیم منطقه جغرافیایی وجه مشترکی است که در تعریف اجتماع کوچک همواره بر آن تاکید می شود ولی سایر جهات با یکدیگر متفاوت است و این موضوع را می توان به عنوان اصلی ترین مشخصه متمایز کننده این گونه نهادها از سایر نهادهای جامعه مدنی به حساب آورد.

این سازمان ها همانند سایر نهادهای جامعه مدنی در مسیر افزایش مشارکت مردم در

سرنوشتشان گام بر می دارند و در این راه مجبورند اصولی هم چون هدف گذاری مشخص و تدوین برنامه را مد نظر قرار دهند. اما از آن جا که شکل گیری این گروه ها بر پایه نیازها و دغدغه های گروهی از مردم که پیش تر نیز با یکدیگر در ارتباط بوده اند صورت می گیرد فرایند تشکیل گروه می تواند با سهولت بیشتری انجام شود و از آن جا که معمولا همه اعضای اصلی گروه در یک وجه که اشتراک در فضای زندگی است، نزدیکی بالایی با هم دارند، بسیاری از مشکلات دست و پا گیر سایر سازمان ها از قبیل بعد مسافت اعضا از یکدیگر و دفتر گروه، مشکل مکان تجمع و کار و در درجه بعدی مشکلات مالی کمتری گریبان این گروه ها را می گیرد.

با دقت بر برخی جزییات اصل ثابت شده مشارکت اجتماعات محلی در فرایندهای برنامه ریزی، می توان دلایل اختصاصی دیگری برای توجیه مداخله اجتماع و ساکنانش در برنامه های توسعه ای و مداخله در اجرای برنامه های ارتقای سلامت بیان کرد:

- سازمان های محلی و ساکنان محلی دارای بهترین موقعیت برای تغییر برخی از مهم ترین عوامل محیطی و زمینه ای هستند که تاثیر به سزایی در ایجاد زمینه های مشکل آفرین و معضلات در اجتماع دارند.
- از آن جا که اجتماع تک تک افراد و تمامیت یک تجمع انسانی را شامل می شود، مداخله تک تک اعضای آن در طراحی مداخلات به هم پیوسته (و مرتبط) برای (رفع) نیازهای اجتماع محلی و شرایط وابسته به آن کمک فراوانی کند.
- اعضای اجتماع همان کسانی هستند که هر تغییری در شرایط محیطی، شیوه زندگی آن ها را متاثر می سازد.
- اعضای جامعه محلی به مثابه راهنمای فعالیت هایی عمل می کنند که در بستر جامعه محلی به مورد اجرا گذاشته می شود.
- درگیر شدن اعضای جامعه محلی به ایجاد پایداری در مداخلات در طول زمان می کند.

(2003, Easterling & Galagher & Lodwick)

در یک جمع بندی می توان گفت سازمان های محله ای - در پاسخ به برخی نیازها یا موقعیت های محلی ایجاد می شود و اغلب مربوط به محیط بلا فصل بوده، و معمولا فعالیتهای گوناگون برای شرایط (همان) محل زیست را حمایت می کنند (برای مثال بهبود شرایط زیستی و محیطی، آموزش جوانان، ارتقا وضعیت اشتغال). این سازمان ها از

ذی نفعان مهم (اصلی) تشکیل شده و این ذی نفعان بایستی در گروه های کاری مربوط به خود، کاملاً فعال بوده و در سایر فعالیت های عمومی نظیر فرایند تصمیم گیری مشارکت نمایند. (حقایق خراسانی بتول- ۱۳۸۳)

از مجموع مباحث فوق می توان این تعریف را برای سازمان های اجتماع محور ارائه کرد :

سازمان هایی هستند که محوریت آنها اجتماعات منطقه ای و محل فعالیت آنها اجتماع کوچک است به طور معمول غیر انتفاعی و غیر دولتی هستند و توسط اجتماعات محلی و برای آنها کار می کنند. اعضای آن ذینفعان همان اجتماع است. اصولاً در جواب به برخی نیازها یا موقعیت های محلی ایجاد می شوند اغلب مربوط به محیط بلا فصل بوده و معمولاً فعالیت های گوناگون برای بهبود شرایط را حمایت می کنند. مشارکت در تصمیم گیری رکن اساسی است.<sup>۱</sup>

### کارکردها و جایگاه اجتماعی

سازمان شبکه ای از افراد است که با هم ارتباط دارند، گرچه ممکن است تماس مکرر با هم نداشته باشند ولی بدون شک در ارزش های مهم مشترک هستند و هویت اجتماعی مشابهی دارند و افراد در آن به هم وابسته اند، به هم می آموزند و وقتی کار خوبی انجام می دهند از یکدیگر انرژی می گیرند و از یکدیگر برای مقایسه اجتماعی و هویت اجتماعی کمک می گیرند. (احترامی- ۱۳۸۳)



سازمان های غیردولتی و اجتماع محور در رویکردی کلی صاحب این نقش های کلی هستند. اما نقش اساسی آنها در شکل دهی و تحقق دموکراسی مبتنی بر مشارکت است.

چرا که این سازمان ها، مشارکت مردم را هدفمند و از آن مهم تر، مستمر می کنند.

۱- همانطور که در بخش سازمان یابی اجتماعی گفته شد، دو واژه دیگری که ممکن است در توصیف گروه هایی با ویژگی های فوق مورد استفاده قرار گیرند واژه Grassroots یا اجتماع محلی و association یا انجمن می باشد. اجتماع محلی به سازمان های اجتماعی اشاره دارد که توسط مردم و بدون دخالت افراد حرفه ای تشکیل شده است. این واژه به طور ضمنی به مردمی نظر دارد که بدون تجربه حرفه ای و تنها با اتکا به تجربه اجتماعی خود به ساخت اجتماع کوچک اقدام می کنند.

این سازمان ها همواره نقش سازنده ای را برای بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایفا می کنند. ماهیت نقشی که سازمان های غیردولتی در درون جامعه ایفا می کنند نشانگر نیاز به مشارکت واقعی آنهاست. این سازمان های یکی از ابزارهای مهم توسعه انسانی محسوب می شوند. هسته اصلی جامعه مدنی، متشکل از سازمان های غیر دولتی، انجمن ها، گروه های مستقل، احزاب، مطبوعات و همه ساختار حقیقی و حقوقی است که در جهت توسعه و با اهداف غیرانتفاعی و عام المنفعه تلاش می کنند در این حالت سازمان ها و نهادهای مختلف طی فرایندی که از طریق ارتباط صورت می گیرد، نظریات شهروندان را به دولت منعکس می کنند در نتیجه نوعی اجتماع مدنی برای حل مشکلات با توافق طرفین (دولت و مردم) حاصل می شود بنابراین تقویت نقش و جایگاه مدنی در این چهار چوب اهمیت ویژه ای می یابد. مشارکت مردمی از طریق تشکل ها و سازمان های غیردولتی، بهترین شکل تجلی جامعه مدنی است. این سازمان ها با کارکرد ویژه خود در سطح خرد و کلان شرکای نوپای دولت ها در عرصه های مختلف می شوند. گستره نقش دولت ها و دادن نقش بیشتر به این بخش جدید را به همراه داشته است.

سازمان های غیردولتی با نقد مدام برنامه های دولت برای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نقشی بسیار مهم در حوزه عمومی برعهده دارند. تلاش در جهت ارتقاء سطح آگاهی های عمومی جامعه، تسریع روندهای اجتماعی، بهبود وضعیت جوامع، رفع کاستی ها و معضلات آن و تحقق آرمان های جامعه مدنی که به دنبال مشارکت از پایین به بالا و مردم گرایی است، از کارکردهای اساسی سازمان های غیر دولتی محسوب می شود. بدین سبب این نهادها به ارکانی بی بدیل در جامعه مدنی مبدل شده اند که با مشارکت کلیدی در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های دولت و شکل دادن به سیاست و نظارت بر عملکرد آن از احتمال سوء استفاده از قدرت و خودکامگی توسط افراد و نهادهای دولتی می کاهند. هم چنین سازمان های غیردولتی در سطح بین المللی با ایفای نقش واسطه بین نهادهای جهانی و دولت های محلی، می توانند بر تصمیم گیری های بین المللی تاثیر گذار باشند.

تقویت چنین پایگاهی به استحکام پایه های مردمی دولت ها و حراست از منافع ملی در چهار چوب روابط بین المللی و نیز همکاری های بین دولت ها در قالب منافع بین المللی خواهد انجامید.

سازمان های غیردولتی یکی از ابزارهای مهم توسعه و یکی از موثرترین معیارها برای سنجش در بررسی میزان مشارکت مردم در اداره امور کشورها به شمار می روند. امروزه بسیاری از سازمان های غیردولتی، علاوه بر کارکردهای ملی، ابزاری موثر برای پیشبرد اهداف

۱- Association: انجمن یک گروه رسمی یا غیررسمی از شهروندان است که برای دستیابی به یک هدف مشترک با یکدیگر کار می کنند. آنها معمولاً با تمرکز بر یک دغدغه مشترک، تدوین یک برنامه مشخص، و اجرای فعالیت های معین، به این اهداف دست می یابند.

بین المللی کشورها در سازمان ملل متحد هستند. حفظ صلح وامنیت بین المللی، حفظ محیط زیست، تحقق توسعه پایدار، اجرای حقوق بشر، کنترل جمعیت، رفع فقر، بهبود وضعیت زنان و کودکان و کمک بشر دوستانه که از جمله اولویتهای سازمان ملل در قرن ۲۱ محسوب می شوند، بدون مشارکت و توانمند سازی کامل سازمان های غیردولتی و نیز حضور موثر آنها امکان پذیر نبوده و راه حل پایداری برای مشکلات و بحران های بسیار تهدید آمیز اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع پیدا نخواهد شد.

### ● خلاصه کارکردهای سازمان های غیر دولتی و اجتماع محور

- ◀ شکل دهی و تحقق دموکراسی مبتنی بر مشارکت
- ◀ هدفمند کردن مشارکت مردم برای ارتقاء وضعت انسانی
- ◀ بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه
- ◀ کمک به توسعه انسانی
- ◀ انعکاس نظرهای شهروندان به دولت
- ◀ به عنوان شرکای نوپای دولت هادر عرصه های مختلف
- ◀ تقویت مشارکت از پایین به بالا
- ◀ شکل دادن به سیاست و نظارت بر عملکرد دولت ها
- ◀ حراست از منافع ملی











## فصل پنجم

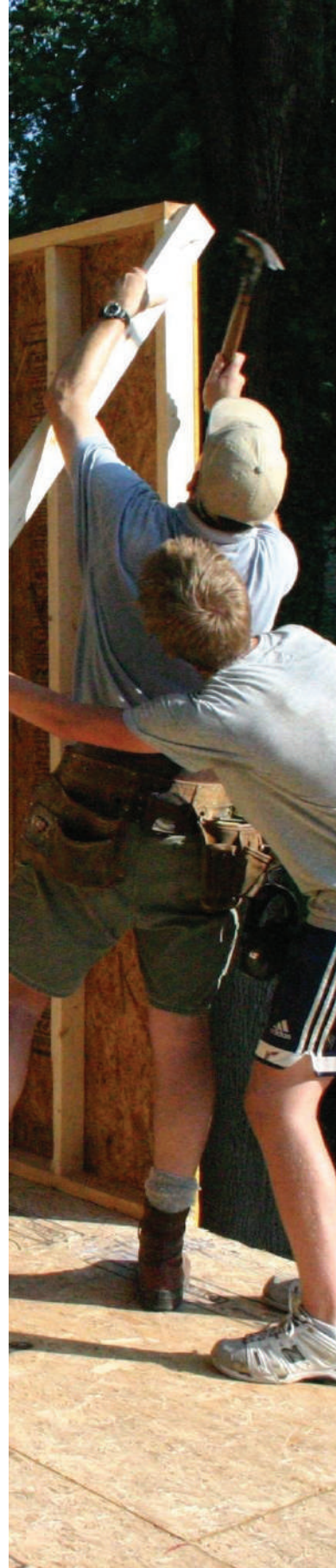
# سرمایه اجتماعی

### چکیده و نکات اساسی

در دو دهه اخیر سرمایه اجتماعی در زمینه و اشکال گوناگونش به عنوان یکی از کانونی ترین مفاهیم در علوم اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. امروزه توجه به سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها هم‌پای روی‌کرد به سرمایه‌های اقتصادی و انسانی از اهمیت خاصی برخوردار شده است. بنا به نظر بسیاری از صاحب‌نظران اگر در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی گسترش یابد و انباشت آن به حد کافی برسد سرمایه‌های انسانی و اقتصادی از مناطق دیگر به سوی آن جامعه سرازیر می‌شوند.

شالوده سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو کلمه خلاصه کرد «موضوع روابط». مردم از طریق برقراری روابط با یکدیگر و حفظ آن در طول زمان، قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند تا به انجام اموری بپردازند که یا به تنهایی قادر به اجرای آن نیستند یا اجرای آن همراه با دشواری‌های زیادی باشد. از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است ولی به طور خلاصه سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ی معینی از ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری در میانشان مجاز است، در آن سهمیم هستند به تعبیری دیگر، سرمایه‌ی اجتماعی پدیده‌ای است که حاصل تاثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های زیر در یک سیستم اجتماعی دانست: اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی.

سرمایه اجتماعی را به طور عمده سه سطح خرد، میانی و کلان مورد بررسی قرار می‌دهد. زمینه اصلی بحث ما در این کتاب بر حول این



محور متمرکز است که همکاری گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی - و در این بحث سازمان‌های اجتماع محور به طور خاص - در قالب شبکه‌ها و همکاری‌های اجتماعی مهم‌ترین عامل در تولید و باز تولید سرمایه اجتماعی در ابعاد کلان آن می‌باشند. با نگاهی موشکافانه‌تر می‌توان مدعی شد، در زمینه فرسایش سرمایه اجتماعی در سطح کلان، که به دلیل عدم وجود اعتماد بین مردم و نهادهای اجتماعی و نیز عدم شکل‌گیری شبکه‌های فراگیر اجتماعی در بین گروه‌ها و سازمان‌ها ایجاد می‌شود، سرمایه اجتماعی در سطوح خرد و میانی نیز به شدت آسیب خواهد دید و در بهترین حالت از کارکردهای آن‌ها کاسته خواهد شد. بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی محصول انباشت سرمایه اجتماعی در یک جامعه است و با سازو کارهایی برخاسته از درون ساختارها و سازمان‌های اجتماعی به بازتولید این سرمایه یاری می‌رساند.

## اهداف این فصل :

- ❖ مفهوم سرمایه اجتماعی به معنای چیست؟
- ❖ سرمایه اجتماعی چه کارکردی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی دارد؟
- ❖ سطوح سرمایه اجتماعی کدام است؟
- ❖ جایگاه اعتماد مدنی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی چگونه است؟
- ❖ شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی چیست؟

## کلیات و مفاهیم پایه در سرمایه اجتماعی

### تعاریف و نظریه ها



نخستین معنایی که از واژه سرمایه به ذهن متبادر می شود، چیزی است که بتوان برای به دست آوردن کالایی و یا چیزی دیگر، در یک مبادله یا معادله به کار بست. پولی که برای به دست آوردن قطعه ای نان به نانوا داده می شود و یا زمینی در روستایی دور که قوت خانواده ای را تامین می کند. با اندکی تامل می توان گفت ما در روابط خود با دنیای

پیرامون یکسره در حال مبادله چیزها با یکدیگر هستیم، من زمانم را به شما می دهم برای گوش کردن به درد دل های شما و شما در برابر این زمان مبلغی را به من پرداخت می کنید. در این مبادله من از منبعی چیزی به شما داده ام، این منبع مهارت من برای گوش دادن و احتمالاً ارایه راهنمایی بوده است. به چیزهایی از قبیل پول و زمین می توان عنوان سرمایه های مادی<sup>۱</sup> را اطلاق کرد، اما مهارت ها و دانشی که افراد در تعاملات روزمره از آن استفاده می کنند، داشته ای از جنس دیگر است که به آن سرمایه انسانی<sup>۲</sup> اطلاق می شود. قرن بیستم دورانی بود که اندازه گیری سرمایه های انسانی، از قبیل تعداد دانشمندان و افراد ماهر، به مهم ترین شاخص در دسته بندی قدرت و توان جوامع بدل شد. زمین و پول و سایر اشکال ملموس سرمایه جای خود را در این معادله قدرت به سرمایه های انسانی دادند، سرمایه هایی که بدون وجود آنها سرمایه های مادی ارزش و کیفیت رقابتی خود را از دست می دهند و حتی ممکن است وبال گردن دارندگان نادان یا ناتوان خود شوند.

اما داستان تازه از آنجا آغاز شد که ارزیابی توان و قدرت جوامع گوناگون نشان داد، گویی برخی از اجتماعات بشری تواناترند با وجود آنکه جمع ساده سرمایه های مادی و انسانی شان از جوامع دیگر پایین تر است. مثلاً جامعه ای که ده پزشک و پرستار و یک بیمارستان کوچک دارد اما سطح سلامت از جامعه ای که بیست پزشک و پرستار در یک بیمارستان بسیار بزرگ به کار مشغولند، بالاتر است. تفاوت در کجاست؟ چرا شما از بین تمام کسانی که می توانند شنونده مشکل شما باشند مرا انتخاب می کنید؟ مفهوم سرمایه اجتماعی زاده کنکاش در این مسئله است. با دقتی ساده می توان به این موضوع پی برد که در روابطی که انسان ها با یکدیگر دارند چیزی تازه تولید می شود و یا چیزی غیر از مهارت و دانش

۱- سرمایه مادی را می توان در زمین ساختمان یا ابزار و لوازم تولید دید. سرمایه مالی دارایی هایی است که افراد یا واحدهای حقوقی به صورت پول یا سهام یا چیزهایی از این قبیل در بانک به صورت اوراق بهادار و سهام در اختیار دارند.

۲- Human Resources

مورد استفاده قرار می گیرد، چیزی که می توان آن را با عناوینی چون کیفیت رابطه و یا جنس ویژه رابطه، نام گذاری کرد. اگر به مباحث فصل های گذشته بازگردیم، ملاحظه می شود که در شکل گیری گروه ها و تحول آن ها به سمت سازمان ها، چیزی علاوه بر مهارت های تک تک اعضا و یا ساختمانی که آنها در آن گردهم می آیند نیاز است تا گروهی شکل گیرد و پایدار بماند. از این چیز پنهان در روابط اجتماعی با عنوان سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> یاد می کنیم. برای فهم ساده این موضوع می توانید فکر کنید زمانی که دچار مشکل بزرگی می شوید چند اسم در دفترچه تلفن شما هستند که می توانید هر زمان که مایل بودید به آن ها زنگ بزنید و مشکل خود را با آن ها مطرح کنید و احتمالا روی کمک آن ها حساب کنید. ملاحظه می کنید که تعداد این رابطه ها و عمق آن ها نیازمند کارهای فراوانی است که شما از قبل باید انجام داده باشید. در واقع یک سرمایه گذاری بر روی روابط انسانی که جزء داشته های<sup>۲</sup> شما محسوب می شود. این سرمایه تنها در دست شما نیست بلکه در اختیار تمام کسانی است که در دو طرف - یا چند طرف - یک رابطه قرار می گیرند. از سوی دیگر تفاوت عمده ای که این داشته یا سرمایه با دو نوع دیگر سرمایه یعنی مادی و انسانی دارد این است که با استفاده از آن از میزان آن کاسته نمی شود، حتی اگر در بده بستان های اجتماعی مهارت کافی وجود داشته باشد استفاده از آن می تواند موجب افزایش آن شود.



در دو دهه اخیر سرمایه اجتماعی در زمینه و اشکال گوناگونش به عنوان یکی از کانونی ترین مفاهیم در علوم اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. امروزه توجه به سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها هم پای روی کرد به سرمایه های اقتصادی و انسانی از اهمیت خاصی برخوردار شده است. از منظری، چنین روی کردی به دنبال این واقعیت شکل گرفته است که انسان ها را واجد حق تعیین سرنوشت برای خود می داند؛ یعنی حضور مردم را در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی،

در برنامه ریزی و تصمیم گیری برای زندگی اجتماعی ذی سهم می داند و معتقد است که در تعاملات و مشارکت همه جانبه مردم است که مسیر حرکت جامعه ترسیم و پیموده می شود و اصل را بر این می گذارد که مردم همواره در حرکت جمعی جامعه به دنبال

۱- Social Capital

۲- Assets

تامین منافع جمعی خود با حداقل هزینه‌ها هستند. از منظری دیگر، عده‌ای از اندیش‌مندان بر این نظرند که تعاملات روزمره‌ی مردم با یکدیگر سرمایه‌ای را ایجاد می‌کنند که نه تنها هم‌سنگ سرمایه‌های مادی و انسانی است که حتی افزون بر آن‌ها دارای نقش و کارکردهایی است که امکان بهره‌گیری مناسب از دو شکل پیشین سرمایه‌ها را تسهیل می‌کند و در حرکت در مسیر توسعه جوامع نقش بی‌بدیلی بازی می‌کند.

واژه سرمایه اجتماعی نخستین بار، در ۱۹۱۶ توسط جامعه‌شناسی به نام لیدا جی. هانیفان، که یک اصلاح‌گر امور مدرسه بود، مورد استفاده قرار گرفت و پس از او نیز به یکی از محورهای مهم مطالعاتی جامعه‌شناسان تبدیل شد. در سال ۱۹۶۱، ژان ژاکوب که برنامه ریز شهری بود از این اصطلاح استفاده کرد. به اعتقاد او، برای یک شهر شبکه‌های اجتماعی که مردم ایجاد می‌کنند، حکم سرمایه اجتماعی را دارند. سپس این مفهوم در اقتصاد مورد استفاده قرار گرفت. ولی در واقع جیمز کلمن و تحقیق او در زمینه مشارکت در امور مدرسه (در شهر شیکاگو) بود که سبب جلب توجه امروزی به این مفهوم شد. پیر بوردیو با رویکردی انتقادی، به مفهوم سرمایه اجتماعی در آثار خود اشاره کرد. اما کسی که مفهوم سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری اساسی در تحلیل اتفاقات اجتماعی به کار بست و وارد حوزه‌های عملیات اجتماعی کرد رابرت پاتنام، جامعه‌شناس معاصر بود که در دهه ۱۹۹۰ از این مفهوم برای مطالعه نهادهای دموکراتیک در ایتالیا استفاده کرد. پاتنام مدعی شد که عامل اساسی برتری شاخص‌های توسعه در شمال ایتالیا نسبت به جنوب آن، بیشتر بودن تعداد نهادهای مردمی و همکاری بیشتر مردم در گروه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و در نتیجه فزونی سرمایه اجتماعی شمال نسبت به جنوب است. پس می‌توان گفت که مفهوم سرمایه اجتماعی از دهه ۱۹۲۰ مطرح گردیده، ولی در طی سه دهه اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است. اما این بحث تا اوایل دهه ۹۰ در حوزه جامعه‌شناسی محدود مانده بود. از این زمان بود که یکباره تمام توجه اقتصاددانان به سوی سرمایه اجتماعی و کارکردهای اقتصادی آن جلب شد. شاید بتوان ادعا کرد گسترش انفجاری ادبیات سرمایه اجتماعی در دو دهه اخیر به طور عمده به همت اقتصاددانان بوده است. بنا بر این اقتصاددانان بر سرمایه اجتماعی متمرکز شدند و ارزش آن را به تدریج تا جایی بالا بردند که آن را موتور رشد اقتصادی انگاشتند. آنان به این نتیجه رسیدند که «اگر در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی گسترش یابد و انباشت آن به حد کافی برسد سرمایه‌های انسانی و اقتصادی از مناطق دیگر به سوی آن جامعه سرازیر می‌شوند.» (رنانی، ۱۳۸۵)

شالوده سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو کلمه خلاصه کرد «موضوع روابط». مردم از طریق برقراری روابط با یکدیگر و حفظ آن در طول زمان، قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند تا به انجام اموری بپردازند که یا به تنهایی قادر به اجرای آن نیستند یا اجرای آن همراه با دشواری‌های زیادی باشد. از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است ولی به طور خلاصه سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ی معینی از ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری در میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند به تعبیری دیگر، سرمایه‌ی

اجتماعی پدیده‌ای است که حاصل تاثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است<sup>۱</sup> (بانک جهانی ۱۹۹۹).

مردم از طریق یک سری شبکه با هم مرتبط می‌شوند. آنها به سهیم شدن در ارزشهای مشترک با دیگر اعضای شبکه تمایل دارند. تا آن جا که این شبکه‌های منبعی را تشکیل می‌دهند که به عنوان شکل دهنده نوعی سرمایه می‌توانند در نظر گرفته شوند. اصطلاح سرمایه اجتماعی نه تنها در حوزه علوم اجتماعی به نحو فزاینده ای جایگاه بالاتری می‌یابد بلکه در حوزه سیاست گزاری نیز از موقعیت مناسبی برخوردار شده است.

جامعه شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره جسته اند. سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های زیر در یک سیستم اجتماعی دانست:

- اعتماد متقابل،
- تعامل اجتماعی ،
- گروه‌های اجتماعی
- احساس هویت جمعی و گروهی
- احساس وجود تصویری مشترک از آینده.
- کار گروهی

سرمایه اجتماعی از یک دیدگاه مجموعه ایست از هنجارها و شبکه‌هایی که یک فرد یا گروه در آن قرار می‌گیرد و از آن هنجارها و شبکه‌ها برای کنش‌های جمعی و همکاری استفاده می‌کند. این دو عامل به ابعاد ذهنی و عینی اشاره می‌کنند. از دیدگاه دیگر می‌توان سرمایه اجتماعی را به مجموعه‌های متشکل از سه عنصر آگاهی، اعتماد و مشارکت افراد در امور عمومی و اجتماعی، معرفی کرد. هر دو دیدگاه به ما کمک می‌کنند که بتوانیم مسئله سرمایه اجتماعی را به صورت ملموس برای تحقیق تجربی و میدانی عملی سازیم.

۱- هر چند یادآوری این نکته ضروری است که این مفهوم نخستین بار به عنوان ابزاری برای تحلیل شرایط اجتماعی، توسط آلکس دوتوکویل جامعه شناس فرانسوی در دهه ۱۸۳۰ مطرح گردید. او در سفر خود به آمریکا در باب آسیب‌ها و قوت دموکراسی در آمریکا در تمایل مردم آن کشور به شرکت دادطلبانه در انجمن‌های رسمی و غیره رسمی مطالعه کرد و بعداً پاتنام و فوکویاما هم به بررسی تهدیدها و نشانه‌های زوال سرمایه اجتماعی در آمریکا با استفاده از نظریه‌های دوتوکویل پرداختند.



شالوده سرمایه اجتماعی را می توان در دو کلمه «موضوع روابط» خلاصه کرد. این روابط موجب ایجاد و مشارکت در مجموعه ای از هنجارها و شبکه ها می شود که یک فرد یا گروه در آن قرار می گیرد و از آن هنجارها و شبکه ها برای کنش های جمعی و همکاری استفاده می کند. به طور خلاصه سرمایه اجتماعی سرمایه ای است که در ارتباط خود با سایرین و در شبکه ارتباطی خود از آن برخوردار هستیم.

سرمایه اجتماعی مفهومی مرکب است که مقدار یا سطح هنجارها و شبکه ها را در جامعه ای معین و در زمانی مشخص توصیف می کند. جان کلام این که سرمایه اجتماعی هنجارها و شبکه هایی است که افراد را قادر می سازد در کنشی جمعی درگیر شوند که منفعتی متقابل را در بر دارد. ارتباط متقابل، رفتارهای دیگر خواهانه و اعتماد از جمله هنجارهایی هستند که در این ارتباط مورد توجه قرار می گیرند. این شبکه ها ممکن است رسمی یا غیر رسمی باشند. از این منظر، سرمایه اجتماعی یکی از اجزای مهم در تحکیم «جامعه مدنی» یا به عبارت دیگر توانایی جامعه برای مدیریت خویش است که به واسطه گروه های داوطلب و سازمان های غیر دولتی و ترجیحاً غیر انتفاعی میسر می شود. سرمایه اجتماعی سرمایه ای است که در ارتباط خود با سایرین و در شبکه ارتباطی خود از آن برخوردار هستیم.

سرمایه اجتماعی مفهومی است که کمیت و کیفیت روابط میان انسانها را در جامعه بیان می کند. سرمایه اجتماعی را به طور خلاصه می توان به معنای هنجارها و شبکه هایی دانست که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی را به منظور کسب سود متقابل را فراهم می کند. این مفهوم را بیشتر با سطح اعتماد اجتماعی و میزان عضویت در انجمن های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می سنجند. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی مفهومی ترکیبی است که موجودی یا میزان این هنجارها و شبکه ها را در یک جامعه تشریح می کند

## انواع سرمایه اجتماعی و سطوح آن

به شکلی بسیار کلی، سرمایه اجتماعی را در دو بخش ساختاری و شناختی می توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. سرمایه اجتماعی ساختاری ناظر به کمیت روابط میان انسانها است اما

سرمایه اجتماعی شناختی مربوط به کیفیت روابط است. سرمایه اجتماعی ساختاری را از میزان عضویت افراد در گروهها و شبکههای مختلف می توان متوجه شد. از سوی دیگر میزان اعتماد و رواج هنجارها در میان اعضای یک گروه یا اجتماع به عنوان شاخص هایی برای سرمایه اجتماعی شناختی به حساب می آید. اما تقسیم بندی کاربردی مورد استفاده، سرمایه اجتماعی را به طور عمده سه سطح خرد، میانی و کلان مورد بررسی قرار می دهد.<sup>۱</sup>

● **سرمایه اجتماعی خرد:** به سرمایه اجتماعی که در میان انسان های یک جامعه یا گروه جریان دارد، اطلاق می شود. مثلاً رابطه دو دوست که با هم ارتباط صمیمانه و همکاری دارند و به هم اعتماد می کنند از این نوع است.<sup>۲</sup> بنا به میزان صمیمیت و آشنایی این افراد سرمایه اجتماعی خرد خود به دو نوع درون گروهی و برون گروهی تقسیم می شود.

● **سرمایه اجتماعی میانی:** به ارتباطات عمودی و درون سازمانی تمرکز می کند یعنی اگر مجموعه ای از افراد با همدیگر ارتباط متقابل داشته باشند به گونه ای که یک شبکه اجتماعی (مانند یک گروه، یک حزب، یک انجمن محلی و نظایر آن) شکل بگیرد و افراد عضو این شبکه به هم اعتماد داشته باشند، سطح دوم یا سطح میانی سرمایه اجتماعی شکل گرفته است.<sup>۳</sup>

● **سرمایه اجتماعی کلان:** به ارتباط میان اعضای یک جامعه با نهادهای موجود یک جامعه و نیز ارتباط و همکاری بین گروهها و نهادهای جامعه با یکدیگر اشاره می کند. یعنی اگر این گروهها و شبکههای منفرد در سطح کل جامعه با همدیگر ارتباط برقرار کنند و بتوانند با هم همکاری کنند و به یکدیگر اعتماد کنند، سرمایه اجتماعی در سطح کلان شکل می گیرد.<sup>۴</sup> «در واقع ویژگی ها و عناصر موجود در سازمان اجتماعی [در ابعاد کلان آن] مثل اعتماد، هنجارها و شبکههایی که قادر به ارتقاء کار کرد جامعه از طریق فراهم کردن زمینه اعمال هماهنگ [بین گروههای اجتماعی] باشند، را سرمایه اجتماعی [در سطح کلان] می گویند.

(field, p. ۴ به نقل از محمدی، ۱۳۸۴ ص: ۱۰)

زمینه اصلی بحث ما در این کتاب بر حول این محور متمرکز است که همکاری گروهها و سازمانهای اجتماعی - و در این بحث سازمانهای اجتماع محور به طور خاص - در

۱- یکی از تقسیم بندی های دیگر، تقسیم بندی جیمز کلمن است که عوامل زیر را در ساخت سرمایه اجتماعی موثر می داند:

- عوامل نهادی مانند قانون، رسم عرف و عادات موثر
- عوامل خود جوش شامل هنجارهایی که به جای قانون از کنشهای متقابل اعضا به وجود می آید.
- عوامل بیرونی شامل موارد فرهنگی، دین، ایدئولوژی جامعه یا گروه سازنده.
- عوامل طبیعی شامل روابط خویشاوندی و همبستگیهای ملی (ماشینی، ۱۳۸۵).

۲- برخی این سطح را سرمایه اجتماعی آوندی می نامند.

۳- برخی به آن سرمایه اجتماعی هموندی هم می گویند.

۴- بعضی به این حالت، سرمایه اجتماعی پیوندی می گویند

قالب شبکه‌ها و همکاری‌های اجتماعی مهم ترین عامل در تولید و باز تولید سرمایه اجتماعی در ابعاد کلان آن می‌باشند. با نگاهی موشکافانه‌تر می‌توان مدعی شد، در زمینه فرسایش سرمایه اجتماعی در سطح کلان، که به دلیل عدم وجود اعتماد بین مردم و نهادهای اجتماعی و نیز عدم شکل‌گیری شبکه‌های فراگیر اجتماعی در بین گروه‌ها و سازمان‌ها ایجاد می‌شود، سرمایه اجتماعی در سطوح خرد و میانی نیز به شدت آسیب خواهد دید و در بهترین حالت از کارکردهای آن‌ها کاسته خواهد شد. بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی محصول انباشت سرمایه اجتماعی در یک جامعه است و با سازو کارهایی برخاسته از درون ساختارها و سازمان‌های اجتماعی به بازتولید این سرمایه یاری می‌رساند. رابرت پاتنام در کتاب «بازی بولینگ به تنهایی» به این موضوع به این شکل اشاره می‌کند که ایده اصلی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی ارزش دارند و تماس‌ها و رابطه‌های اجتماعی بر نحوه تولید و بازدهی افراد و گروه‌ها تأثیر می‌گذارد (Putnam ۱۸: ۲۰۰۰-۱۹) پاتنام همچنین معتقد است «وجوه گوناگون سازمانهای اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌ها می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود ببخشند.» پس می‌توان گفت سرمایه اجتماعی [در تمام سطوح آن] متشکل از مفاهیمی چون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا اجتماع [و بین گروه‌های اجتماعی] است (ماشینی، ۱۳۸۵)

گفته شد که اجزای اصلی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی آگاهی، مشارکت و اعتماد است. درباره جزء مشارکت به طور مفصل در فصلی مجزا بحث کرده ایم و کنکاش در باره موضوع آگاهی اجتماعی و مدنی و حوزه‌های نفوذ آن در زندگی اجتماعی نیاز به مجالی گسترده‌تر داریم. در این بخش با اندکی واکاوی بیشتر عنصر اعتماد را - که به اعتقاد بسیاری نقش اساسی در شکل‌گیری و دوام سرمایه اجتماعی در تمام سطوح آن بازی می‌کند- مورد بحث قرار می‌دهیم.

## اعتماد و سطوح آن

در ساخت سرمایه اجتماعی به مفاهیمی چون هنجارها و شبکه‌ها اشاره شد، اما واقعیت غیر قابل انکار این است که کلید واژه اساسی در تمام روابط انسانی وجود اعتماد<sup>۱</sup> است. اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد مشارکت را در



زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه های مختلف جامعه افزایش می دهد. (زین آبادی (۱) ۱۳۸۷ ص: ۱۱) اعتماد را سطح اطمینان و عواطف مشترک و تعلق طرفین در گیر یک رابطه اجتماعی نسبت به یکدیگر تعریف می کنند. (زین آبادی (۲)، ۱۳۸۷ ص: ۳۵)

اندیشمندان و صاحب نظران علوم اجتماعی نیز با توجه به رویکردهای گوناگون خود در حوزه روانشناسی، جامعه شناسی، سیاست، اقتصاد، و روانشناسی اجتماعی و غیره تعریف و تفسیرهای مختلفی از مفهوم اعتماد ارائه داده اند و هر کدام ابعاد جداگانه ای از این موضوع را مورد بررسی قرار داده اند. توکوویل معتقد است مشخصه جوامع شهری، اعتماد اجتماعی بنیانی به هم و همکاری با هم و وابسته به فعالیت های عام که روح شهروندی را ایجاد می کند است (Tocqueville، ۱۹۶۸ به نقل از زین آبادی، ۱۳۸۷ ص: ۱۳)

گیدنز مفهوم اعتماد را با تعریفی که از فرهنگ آکسفورد انگلیسی به عاریت گرفته است آغاز می کند و اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکا به نوعی اعتقاد وی مفهوم اطمینان و اتکا به هم مرتبط می باشد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۷ به نقل از زین آبادی، ۱۳۸۷ ص: ۱۴)



اریکسون در بعد روان شناختی، اعتماد بنیادی را مورد توجه قرار داده و به اعتقاد او اعتماد بنیادی، نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که حاصل تجربیات شخصی در اوایل زندگی است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۴ به نقل از زین آبادی ص: ۱۵)

با توجه به این تعریف اعتماد را می توان یک باور تعریف کرد. باور به اینکه دیگران، در بدترین شرایط، آگاهانه و عامدانه آسیبی به او نمی رسانند و در بهترین شرایط، به نفع او عمل می کنند. با اعتماد، روابط اجتماعی محکم و صلح آمیز حفظ می شود، که اینها

به نوبه خود، پایه و اساس رفتارهای جمعی و همکاری های سازنده هستند. هرچند اعتماد با مخاطره همراه است، اما جهان را به جایی خوشایندتر، کار آمدتر، و صلح آمیزتر برای زندگی تبدیل می کند. زندگی اجتماعی بدون اعتماد غیر قابل تحمل و حتی غیر ممکن است. در نهایت اعتماد را سطح اطمینان و عواطف مشترک و تعلق طرفین در گیر در یک رابطه اجتماعی تعریف کرده اند که معیار انسجام، پیوستگی، هماهنگی و اتحاد میان افراد، گروه ها و نهادهای اجتماعی یک جامعه است. (زین آبادی، ۱۳۸۷ ص: ۱۷)

بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیر هابز و توکوویل معتقدند که اعتماد، پایه اساسی نظم اجتماعی می باشد و اعتماد تنش ها را کاهش داده و انسجام را افزایش می دهد. آن چه

که باعث اعتماد مردم به یکدیگر می شود احساس امنیت است . به هر صورت مردم نیاز دارند تا به یکدیگر اعتماد بیشتری داشته باشند تا بتوانند با چالش های جهانی شدن و عصر اطلاعات مقابله کنند. آدم اسمیت به اعتماد اجتماعی به عنوان روان کننده حرکت اقتصاد بازار نگاه می کرد . نکته مهم این است که اعتماد را نمی توان به طور مصنوعی ایجاد کرد . اعتماد محصول اتوماتیک شرایط اجتماعی و اقتصادی خاصی در جامعه است که در طول زمان از طریق تکرار سلسله ای از تعامل ها شکل می گیرد . (همان منبع)

## سطوح اعتماد

برای اعتماد سه سطح عمده تعریف کرده اند : ( زارعی ، ۱۳۸۷ )

### ۱. اعتماد بین فرد یا اعتماد به افراد آشنا .

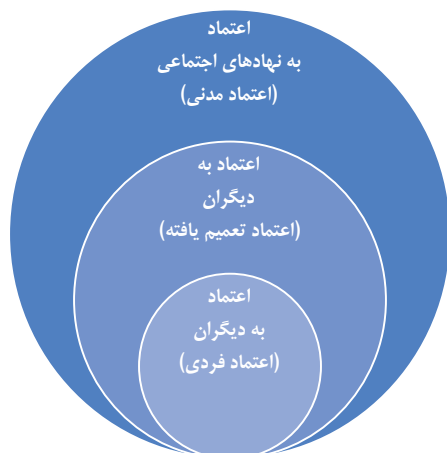
«اعتماد در سطح خرد یعنی در روابط شخصی و فردی . این ارتباط مربوط به سطح اطمینانی است که یک فرد نسبت به اعضای خانواده ، دوستان و خویشان خود دارد . اصولاً اعتماد فرد در خانواده و داخل گروه های نزدیک و صمیمی به وی شکل می گیرد . بر اساس نظر اریکسون روانشناس مشهور ، رشد اعتماد فرد در خانواده و بر اساس ارتباطات وی با اعضای خانواده و بر اساس رفع نیازهایش توسط اعضای خانواده ایجاد می شود و به سایر افراد و گروه های دیگر گسترش پیدا می کند . اعتماد در سطح خرد به سه سطح مربوط می شود» . ( زین آبادی (۲) ، ۱۳۸۷ ص: ۳۶)

### ۲. اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم یافته یا اعتماد به بیگانگان .

«اعتماد در سطح عام و عمومی به سطح اطمینانی مربوط می شود که یک فرد نسبت به عموم مردم و آنهایی که نمی شناسد دارد.» (همان ص: ۵۸) این دیگران همه افراد اجتماع هستند که ما در زندگی روزمره خود با آنان در تماس هستیم، کسانی مثل یک راننده تاکسی تا عابر تنهایی در خیابان شهری غریب.

### ۳. اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان ها و نهاد ها.

«این اعتماد به سطح اطمینان و مقبولیت مردم از نظام و سیستم حکومتی و فعالیت ها و اقدامات دولت ، سازمان ها و موسسات جامعه مربوط می گردد. بعبارت دیگر این وضعیت مربوط به ارزیابی اجتماعی سیاسی ناشی از ارتباط مردم با نهاد دولت و سایر نهاد هاست اعتماد اجتماعی زمانی ایجاد می شود که دولت و مردم به یکدیگر اعتماد کنند . اگر دولت به مردم اعتماد نداشته باشد و یا مردم از دولت سلب اعتماد کنند این کالا قابلیت تولید



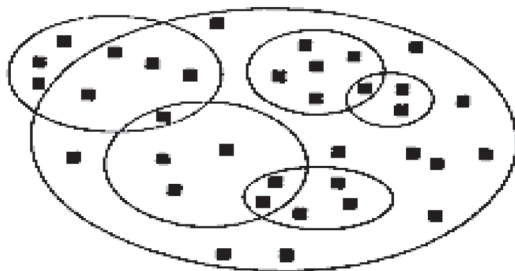
را ندارد. اگر کارکنان دولت فاسد باشند این فساد باعث بی اعتمادی و دلسردی مردم از دولت می شود. عدم فساد مالی در بین مسئولین، عدم رشوه دادن برای انجام کارها، نشان دهنده سلامت بودن دولت و اعتماد مردم به سازمان ها و ادارات دولتی است» (همان ص: ۳۹)

چنانچه مشاهده می شود این سطوح با آنچه در باره سطوح سرمایه اجتماعی گفته شد مطابقت می کند. آنچه در نهایت منجر به یک حرکت اجتماعی موثر از درون فعالیت های گروه های اجتماعی خواهد شد، وجود سطح مناسبی از اعتماد در تمام سطوح و به ویژه در سطح اعتماد مدنی خواهد بود. اعتمادی که به شکل گیری شبکه های اجتماعی منجر می شود.

### شبکه های اعتماد

یکی از مفاهیم مفید در تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی، «شبکه اعتماد» است. شبکه اعتماد عبارت از گروهی است که بر اساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش های یکسانی در تبادلات میان یکدیگر استفاده می کنند. از این رو، اعتماد نقش زیادی در تسهیل فرایندها و کاهش هزینه های مربوط به این گونه تبادلات دارد<sup>۱</sup>. شبکه اعتماد می تواند بین افراد یک گروه و یا بین گروه ها و سازمان های مختلف به وجود آید. (زارعی، ۱۳۸۷ ص: ۷۵)

به تعبیر هالپرن فهم مشترک که امکان همکاری بین غریبه ها و دوستان را فراهم می کند چیزی است که باعث کار کرد جامعه شده و



آن را برای زندگی مهیا می کند که داد و ستد و اعتماد از عالی ترین اشکال سرمایه اجتماعی است که بر احترام متقابل مبتنی است. روابط اجتماعی مثبت، بدون این احترام متقابل بین افراد و گروه ها توسعه پیدا نمی کند (halpern, ۳۱۸-۳۲۳ به نقل از

از محمدی، ۱۳۸۴ ص: ۱۲)

گسترش شعاع اعتماد به خارج از مرزهای گروهی که فرد به آن تعلق دارد به این معنی است که او به افراد نا آشنا و غریبه اعتماد کرده و روابطی متقابل را بایکدیگر آغاز کرده اند. (زارعی، ۱۳۸۷ ص: ۶۷)

۱- بخش بزرگی از ارتباطات در جامعه مربوط به مبادله های اقتصادی مردم با یکدیگر است. اگر در این حوزه (در حوزه روابط و مبادله های مردم با یکدیگر و نیز با دولت) بی ضابطگی و پیش بینی ناپذیری حاکم باشد نگرانی از هزینه های احتمالی افراد را از اخذ تصمیمات قاطع برای سرمایه گذاری و تولید ناتوان می سازد. عامل تعیین کننده در این حوزه سرمایه اجتماعی است و هر چه سرمایه اجتماعی در جامعه بالاتر باشد رفتار مردم میان خودشان قابل اعتمادتر و پیش بینی پذیرتر خواهد بود و بنابراین نگرانی آنها از هزینه های احتمالی پیش بینی نشده (هزینه مبادله) کم تر میشود و در این صورت آنها می توانند براحتی برای دوره های آینده برنامه ریزی کنند. (رنانی، ۱۳۸۵)



## آیا هر ارتباطی به افزایش سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد؟



از آنچه تا به حال گفته شد ممکن است این برداشت شود که هر گونه رابطه اجتماعی می تواند در نهایت منجر به افزایش میزان سرمایه اجتماعی شود. علت تاکید ما بر ایجاد شبکه های اجتماعی و ارتباط های برون گروهی از این واقعیت سرچشمه می گیرد که گونه ای از ارتباط های اجتماعی می تواند تاثیر معکوس بر سرمایه اجتماعی در مقیاس کلان

آن بگذارند. ساده ترین مثالی که برای تبیین این حالت می توان به آن ارجاع داد، ارتباط و اعتماد عمیقی است که می توان در بین اعضای سازمان های مافیایی وجود دارد. پرسش این است: این اعتماد عمیق و ارتباط گسترده چه تاثیری بر سرمایه اجتماعی، در جامعه ای که این سازمان های جنایت پیشه به کار مشغولند، خواهد گذاشت؟

روابط افراد در گروه و بین گروه را در جدول زیر می توان خلاصه کرد<sup>۱</sup>:

| اعتماد و پیوندهای درون گروهی |      |                                            |                                            |
|------------------------------|------|--------------------------------------------|--------------------------------------------|
| کم                           |      | زیاد                                       |                                            |
| اعتماد و پیوندهای بین گروهی  | کم   | سرمایه اجتماعی در سطح جامعه کاهش می یابد   | پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی در کل        |
|                              | زیاد | سرمایه اجتماعی در سطح جامعه افزایش می یابد | به ندرت می توان نمونه ای از این وضعیت یافت |

همانگونه که در این جدول مشاهده می کنید در شرایطی که اعتماد و پیوندهای بین افراد در بستری از اعتماد عمومی پایین و عدم وجود اعتماد بین نهادهای سازمان ها، وجود داشته باشد، حاصلی جز فروکاهی سرمایه اجتماعی نخواهد داشت. اما اعتماد بین گروهی بالا و ارتباط های مدنی در قالب شبکه های بین سازمانی و شبکه های اجتماعی در زمینه سطوح بالای اعتماد بین فردی به شدت سرمایه اجتماعی را افزایش خواهد داد.

۱- منبع: ایوب زارعی: کارگاه آموزشی شبکه سازی برای سازمان های غیر دولتی فعال در حوزه اعتیاد/ آذر ۱۳۸۶/ تهران/ دفتر کنترل مواد و جرایم سازمان ملل (UNODC)

## سنجش سرمایه اجتماعی



من می توانم به شما بگویم چقدر پول دارم و یا خانه ای که در آن ساکن هستم چقدر می ارزد. می توانم بگویم برای انجام کاری معین - مثلاً درس دادن در یک کلاس به مدت دو ساعت - چقدر هزینه لازم است. می توانیم بگویم کشور ایران چقدر نفت در زیر سرزمین هایش دارد و این نفت چقدر می ارزد و ... اما چگونه می توانم بگویم

اندازه سرمایه اجتماعی من چقدر است؟ چگونه می توانم بگویم سرمایه اجتماعی تو از من بیشتر یا کمتر است؟ و یا سرمایه اجتماعی در این شهر از سال فلان تا الان کاهش یافته است؟ ملاحظه می کنید که « سنجش سرمایه اجتماعی کار آسانی نیست و تا حدی هم می توان گفت که در نهایت تجربی است و به دقت سایر سنجش هادر حوزه های علوم دقیقه نیست.» (محمدی، ۱۳۸۴، ص: ۱۹) برای سنجش سرمایه اجتماعی نیاز به در اختیار داشتن شاخص هایی برای سنجش داریم همانطور که از شاخص هایی مثل میزان پول و یا ذخایر برای سنجش سایر اشکال سرمایه استفاده می کنیم. اغلب روش هایی که برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی استفاده می شوند باید در نظر گرفت سه شاخص اصلی به این کار مبادرت می کنند این سه شاخص عبارتند از :

### ➤ شاخص اول اعتماد است.

که در سه سطح به آن اشاره شد.

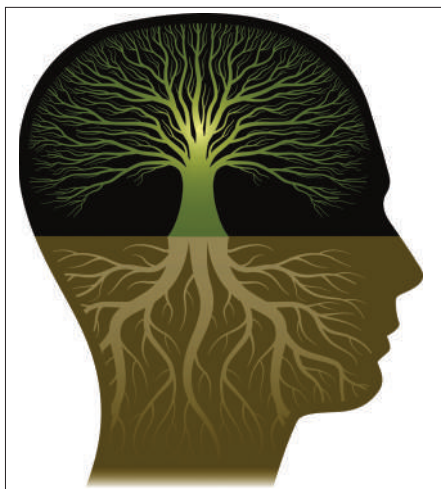
### ➤ شاخص دوم مشارکت اجتماعی است

به اصول مشارکت اجتماعی در فصل قبل پرداخته شد. اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که مشارکت باید سه ویژگی داشته باشد تا مشارکت اجتماعی محسوب شود : نخست اینکه عقلانی باشد، یعنی احساسی نباشد، دوم اینکه مستمر باشد و سوم اینکه سازمان یافته باشد. مشارکتهای بی سازمان و بی دوام و احساسی مشارکت اجتماعی محسوب نمی شوند. مثلاً اینکه مردم هجوم می برند و به آسیب دیدگان زلزله کمک می کنند مشارکت نیست اگر چه همیاری است. چون هجوم برای کمک در زلزله نه عقلانی است (بیشتر از روی احساس است) و نه سازمان یافته است و نه مستمر.

### ➤ شاخص سوم میزان همیاری اجتماعی است

همیاری یعنی اینکه شما بی رشوت و بی منت به کسی که او را نمی شناسید و از او توقع

جبران ندارید کمک یا خدمتی بکنید مثلاً اینکه می‌ایستیم و به راننده ناشناسی که بنزین اتومبیلش تمام شده است بنزین می‌دهیم نوعی همیاری است. یا وقتی موتور سوار ناشناسی را که زمین خورده، به بیمارستان می‌رسانیم، همیاری کرده ایم. (رنانی، ۱۳۸۵).



استفاده از این شاخص‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. مثلاً ممکن است امروز در شهر تهران اجابت درخواست یک رهگذر غریبه که از شما پولی برای کودک بیمارش درخواست می‌کند شاخصی برای سنجش میزان اعتماد به دیگران در بین اهالی تهران باشد، اما همین پرسش در شهری در یک کشور اسکاندیناویی معنایی نداشته باشد و برای سنجش اعتماد به دیگران در آن فرهنگ یا شرایط نیازمند طرح پرسش‌ها و قرار دادن شاخص‌های جزئی دیگری باشیم.

همین پرسش ممکن است بیست سال بعد در شهر تهران هم کاربرد نداشته باشد. بنابراین بر اساس سه شاخص کلی بیان شده در هر جامعه و زمان باید اقدام به طراحی مناسب روش‌های ارزیابی سرمایه اجتماعی پرداخت.

در اینجا به عنوان مثال شاخص‌هایی را که پاتنام در پژوهش‌های خود مورد استفاده قرار داد، آورده می‌شود. مقایسه این شاخص‌ها با شاخص‌هایی که در ارزیابی سرمایه اجتماعی در ایران مورد استفاده قرار گرفته است، اهمیت این تفاوت‌ها نشان می‌دهد.

### شاخص‌هایی برای سنجش (بر اساس مدل پاتنام)

پاتنام در سنجش سرمایه اجتماعی، چهارده اندازه یا معیار مجزا، مانند سطوح اعتماد اجتماعی و تعهد به امور مدنی و شهروندی را با هم در یک شاخصی به نام سرمایه اجتماعی ترکیب می‌کند و سطوح سرمایه اجتماعی را به طور جداگانه اندازه‌گیری می‌کند و آنچه به دست می‌آورد واقعاً قابل اعتناست. این چهارده شاخص به شرح زیر است:

#### الف: مقیاس‌های زندگی تشکیلاتی در گروه یا اجتماع:

در نظر فوکویاما، جوامع با اعتماد بالا، ژاپن، آلمان و آمریکا هستند که در آن تعاونی‌های بزرگ از درون شرکت‌های مشترک و عمومی شکل گرفته باشد.

۱. درصد کمک به باشگاه یا تشکیلاتی به عنوان مدیر در سال گذشته

۲. تعداد تشکیلات اجتماعی و مدنی در هر ۱۰۰۰ نفر

۳. تعداد متوسط عضویت و یا اعضای گروه

۴. میانگین دیدار اعضای باشگاه مربوطه و حضور در آن.

**ب- مقیاس های مشارکت در امور عمومی**

۱. شرکت کنندگان در مثلاً انتخابات های ریاست جمهوری چندین دوره متوالی

۲. درصد شرکت در جلسات عمومی مربوط به شهر یا مدرسه در یکسال گذشته

**ج- مقیاس های کار داوطلبانه در گروه یا اجتماع:**

این رفتارها نیاز به قانون و تنظیمات در روابط ندارد، بلکه وجدان اخلاقی مبنای اعتماد متقابل اعضای گروه می باشد.

۱. تعداد سازمان های غیر انتفاعی در هر ۱۰۰۰ نفر

۲. خدمت متوسط زمانی که هر نفر در یکسال گذشته روی پروژه گروه کار کرده است.

۳. حد متوسط زمانی که هر نفر در یکسال گذشته کار داوطلبانه کرده است.

**د- مقیاس های معاشرت غیر رسمی:**

۱. با این حرف موافقم که من وقت زیادی برای دین دوستانم صرف می کنم

۲. حد متوسط زمانی که در سال گذشته در منزل تفریح و اوقات فراغت خودم را

سپری کردم

**ه- مقیاس های اعتماد اجتماعی:**

۱. با این حرف موافقم که اکثر مردم قابل اعتمادند

۲. با این حرف موافقم که اکثر مردم صادق هستند

(Stephen baron and others,oxford. ۱۲ به نقل از محمدی، ۱۳۸۴ ص: ۷۳)











## فصل ششم

# شبکه و اقدام‌های شبکه‌ای

### چکیده و نکات اساسی

شبکه‌ی سازمانی، گروهی از سازمان‌هایی هستند که به منظور دستیابی به اهدافی مشخص و انجام فعالیت‌های مشترکی نظیر مدافعه‌گری، مبادله اطلاعات، خدمات یا کالا گرد هم می‌آیند. در سازمان‌های غیردولتی و اجتماع‌محور این گرد هم آمدن معمولاً داوطلبانه است. پس شبکه‌های سازمانی همگی نوعی گروه سازمانی به شمار می‌آیند اما هر گروهی از سازمان‌ها الزاماً یک شبکه نیستند.

آنچه به یک شبکه حیات می‌دهد ارتباط شبکه‌ای است. سازمان‌هایی که با یکدیگر ارتباط شبکه‌ای دارند به طور کنش‌مند در جستجوی ارتباط با یکدیگر هستند و در حقیقت برای این ارتباط، فارغ از هدف شبکه نیز اهمیت زیادی قائلند. با این دیدگاه شبکه‌سازی در حقیقت «ساختن» فضایی است برای اتحاد جهت شکل‌گیری و اجرای کارها از طریق ارتباط شبکه‌ای.

شبکه‌ها را می‌توان با معیارهای متفاوتی مانند کارکرد اصلی، هویت و تسهیم قدرت طبقه‌بندی کرد. انواع مختلفی از ساختارهای شبکه نیز مطرح شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. برخی از این ساختارها دارای توازن قدرت بوده و در برخی نوعی مرکزیت و سیستم سلسله‌مراتبی مشاهده می‌شود. برخی در انتقال سریع اطلاعات مؤثرترند و برخی در انتقال دقیق‌تر و صحیح‌تر اطلاعات.

ساختارهای یک شبکه الزاماً ثابت نبوده و یک شبکه ممکن است کاملاً یا غیرکاملاً ساختارهای متنوعی را تجربه کند. اما مهم است که شبکه‌ها به روشنی بدانند که در نهایت مایل به کسب کدام ساختار هستند. در غیر این صورت چه بسا تمایل بر سکون و استقرار در یکی از مراحل گذار و رضایت کاذب از آن بر حرکت به سمت ساختارهای بهتر غلبه کند.

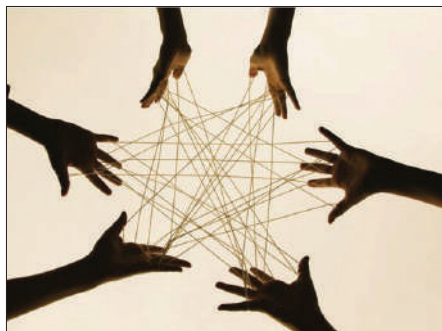


## اهداف این فصل :

- ◀ منظور از شبکه سازمانی، شبکه سازی، ارتباط شبکه ای چیست؟
- ◀ شبکه ها را چگونه می توان تقسیم بندی کرد؟
- ◀ ساختارهای شبکه و ویژگی های هر یک از این ساختارها چیست؟

## کلیاتی درباره شبکه و اقدامهای شبکه‌ای

کارکردهای مختلف سازمان‌های غیردولتی و اجتماع‌محور را می‌توان گستره‌ای در نظر گرفت که در یک انتهای آن « ارائه خدمات به گروه هدف» و در انتهای دیگر « انتقال پیام و نیازهای گروه هدف به تصمیم‌گیران جهت حمایت‌گیری» قرار دارد که مورد اخیر را Advocacy یا مدافعه‌گری می‌نامند.<sup>۱</sup> در مدافعه‌گری، سازمان غیردولتی اجتماع‌محور مستقیماً خدمتی را به مردم ارائه نمی‌دهد بلکه با استفاده از راهکارهایی مانند پژوهش، تشکیل ائتلاف‌ها، لابی کردن و



شبکه‌سازی تلاش می‌کند تا تصمیم‌سازان را نسبت به ابعاد و عمق نیازهای واقعی مردم در گروه هدف مطلع و قانع سازد.

در این بخش از نوشتار به شبکه‌سازی به عنوان یکی از تکنیک‌های اصلی مدافعه‌گری در سازمان‌های غیردولتی اجتماع‌محور پرداخته شده است.<sup>۲</sup>

در این فصل ابتدا به ارائه برخی تعاریف در بحث شبکه‌ها می‌پردازیم. طبیعتاً با توجه به ماهیت موضوع این امکان وجود دارد که تعاریف ارائه شده با آنچه در برخی از منابع آمده است تفاوت‌هایی داشته باشد ولی تا حد مقدور تلاش شده است از تعاریفی استفاده شود که انسجام کافی را در متن ایجاد کند. در ادامه فصل به انواع تقسیم‌بندی شبکه و سپس انواع شبکه‌ها از نظر ساختار پرداخته‌ایم.

## تعاریف

### شبکه Network

شبکه سازمانی، گروهی از سازمان‌هایی هستند که به منظور دستیابی به اهدافی مشخص و انجام فعالیت‌های مشترکی نظیر مدافعه‌گری، مبادله اطلاعات، خدمات یا کالا گرد هم می‌آیند. در سازمان‌های غیردولتی و اجتماع‌محور این گرد هم آمدن معمولاً داوطلبانه است. باید توجه داشت که این سازمان‌ها خود را جهت نیل به اهداف شبکه به شکلی سازمان می‌دهند که استقلالشان مختل نشود. به عبارت دیگر در شکل‌گیری یک شبکه، استقلال سازمانی اعضای شبکه مخدوش نمی‌شود. نتیجه آنکه هر سازمانی که عضو شبکه است در حقیقت حائز دو

۱- حمایت یابی هم ترجمه شده است.

۲- البته از شبکه‌های سازمانی در ارائه اثربخش‌تر و کارآتر خدمات به گروه هدف نیز می‌توان بهره برد که در قسمت‌های بعدی به آن اشاره شده است.

هویت می گردد: اول هویت سازمانی مستقل آن سازمان که پیش از عضویت در شبکه هم از آن برخوردار بوده است و دوم هویتی که به طبع عضویت آن سازمان در آن شبکه حاصل می گردد و می توان از آن به عنوان «هویت شبکه ای» یاد کرد. بسته به نوع و عملکرد شبکه، ارزش و اهمیت هویت شبکه ای برای سازمان های عضو متغیر خواهد بود.

تعریف دیگری نیز برای شبکه مطرح شده است و این تعریف عمدتاً در زمینه شبکه های اطلاعاتی مد نظر قرار می گیرد و آن این که شبکه، مداری است که از طریق آن اطلاعات و ایده ها می تواند جریان پیدا کرده و هم افزایی ایجاد کند. نمونه این مورد از جریان و مبادله اطلاعات را در شبکه های اینترنتی ملاحظه می کنید.

### ارتباط شبکه ای Networking



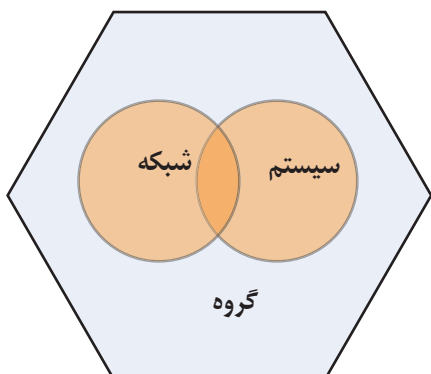
عبارت کلیدی دیگری که باید به آن بپردازیم عبارت «ارتباط شبکه ای» است. منظور از ارتباط شبکه ای فعالیتی است که به یک شبکه حیات می دهد. پس مجموعه ای از چند سازمان که تحت عنوان یک شبکه ثبت می شوند ممکن است از یک ارتباط اثربخش و کارآی شبکه ای در بین یکدیگر برخوردار نباشند و تنها اسم شبکه را به يدک بکشند! در حالی که اساساً

شبکه برای ارتباط شبکه ای مفهوم پیدا می کند. ارتباطی که در حقیقت چیزی بیش از کار کردن با یکدیگر است. این ارتباط کیفیتی جدید به همکاری های سازمانی می افزاید. ارتباط شبکه ای یعنی «فعالانه» در جستجوی ارتباط با دیگران بودن. در این عبارت، قید فعالانه از اهمیت بسزایی برخوردار است و حاکی از آن است که ارتباط منفعلانه عملاً منجر به یک ارتباط شبکه ای مناسب نخواهد گردید. سازمان هایی که با یکدیگر ارتباط شبکه ای دارند به طور پیشرو و کنش مند در جستجوی ارتباط با یکدیگر هستند و در حقیقت برای این ارتباط، فارغ از هدف شبکه نیز اهمیت زیادی قائلند. در حقیقت این ارتباط شبکه ای فعال به منظور توانمند شدن یک سازمان عضو و همین طور توانمندانه تر عمل کردن مجموعه سازمان های عضو شبکه صورت می گیرد و طبیعی است که نهایتاً انعکاس این توانمندی در عملکرد بهتر سازمان غیردولتی و اجتماع محور برای مردم نمود پیدا خواهد کرد.

### شبکه سازی، Building networks

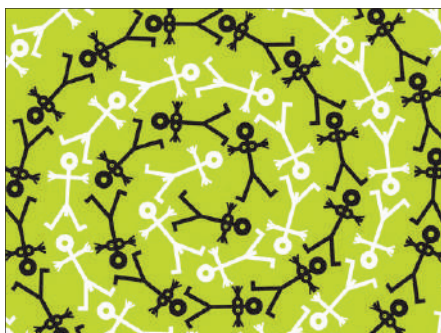
در حقیقت «ساختن» فضایی است برای اتحاد جهت شکل گیری و اجرای کارها از طریق ارتباط شبکه ای؛ شبکه سازی ساختن فضایی برای «هم افزایی اجتماعی» است. با گرد هم آمدن تعدادی از سازمان ها در یک گروه که مشغول انجام کاری با یکدیگر باشند الزاماً یک شبکه

سازمانی ساخته نمی شود و برای اینکه شبکه ای ساخته شود اصول و کیفیت های دیگری علاوه بر فعالیت گروهی باید در آن مجموعه وجود داشته باشد تا بتوانیم لفظ شبکه بودن این گروه را به آنها اطلاق کنیم. در بخش های دیگر این نوشتار به آن اصول خواهیم پرداخت. در اینجا لازم می دانیم معنای برخی واژه های دیگر را که تشابهات مفهومی با شبکه دارند را مرور کنیم:



«گروه» Group در بُعد سازمانی عبارتست از دو یا چند سازمان که با تعامل بر یکدیگر تأثیر می گذارند. این تعریف کلی نشان می دهد که شبکه های سازمانی همگی نوعی گروه سازمانی به شمار می آیند اما هر گروهی از سازمان ها الزاماً یک شبکه نیستند. همانطور که مجموعه افرادی که در یک سازمان با یکدیگر تعامل داشته و مشغول به کارند می توانند یک گروه قلمداد شوند اما این افراد الزاماً شبکه نیستند. مجموعه افرادی

که در یک صف در انتظار رسیدن اتوبوس هستند و بر سر دیر کردن اتوبوس با یکدیگر در حال گفتگو و تعاملند ممکن است گروهی از افراد تلقی شوند اما این گروه نیز شبکه ای تشکیل نداده اند. علت آن که به این گروه ها شبکه اطلاق نمی کنیم این است که این مجموعه ها از هدف و ارتباط شبکه ای مناسب و همینطور ساختار شبکه ای برخوردار نیست. در گروه های سازمانی الزاماً «ارتباطاتی» که در شبکه از اهمیت بسزایی برخوردار است وجود ندارد. همچنین «ساختار» گروه ممکن است آنچنان که در شبکه ها مدنظر هست تعریف شده نباشد.

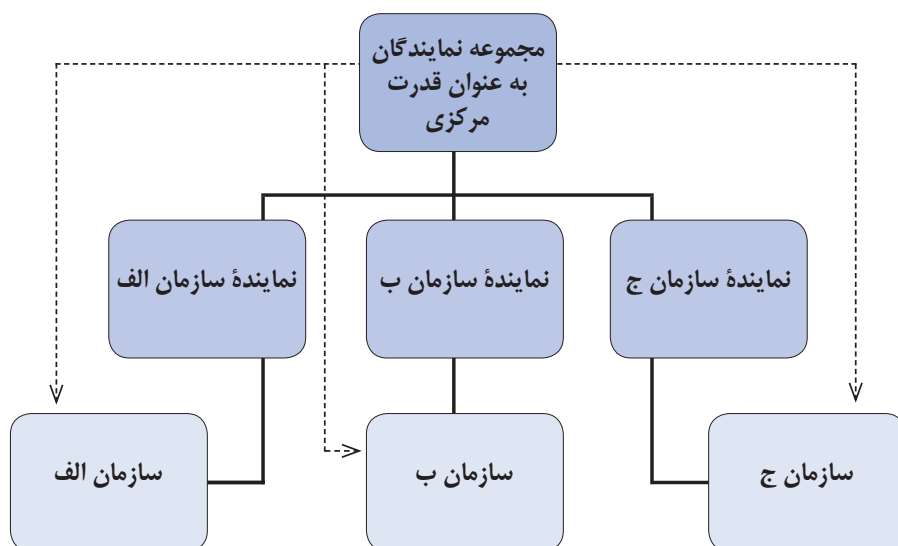


«سیستم» System مجموعه منظمی از عناصر به هم پیوسته است که برای رسیدن به اهدافی مشترک در تعاملند و یک کل یکپارچه را تشکیل می دهند. تفاوت سیستم با شبکه عمدتاً در این است که وقتی که یک سیستم تجزیه شود و اجزای آن از هم جدا شوند، نه تنها کل سیستم بلکه اجزاء ضروری آن هم ویژگی ها و یا کارکردهای تعریف شده خود را از دست خواهند داد.

در حالی که در شبکه ها معمولاً چنین حالتی نداریم و شبکه معمولاً به حضور یک عضو و یا یک سازمان وابسته نیست و حتی در صورت تجزیه شدن، هر یک از سازمان های

عضو ویژگی ها و کارکردهای خود را حفظ خواهند کرد. علاوه بر این شباهت عناصر و اجزا با یکدیگر در یک شبکه معمولاً بیشتر از یک سیستم است.

«فدراسیون» Federation در حقیقت نوعی شبکه است که در آن هر سازمان عضو، یک فرد را به عنوان نماینده اش در شبکه معرفی می کند. پس فدراسیون در نفس خود از ویژگی «نماینده گی» برخوردار است. فدراسیون ها از اصول روشنی برخوردارند که مبنایی دموکراتیک دارد. فدراسیون ها معمولاً بطور رسمی ثبت می شوند و دارای اساسنامه هستند و دارای ساختار بروکراتیک و رسمی هستند.



مثال: «فدراسیون بین المللی تنظیم خانواده»

### International Planned Parenthood Federation

این فدراسیون که از سال ۱۹۵۲ تشکیل گردید و شروع به فعالیت کرد، هم اکنون در حقیقت یک شبکه جهانی از «انجمن های تنظیم خانواده» است که در ۱۷۶ کشور (در قالب ۶ منطقه) مشغول به فعالیت در زمینه بهداشت باروری هستند. شورای رهبری این فدراسیون مرکب از ۳۰ نفر از منتخبین این انجمن های غیردولتی است و در سال دو بار تشکیل جلسه می دهد و سیاست های کلی و چارچوب استراتژیک جهانی را برای فدراسیون و انجمن های عضو تعیین می کنند.



«ائتلاف سازمانی» Coalition گروهی از سازمان هایی هستند که برای پیگیری یک هدف مشخص با یکدیگر همکاری می کنند. ائتلاف ها معمولاً ساختار رسمی دارند و هر یک از اعضا آن معمولاً نسبت به ائتلاف تعهد طولانی مدتی دارند. مثال های زیر تفاوت مفاهیم گروه، سیستم و شبکه را واضح تر می سازد:

| مثال                                                                          | تشکیل دهنده<br>یک گروه | تشکیل دهنده<br>یک سیستم | تشکیل دهنده<br>یک شبکه |
|-------------------------------------------------------------------------------|------------------------|-------------------------|------------------------|
| اجزاء اصلی یک اتومبیل                                                         | *                      | *                       | -                      |
| مجموعه اتومبیل های متعلق به یک تاجر ماشین                                     | -                      | -                       | -                      |
| مجموعه افراد حاضر در یک کارگاه آموزشی                                         | *                      | -                       | -                      |
| فرزندان افراد حاضر در یک کارگاه آموزشی                                        | -                      | -                       | -                      |
| اجزاء یک کامپیوتر                                                             | *                      | *                       | -                      |
| تماشاگران بازی فوتبال در استادیوم در حال اجرای موج مکزیکی                     | *                      | -                       | -                      |
| نمایندگان خانوارهای یک محله که برای رفع مشکلات محله بطور هفتگی گرد هم می آیند | *                      | -                       | *                      |
| کلیه افرادی که در این لحظه در این شهر در حال آدامس جویدن هستند                | -                      | -                       | -                      |
| یک شرکت                                                                       | *                      | *                       | -                      |
| مجموعه تیم درمانی آموزش دیده (شامل پزشک، پرستار و تکنسین) در یک بیمارستان     | *                      | *                       | -                      |
| افرادی که در ایستگاه اتوبوس در سکوت منتظر رسیدن اتوبوس هستند                  | -                      | -                       | -                      |
| ۱۰ سازمان اجتماع محور که برای اخذ تصمیم های مهم با یکدیگر نشست ماهانه دارند   | *                      | -                       | *                      |
| اجزاء بدن انسان                                                               | *                      | *                       | -                      |

## انواع تقسیم بندی شبکه ها

شبکه ها را می توان به طرق مختلفی طبقه بندی کرد. معیار طبقه بندی در هر یک از این انواع متفاوت است و اطلاع از این انواع در تجزیه و تحلیل شبکه ها بسیار کمک کننده خواهد بود:

### الف) شبکه ظرفیت ساز، شبکه مدافعه گر

برای این طبقه بندی «هدف اصلی» شبکه عطف توجه قرار می گیرد. تمرکز برخی از شبکه ها عمدتاً بر خود شبکه و هدف اصلی آنها افزایش ظرفیت در بین اعضای شبکه است و به همین دلیل از آنها می توانیم به عنوان شبکه های ظرفیت ساز یاد کنیم. در برخی دیگر از شبکه ها تمرکز اصلی بر محیط بیرونی و ایجاد تغییر در آن است. این نوع دوم را شبکه مدافعه گر می نامیم. در حقیقت شبکه های مدافعه گر گروهی از سازمان ها و افراد هستند که برای اعمال تغییر در سیاست ها، قوانین یا برنامه ها در یک مقوله خاص با یکدیگر همکاری می کنند. البته بدیهی است که اکثر شبکه ها تلفیقی از هر دو هدف را مد نظر قرار می دهند.



مثال: KIDOG<sup>۱</sup> نام یک شبکه مدافعه گر متشکل از ۲۰ سازمان های غیردولتی در ترکیه است که برای ارتقا وضعیت بهداشتی و آموزشی زنان از طریق مدافعه گری فعالیت می کند. این شبکه در سال ۱۹۹۸ با انجام فعالیت های مختلف موفق گردید که میزان بودجه دولتی اختصاص یافته برای ارتقا بهداشت زنان را افزایش دهد.

### ب) مجازی و حقیقی

در این حالت معیار طبقه بندی «هویت سازمانی» است. یک شبکه ممکن است شبکه ای از افراد و یا سازمان هایی باشند که به طور مجازی (مثلاً الکترونیکی) با یکدیگر در ارتباط هستند که نمونه آن در شبکه های اینترنتی کاملاً مشهود است. در عین حال شبکه ها ممکن است شبکه هایی حقیقی از سازمان های حقیقی باشند که ارتباط روشن و تعریف شده حقیقی با یکدیگر دارند. معمولاً میزان مسئولیت پذیری اعضا در شبکه های مجازی کمتر از شبکه های حقیقی است اما امکان گستردگی شبکه مجازی بیشتر از شبکه های حقیقی است. بنابراین شبکه مجازی معمولاً در تبادل اطلاعات سریع تر و کارآتر عمل می کند اما در انجام فعالیت های مشترک اغلب به شبکه های حقیقی نیازمندیم. توجه فرمایید که هم شبکه های حقیقی و هم شبکه های مجازی می توانند با هدف مدافعه گری و یا ظرفیت سازی تشکیل گردند.

### ج) افقی و عمودی

«تسهیم قدرت» در بین اعضا شبکه معیار این شکل از طبقه‌بندی شبکه است. شبکه افقی عمدتاً شبکه‌ای است که در آن سلسله مراتب قدرت وجود ندارد و در حقیقت با یک مجموعه مسطح روبرو هستیم در حالی که در شبکه‌های عمودی معمولاً سلسله مراتب و تفاوت توازن قدرت مشاهده می‌شود. احتمال تغییر شکل شبکه‌ها از حالات افقی به عمودی وجود دارد اما حالت برعکس کمتر مشاهده می‌شود. وسعت شبکه‌های حقیقی عمودی معمولاً بیشتر است و رسمیت و بوروکراسی بیشتری نیز بر آنها حاکم است.

### د) موقتی و دائم

معیار طبقه‌بندی در این حالت «زمان فعالیت» شبکه است. شبکه‌های موقتی عمدتاً برای نیل به یک مقصود در یک برهه زمانی شکل می‌گیرند و بعد از آن برهه زمانی عملاً فلسفه وجودی آنها از بین می‌رود؛ اما شبکه‌های دائم شبکه‌هایی هستند که تا مدتها فلسفه وجودی خود را حفظ می‌کنند. بدیهی است مفهوم پایداری در شبکه‌های دائم از مفاهیم با اهمیت بوده و یکی از دغدغه‌های شبکه به شمار می‌آید.

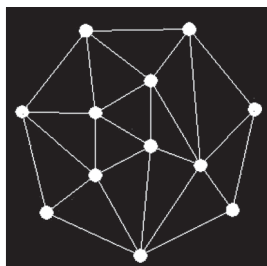
### ه) محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی

این طبقه‌بندی عملاً یک نوع تقسیم بندی «جغرافیایی» است که حکایت از میزان توسعه جغرافیایی یک شبکه دارد. شکل‌گیری شبکه‌های وسیع‌تر و سازمان‌دهی آنها معمولاً دشوارتر است اما مسلماً قدرت آنها در انجام کارکرد مدافعه‌گری بیشتر است. از طرف دیگر تمرکز بر انجام فعالیت‌های مشترک در شبکه‌های کوچک‌تر بیشتر است. شبکه‌های کوچک معمولاً در امر ظرفیت سازی نیز موثرتر عمل می‌کنند.

### ساختارهای شبکه

انواع مختلفی از ساختارهای شبکه مطرح شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. در اینجا به برخی از این ساختارها اشاره می‌کنیم:

#### ۱- مدل تور ماهی‌گیری یا مدل بافتی:

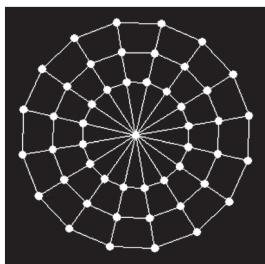


در این مدل سازمان‌هایی که باهم دیگر ارتباط شبکه‌ای دارند نوعی ارتباط افقی دارند و شبکه‌ای را تشکیل داده‌اند که مرکزیتی در آن متصور نیست. معمولاً یک یا چند سازمان نقش هماهنگ‌کنندگی را برای شبکه ایفا می‌کنند و یا انجام برخی از فعالیت‌های دبیرخانه‌ای را به عهده می‌گیرند. این بخش هماهنگ‌کنندگی قابلیت گردش در بین اعضای مختلف شبکه را دارد.

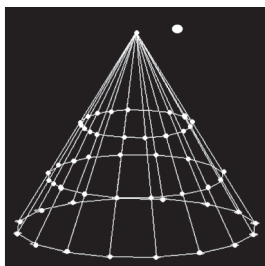
چنانچه ملاحظه می گردد در این مدل توازن قدرت وجود دارد و کلیه سازمان های می توانند مستقیماً با یکدیگر ارتباط داشته باشند. این شبکه ها معمولاً کوچک بوده و به ظرفیت سازی می پردازند. سرعت گردش اطلاعات در بین اعضای شبکه چندان بالا نیست اما از آنجایی که یک پیام از طرق مختلف می تواند به یک سازمان برسد، احتمال بروز خطا در انتقال پیام کمتر خواهد بود. به عبارت دیگر یک پیام از چند سازمان مختلف می تواند به هر سازمان برسد. نتیجه آنکه شفافیت افزایش یافته و از احتمال بروز سوء تفاهم ها کاسته خواهد شد.

**نکته:** در بسیاری از موارد به خطا «سازمان دبیرخانه شبکه»، به عنوان شبکه خطاب قرار می گیرد و اعضای که در کنار یکدیگر به شبکه هویت می دهند جایگاه خود را فراموش کرده و یا فراموش می شوند. باید توجه داشت که سازمان هماهنگ کننده یا دبیرخانه باید در خدمت اعضای شبکه باشد و میزان مسؤلیت دهی به آن سازمان در حدی نباشد که هویت و کارکرد شبکه ای را از شبکه سلب کند.

## ۲- مدل تور عنکبوت یا چرخشی:



این مدل حالتی است که یک سازمان مرکزی هماهنگ کننده وجود دارد که تعدادی سازمان مستقل را به همدیگر مرتبط می سازد. سازمان مرکزی نمایندگی شبکه را عهده دار است. برای سازمان های عضو امکان ارتباط مستقیم با سازمان های مجاور (مثلاً از نظر جغرافیایی) و ارتباط غیر مستقیم با سایر سازمان ها وجود دارد. توجه بفرمایید که با وجود مسطح بودن این شبکه و یکسان بودن قدرت سازمان ها از نظر توانایی، لایه های متفاوتی بوجود آمده است. نتیجه آنکه میزان و سرعت دسترسی به اطلاعات در بین این سازمان ها معمولاً یکسان نیست. معمولاً در این نوع از شبکه سرعت و کیفیت انتقال پیام از مرکز به محیط مناسب است ولی چنین سرعت و کیفیتی در انتقال پیام از محیط به مرکز مشاهده نمی شود و پیام ها با کیفیت نامناسبی و با تأخیر به سازمان مرکزی هماهنگ کننده می رسند.

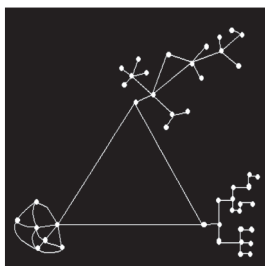


## ۳- مدل هرمی یا مخروطی:

در این مدل همانطور که از واژه هرم یا مخروط استنباط می شود با یک نوع شبکه عمودی و سطوح متفاوت سازمانی مواجه هستیم که علاوه بر مرکزیت، سلسله مراتب قدرت در آن مفهوم پیدا می کند. به عبارت دیگر سازمانی که در رأس

هرم قرار دارد و نمایندگی شبکه را عهده دار است سازمانی است که به هر علت (مانند سابقه سازمان، برخورداری از تجهیزات، حضور در مرکز کشور، ارتباطات برون شبکه ای) از قدرت بیشتری برخوردار است و همان سازمانی است که هدایت و سازماندهی اطلاعات و ارتباطات را بین سازمان های دیگر در سطوح مختلف عهده دار است. در اینجا هم مانند حالت پیشین کیفیت و کمیت اطلاعات در بین سازمان های سطوح مختلف معمولاً یکسان نیست و با نزدیک تر شدن سازمان ها به رأس هرم کیفیت و کمیت اطلاعات بهتر و بیشتر می شود. میزان رسمیت در این شبکه ها زیاد است. عده ای معتقدند که در شروع ایجاد شبکه وجود یک چنین ساختاری مطلوب تر است و می تواند نظم و هماهنگی اولیه را برقرار سازد. البته طبعاً تبدیل چنین ساختاری به ساختار تور ماهی گیری دشوار خواهد بود.

#### ۴- مدل ترکیبی:



در مدل ترکیبی شبکه ای از انواع شبکه ها وجود دارد. به عبارت دیگر، وقتی که مجموعه ای از شبکه ها مانند شبکه تور عنکبوت، یا شبکه تور ماهیگیری در کنار یکدیگر قرار گیرند شبکه بزرگتری را تشکیل می دهند که یک شبکه ترکیبی است. در این حالت هر یک از سازمان ها با شبکه خاص خود مرتبط است و آن شبکه با مجموعه شبکه های دیگری در ارتباط است.

#### ۵- مدل مارپیچی:



در مجموعه مدل های فوق الذکر معمولاً ساخته شدن شبکه با توجه با مأموریت سازمان ها و علائق مشترکی است که در اهداف سازمانی منعکس شده است اما گاهی مجموعه ای از سازمان ها بر سر یک محور خاص که مستقیماً به اهداف سازمانیشان مرتبط نیست گرد هم می آیند. این شبکه معمولاً شبکه ای است که غیررسمی شکل می گیرد و خودجوش است مانند یک مارپیچ حول یک محور خاص شکل می گیرند و پیش می رود. در این حالت تقدم و تأخر عضویت در شبکه را مشاهده می کنیم، اما معمولاً سلسله مراتب قدرت وجود ندارد. نمونه تشکیل این شبکه در هنگام بروز زلزله بم در میان سازمان های غیردولتی یاری رسان به بم قابل مشاهده بود.

توجه فرمائید که ساختارهای یک شبکه الزاماً ثابت نبوده و یک شبکه ممکن است کاملاً یا غیرکاملاً ساختارهای متنوعی را تجربه کند. مثلاً شبکه ای ممکن است ابتدا به صورت هرمی شکل گرفته و سپس به یک شبکه تور عنکبوتی و نهایتاً به شبکه تور ماهی گیری تبدیل شود. اما مهم است که شبکه ها به روشنی بدانند که در نهایت مایل به کسب کدام ساختار هستند و این

تصمیم را باید مستند کنند. در سند مذکور باید استراتژی و نحوه عبور از هر یک از ساختارهای گذار و زمان بندی لازمه ذکر شود تا امکان رصد و پی گیری را میسر سازد. در غیر این صورت چه بسا تمایل بر سکون و استقرار در یکی از مراحل گذار و رضایت کاذب از آن بر حرکت به سمت ساختارهای بهتر غلبه کند. همین طور این امکان وجود دارد که صاحبان قدرت در یک ساختار تمایلی به ترک یا واگذاری قدرت نداشته باشند. در جدول زیر جزئیات بیشتری در مورد ویژگی های هر نوع از ساختارهای ذکر شده ارائه شده است.

| تور ماهی گیری                                                         | تور عنکبوتی                                                                                     | هرمی                                                                     | خوشه ای                                                                    | مارپیچی                                                                           |
|-----------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------|
| <b>اهداف اصلی</b><br>توزیع اطلاعات<br>شروع<br>شبکه سازی بطور غیررسمی  | توزیع اطلاعات<br>نمایندگی<br>مدافعه گری<br>شروع شبکه سازی بطور رسمی                             | نظارت بر سازمان ها<br>نمایندگی<br>مدافعه گری<br>شروع شبکه سازی بطور رسمی | فعالیت های مرتبط اما غیر همسان<br>توزیع وسیع اطلاعات                       | اقدام و عملکرد سریع<br>تأثیر برای ارائه خدمت                                      |
| <b>روابط بین سازمانی</b><br>ارتباط با یکدیگر<br>فقدان نقطه مرکزی      | ارتباط مستقیم با سازمان های مجاور                                                               | ارتباط مستقیم با سازمان های مجاور<br>تفاوت جثه سازمانی<br>رهبری آشکار    | ارتباطات بین هماهنگ کننده های هر شبکه<br>هر شبکه نسبتاً مستقل عمل می کنند. | بر سر محور مشترک<br>تحرک و انرژی بالا<br>مستمر تا زمانی که به نیاز پاسخ داده شود. |
| <b>طول عمر</b><br>کوتاه تا میان مدت                                   | میان مدت                                                                                        | طولانی مدت                                                               | کوتاه تا میان مدت                                                          | کوتاه تا میان مدت                                                                 |
| <b>سازمان هماهنگ کننده</b><br>فقدان مرکزیت<br>رهبری گردشی است         | سازمان هماهنگ کننده مرکزی                                                                       | سلسله مراتب                                                              | نقاط ارتباط شبکه ها                                                        | موقت و ناملموس<br>انعطاف پذیری بالا                                               |
| <b>تأثیر</b><br>تأثیر درونی با دقت زیاد<br>دستیابی به اهداف کوتاه مدت | تأثیر بیرونی زیاد در کوتاه مدت<br>در طولانی مدت ممکن است تمرکز را از دست بدهد یا چالش پیش بیاید | تأثیر بیرونی زیاد<br>تداوم و پایداری                                     | تأثیر بیرونی متوسط                                                         | تأثیر بیرونی زیاد                                                                 |
| <b>اندازه</b><br>معمولاً کوچک                                         | بستگی به مسئله مورد نظر دارد                                                                    | وسیع و گاهی جهانی                                                        | کوچک تا متوسط                                                              | به بزرگی جمعیتی که به آن علاقمندند                                                |

منبع: آموزش بین فرهنگی برای زنان و اجتماع (Adriani S. Soemantri)، فیلیپین (با تغییر)







## فصل هفتم

# کارکردهای شبکه و ارتباط شبکه‌ای

### چکیده و نکات اساسی

بخش عمده کارکردهای یک شبکه سازمانی منتج از کارکرد سازمان‌های شکل‌دهنده آن شبکه است یعنی شبکه باعث هم‌افزایی در کارکردهای سازمان‌های ایجادکننده‌اش می‌شود. بخشی دیگر از کارکردهای شبکه به ماهیت آن به عنوان یک گروه مربوط می‌شود و مستقل از اجزای تشکیل‌دهنده آن است. در این وضعیت هر یک از سازمان‌های عضو شبکه به مثابه یک عضو گروه عمل می‌کند.

معمولاً مهم‌ترین عواملی که باعث حرکت سازمان‌ها برای تشکیل شبکه‌های سازمانی می‌شوند عبارتند از دغدغه‌های مشترک، تهدیدهای مشترک و یا اهداف مشترک در میان آن سازمان‌ها. شبکه‌ها نیز باعث افزایش تفاهم اجتماعی، ایجاد سطح بالاتری از فکر و اندیشه، بازتولید اعتماد اجتماعی و در نهایت افزایش سرمایه اجتماعی می‌شوند. این اتفاق عمدتاً از طرق مبادله و گردش آزاد اطلاعات، هم‌افزایی قدرت سازمانی، یکپارچگی مثبت و حفظ استقلال، ایجاد هویت مشترک، افزایش ظرفیت در سطوح فردی، سازمانی و اجتماعی، ایجاد زمینه‌های اخلاقی مشترک رخ می‌دهد.

در فرایند یک ارتباط شبکه‌ای ۳ مرحله متداخل متصور است که عبارتند از مرحله آمادگی و پذیرش، مرحله برنامه‌ریزی و مرحله عمل. نحوه محقق شدن هر یک از این مراحل می‌تواند سناریوهای مختلفی را برای شکل‌گیری شبکه‌ها رقم بزند.



## اهداف این فصل :

- ◀ مهم‌ترین عواملی که باعث حرکت سازمان‌ها برای تشکیل شبکه‌ها می‌شود چه هستند؟
- ◀ کارکردهای شبکه چه هستند؟
- ◀ مراحل یک ارتباط شبکه‌ای چه هستند و در هر مرحله چه نکاتی باید رعایت شوند؟
- ◀ برخی حالات رایج در شکل‌گیری شبکه‌ها چه هستند؟

## کارکردهای شبکه و اصول ارتباط شبکه‌ای

در این فصل ابتدا به کارکردهای شبکه‌های سازمانی در سطوحی متفاوت می‌پردازیم و تأثیر متقابل ارتباط شبکه‌ای و مفاهیم اعتماد و سرمایه اجتماعی را بررسی خواهیم کرد. سپس در نگاهی عملی‌تر به ماهیت فرایندی در ارتباط شبکه‌ای پرداخته و این ماهیت را در ۳ گام کلی مورد بحث قرار می‌دهیم. در انتها با نگاهی به چند سناریو در شروع شبکه‌سازی مبحث را جمع‌بندی می‌کنیم.

### کارکردهای شبکه



بخش عمده کارکردهای شبکه از دل کارکرد سازمان‌های شکل دهنده آن بیرون می‌آید. در واقع شبکه باعث هم‌افزایی در کارکردهای سازمان‌های غیر دولتی ایجاد کننده اش می‌شود. بخشی دیگر از کارکردهای شبکه به ماهیت آن به عنوان یک گروه مربوط می‌شود و مستقل از اجزای تشکیل دهنده آن است. در این وضعیت هر یک از سازمان‌های عضو شبکه به مثابه یک عضو گروه عمل می‌کنند.

همچنین هریک از اعضای سازمان‌های عضو به مثابه عضوی از شبکه به عنوان یک گروه بزرگ به ایفای نقش می‌پردازند.

پیش از پرداختن به این موضوع که کارکرد شبکه چیست باید به این پرسش پاسخ دهیم که اصولاً سازمان‌ها چه انتظاری از تشکیل شبکه دارند؟ به زبانی دیگر...

.... چه چیزهایی وجود دارند که یک سازمان غیر دولتی را به سمت همکاری با

سایر سازمان‌ها متمایل می‌کند؟

به طور خلاصه می‌توان گفت مهم‌ترین عواملی که باعث حرکت سازمان‌ها برای تشکیل شبکه‌ها می‌شود شامل موارد زیر است:

### دغدغه‌های مشترک (common knot)

سازمان‌ها زمانی که در باره موضوعات اجتماعی و یا درون سازمانی خود دغدغه‌های مشترکی با سایر سازمان‌ها پیدا می‌کنند، به سمت تشکیل شبکه پیش می‌روند. این دغدغه می‌تواند حل یک معضل اجتماعی یا کمک به برخی گروه‌های در معرض آسیب در جامعه باشد.

### ● تهدیدهای مشترک (threats)

ممکن است سازمان‌ها در معرض تهدیدهای مشترکی قرار بگیرند این تهدید ممکن است شرایط حقوقی برای ادامه فعالیت سازمان‌های جامعه مدنی باشد و یا کاهش منابع مالی در دسترس برای انجام فعالیت‌های سازمان باشد.

### ● اهداف مشترک (goals)

بهترین شرایط برای ایجاد شبکه‌ها زمانی حاصل می‌شود که سازمان‌ها دارای اهداف مشترکی باشند. سازمان‌هایی که هدف آنها کاهش مصرف مواد در بین نوجوانان است دارای هدف مشترکی هستند که می‌تواند مبنای تشکیل یک شبکه از این سازمان‌ها شود.

### شبکه چه می‌کند؟

- مهم ترین کار شبکه‌ها فارغ از محتوای فعالیت گروه‌های عضو آن ، توسعه و ارتقاء تفاهم اجتماعی است.
- کار مهم بعدی شبکه‌ها این است که افراد جامعه تحت پوشش خود را ، به عنوان کنشگران اجتماعی به سطح بالاتری از فکر و اندیشه هدایت می‌کنند.
- همچنین شبکه‌ها باعث بازتولید اعتماد اجتماعی (در صورت عملکرد صحیح) می‌شوند.

● و در نهایت سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد  
به طور خلاصه می‌توان این کارکردها را برای شبکه برشمرد:

### ● مبادله و گردش آزاد اطلاعات

مهم ترین کاری که برای شبکه‌ها برشمرده می‌شود امکان تبادل بهتر و سریع‌تر اطلاعات در بین اعضای آن است . البته این گردش اطلاعات به ساختار و شکل شبکه ارتباط زیادی دارد و هر چه ساختارهای شبکه به سمت عدم تمرکز پیش برود گردش اطلاعات و تبادل درست اطلاعات بهتر صورت خواهد گرفت.

### ● هم افزایی قدرت سازمانی

سازمان‌ها به عنوان اعضای یک گروه بزرگ موجب افزایش توان یکدیگر می‌شوند. همانطور که در بحث گروه گفته شد گاه کاری از اعضای یک گروه سر می‌زند که نه تنها اعضای گروه به تنهایی از پس انجام آن بر نمی‌آیند ، بلکه جمع جبری توان این افراد (در اینجا سازمان ها) نیز از عهده انجام آن بر نمی‌آید. شبکه توان بیشتری از جمع ساده توان سازمان‌های عضو خود ایجاد می‌کنند.



## تبادل افکار و اعمال

شبکه ها اندیشه های خود را با دیگران به اشتراک می گذارند. به این ترتیب آن ها خود را در معرض نقد و اصلاح قرار می دهند. سازمان های عضو شبکه می توانند با اطلاع از اعمال و افکار یکدیگر از انجام کارهای موازی و اتلاف کننده انرژی بپرهیزند و از تجربیات هم استفاده کنند.

## یکپارچگی مثبت و حفظ استقلال

### ایجاد هویت مشترک

سازمان های هم هدف و هم دغدغه در ارتباط با یکدیگر ایجاد یک هویت مشترک بین سازمانی می کنند که علاوه بر یاری رساندن به آن ها در دست یابی به اهدافشان، به تقویت احساس هویت محلی و ملی در بین اعضای این سازمان ها کمک می کند.

## افزایش ظرفیت در سطوح فردی ، سازمانی و اجتماعی

### ایجاد زمینه های اخلاقی مشترک

## گسترش زمینه های آموزش و توانمندسازی



## ارتباط شبکه‌ای به مثابه یک فرایند

چنانچه بخواهیم اجزاء فرایند یک ارتباط شبکه‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم می‌توانیم بطور کلی از ۳ مرحله متداخل مهم یاد کنیم:

**مرحله آمادگی و پذیرش:** در این مرحله در حقیقت سازمان‌های غیردولتی اجتماع محور با



کسب آگاهی و دانش در زمینه شبکه و ارتباط شبکه‌ای و تقویت ویژگی‌ها و مهارت‌های لازم، برای ساختن شبکه آماده می‌شوند. عامل انتقال دانش به سازمان‌ها می‌تواند یک فرد یا سازمان بیرونی و یا یکی از سازمان‌های اجتماع محور باشد.

در این مرحله آنچه علی‌الخصوص در مورد شبکه سازمان‌های اجتماع محور بسیار مهم

است اینست که این سازمان‌ها خود به این باور برسند که ارتباط شبکه‌ای می‌تواند با توانمندتر کردن سازمان‌ها نقشی در توسعه و ارتقاء کیفیت زندگی مردم داشته باشد. توصیه می‌شود در این مرحله:

**الف:** سازمان‌ها با کسب دانش در زمینه شبکه، موارد مثبت و منفی تشکیل آن را در بستر جامعه و ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن مورد تحلیل قرار دهند. علاوه بر این سازمان‌ها باید این ارزیابی را به عمل آورند که آیا درجه مناسبی از بلوغ سازمانی برای ارتباط شبکه‌ای بوجود آمده است یا خیر. تعدادی از صفاتی که لازمه شروع کار شبکه‌ای است عبارتند از:

### ۱- انعطاف‌پذیری:

مانند کلیه فعالیت‌های تیمی، انعطاف‌پذیری در بین سازمان‌های عضو یک شبکه در برقراری ارتباط سالم و پایدار در بین اعضای آن شبکه از اهمیت بالایی برخوردار است. در یک فضای متکثر که گوناگونی سلائق و آرا بیشتر است اهمیت این موضوع بیشتر نمود پیدا می‌کند. مثلاً در شروع کار یک شبکه بزرگ ملی از سازمان‌های اجتماع محور این ویژگی بسیار پر اهمیت خواهد بود.

### ۲- خلاقیت:

اعضای یک شبکه پیشرو باید خلاقیت و نوآوری را پذیرا بوده و آماده شنیدن آراء مختلف از جانب اعضاء باشند تا بتوانند در برخورد با مسایل و مشکلات پیچیده اجتماعی فعالانه عمل کرده و مشکلات فرا روی سازمان‌ها را حل و فصل کند. خلاقیت و ابتکار شرط مهم بقای شبکه است که در فقدان آن، شبکه اسیر روزمرگی خواهند شد. تحول و نوآوری

شرط پویایی شبکه است. این موضوع علی الخصوص در شنیدن دیدگاه های سازمان های جوان تر که معمولاً ایده های خلاقانه ای را مطرح می کنند صدق می کند.

### ۳- بردباری:

فعالیت شبکه ای احتیاج به صبر و حوصله و تحمل دارد. یقیناً یک شبکه پویا به سرعت شکل نخواهد گرفت. چنانکه پیش از این نیز ذکر شد گاهی ساختار شبکه به مرور دچار تغییراتی می شود که با رشد همراه است و این تغییر ساختار به حوصله احتیاج دارد.

### ۴- علاقه واقعی سازمان های اجتماع محور عضو به مردم و دیدگاه و نیاز آنها:



اعضای شبکه باید اخلاقاً نسبت به مردم و دیدگاه و نیاز آنها علاقه مند باشند. شبکه سازمان های غیردولتی اجتماع محور زمانی مفهوم پیدا می کند که هر یک از اعضای آن شبکه به عنوان یک سازمان غیردولتی نیازها و منافع مردم را در نظر بگیرد و این مهم تحت الشعاع فعالیت های شبکه ای قرار نگیرد. به عبارت دیگر کلیه تصمیمات و

اقدامات شبکه باید نهایتاً در خدمت مردمی باشد که سازمان های اجتماع محور برایشان فعالیت می کنند. چه بسیار مواردی مشاهده شده است که یک سازمان اجتماع محور دروغین با عضویت در یک شبکه تنها قصد کسب منافع فردی را در سر داشته است.

### ۵- باور به فرآیندهای گروهی:

در جایی که بحث ارتباط شبکه ای مطرح می شود باید در بین اعضاء باوری نسبت به اهمیت فرآیندهای گروهی وجود داشته باشد. اعضای یک شبکه باید تمایل داشته باشند که بسیاری از کارهای شبکه در سطح تصمیم گیری، اجرا، ارزشیابی و نیازسنجی به صورت گروهی انجام پذیرد، حتی اگر خروجی کار آنچنان که باید و شاید مورد رضایت تک تک سازمان ها قرار نگیرد. تجربه نشان داده است که در نهایت استفاده از خرد و توان جمعی به نفع شبکه بوده و پایداری آن را بیشتر می سازد.

### ۶- تمایل به یادگیری سازمانی:

همانطور که پیش از این مطرح شد یکی از کارکردهای شبکه توانمندسازی و افزایش دانش و تجربه در میان اعضای شبکه است. اعضای یک شبکه پیشرو تمایل دارند که از فرآیند ارتباط شبکه ای و از خروجی فعالیتشان به نفع یادگیری خود بهره مند شوند. شبکه باید بتواند به عنوان یک پایگاه اطلاعات و تجربه و تسهیل کننده مبادله اطلاعات عمل کرده و نقش کاتالیزوری را در بین اعضا شبکه بازی کند. متأسفانه گاهی عدم توجه به این موضوع و حتی ساختار شبکه باعث می شود تا اطلاعات و دانش تنها در اختیار تعدادی از سازمان های عضو شبکه (و حتی گاهی تنها تعدادی از افراد) قرار بگیرد.

ب: سازمان های اجتماع محور باید در کنار برخورداری از ویژگی های فوق الذکر تعدادی از مهارت های لازم برای ارتباط شبکه ای را نیز کسب کنند. مسلماً این مهارت ها در حین فرایند ارتباط شبکه ای نیز ارتقا می یابند اما برخورداری از آنها در مرحله آمادگی برای ساخت شبکه بسیار مثرتر خواهد بود.

### ۱- مهارت ارتباطی:



طبیعی است که با توجه به جایگاه ارتباط در یک شبکه (و آنچه درباره سرمایه اجتماعی مطرح گردید)، کسب این مهارت برای افزایش کارایی شبکه غیر قابل اجتناب خواهد بود. مهارت در برقراری ارتباط بین سازمانی و رعایت اصول آن تا حدی مهم است که گاهی در ابتدای فرایند شبکه سازی برای آن آئین نامه ای توسط سازمان های عضو تدوین می گردد. خاطر نشان

می سازد که ساختار شبکه خود در ترسیم نحوه برقراری ارتباط سازمانی موثر است<sup>۱</sup>. مهارت ارتباط بین فردی نیز نوعی از مهارت ارتباطی است که بین افراد شکل می گیرد. (منظور از مهارت ارتباطی به عنوان یک کل، مهارت ارتباط بین سازمانی و یا بین فرد و سازمان و یا انواع مهارت های ارتباطی مجازی است، اما در مورد مهارت بین فردی به طور خاص ما با مهارت ارتباط بین افراد به عنوان انسان ها سروکار داریم). پرواضح است که این مهارت چه در تعاملات درون شبکه ای و چه در برقراری ارتباط با افراد حقیقی و حقوقی بیرون از شبکه بسیار با اهمیت است.

### ۲- مهارت مذاکره:

مهارت مذاکره از مواردی است که به طبع مهارت ارتباطی مفهوم پیدا می کند. اعضای یک شبکه از توانایی بالای مذاکره در بین خود و همین طور توانایی برقراری ارتباط مؤثر و مذاکره با سازمان ها و افراد بیرون از شبکه برخوردار هستند. این مهارت علی الخصوص در شبکه های مدافعه گر با ارزش است.

### ۳- مهارت حل تعارض:

چنانکه می دانید تعارض هنگامی آغاز می گردد که یک طرف درگیر تصور می نماید، طرف دیگر تاثیر منفی بر چیزی که مورد توجه وی است گذاشته یا قصد آن را دارد. بدیهی است که هر از گاهی در بین اعضای متکثر یک شبکه اختلاف سلاطین بروز کرده و حتی

۱- اهمیت این موضوع بسیار زیاد است تا حدی که شاخصی به نام دانسیته شبکه Network density تعریف شده است که از تقسیم تعداد ارتباط های بالفعل موجود بین سازمان های عضو بر تعداد ارتباط های بالقوه (کلیه ارتباطات ممکن) بدست می آید. هر چه دانسیته شبکه بیشتر باشد سازمان های عضو مرتبط تر و دخیل تر خواهند بود. انتظار می رود که با فعالیت شبکه به مرور زمان شاهد افزایش دانسیته شبکه باشیم.

تعارضاتی پیش بیاید. مهارت حل تعارض در چنین مواردی از ابزارهای بسیار مهم یک شبکه قلمداد می‌شوند که می‌تواند ارتباط شبکه‌ای را به حالت مثبت و اثربخش اولیه درآورده و حتی از تعارض پیش آمده به نفع یادگیری اعضای شبکه استفاده کند. بعلاوه این تعارض ممکن است تعارضی باشد که بین شبکه‌های مختلف و یا یک شبکه و یک سازمان بیرون از شبکه ایجاد شود. در چنین وضعیتی منطقی خواهد بود که هر یک از اعضای شبکه نسبت به مهارت حل تعارض اشراف و توانایی کافی داشته باشد.

#### ۴- مهارت تفکر استراتژیک:



این مهارت در واقع مهارت انجام دادن کار درست است. از اعضای شبکه و کل شبکه انتظار می‌رود که این توانایی را داشته باشند که در برهه‌های زمانی مختلف استراتژی را که به صلاح شبکه (و نهایتاً به صلاح مردمی که مجموعه سازمان‌های اجتماع‌محور در خدمت آنها هستند) است تشخیص داده و تعقیب کنند. شبکه‌های موفق می‌دانند اگر خود استراتژی مشخصی نداشته باشند، ناگزیر باید پیرو استراتژی دیگران باشند

که الزاماً نفع مردم و یا سازمان‌های عضو شبکه را به همراه ندارد. استراتژی‌ها سمت و سوی حرکت شبکه را مشخص می‌کنند و با در نظر داشتن میزان توانایی و ضعف شبکه و تهدیدات و فرصت‌های پیش روی شبکه تعیین می‌شوند. ممکن است تنها یک یا چند سازمان عضو شبکه دارای این مهارت باشند ولی چنانچه این مهارت در بین سازمان‌های عضو شبکه اکتساب گردد از تک بعدی شدن دیدگاه‌ها پیش‌گیری کرده و زمینه بروز خلاقیت‌ها فراهم می‌آید.

**ج:** جزء مهم دیگری که در مرحله آمادگی و پذیرش باید مد نظر قرار گیرد مجهز شدن به ابزار و ادوات ارتباط شبکه‌ای است. این ابزار و ادوات در حقیقت تسهیل و تسریع کننده ارتباط خواهند بود. به عنوان مثال برخورداری از مکانی برای برگزاری جلسات مرتبط با شبکه، وسایل ارتباطی و اطلاع‌رسانی، سیستم مستندسازی از جمله این موارد هستند.

**مرحله برنامه‌ریزی:** در این مرحله اعضای شبکه پس از کسب آمادگی شروع به برنامه‌ریزی برای شبکه می‌کنند. تدوین اساسنامه، آیین‌نامه‌ها، تعیین اهداف راهبردی، تعیین ساختار شبکه و نوشتن پروژه‌ها همگی از جمله مواردی هستند که در این مرحله به آن پرداخته می‌شود. توجه فرمایید که ممکن است برخی از اجزاء این مرحله در مرحله

پیشین تا حدی روشن شده باشند. پاره‌ای نکات در مرحله برنامه‌ریزی حائز اهمیت هستند:

- برنامه‌ها و فعالیت‌های شبکه سازمان‌های اجتماع‌محور نباید از «بالا به پایین» طراحی و تنظیم شوند و در فعالیت‌های شبکه باید نظام مشارکت فراگیر محقق شود. تجهیز شبکه به سیستم‌های شفاف مشارکتی در ابتدای کار شبکه بسیار با اهمیت است. پس بیراه نخواهد بود اگر یک شبکه قبل از هر نوع برنامه‌ریزی دیگر، برای برقراری یک نظام مشارکتی برنامه‌ریزی کند.
- در برنامه‌ریزی برای ارتباط و فعالیت شبکه‌ای نباید فقط بر اجرای فعالیت‌ها متمرکز بود بلکه باید در هنگام شکل‌گیری شبکه، امکان و نحوه توسعه و ارتقاء شبکه را چه از بعد کمی و چه از بعد کیفی مورد توجه قرار داد و برای آن برنامه‌ریزی کرد. پیش از این نیز گفتیم که برای تغییر ساختار شبکه‌ها نیز می‌توان به دقت اعمال مدیریت کرد.
- باید توجه کرد که یک شبکه در خلاء فعالیت نمی‌کند؛ بنابراین شبکه ضمن توجه به محیط درونی خود باید از محیط بیرونی غافل نشود و نحوه تعامل با سازمان‌های بیرون از شبکه را نیز در فعالیت‌های خود مدنظر قرار بدهد. بنابراین اشراف به سیاست‌های کلان کشور در مورد توسعه، دیدگاه عمومی نسبت به سازمان‌های اجتماع‌محور، تجزیه و تحلیل دینفعان و حتی آگاهی از تجربیات بین‌المللی همگی از مواردی هستند که در برنامه‌ریزی برای شبکه حائز اهمیت هستند.
- شبکه‌های سازمانی غیردولتی اجتماع‌محور نباید تبدیل به ابزاری برای سوءاستفاده شوند. به عنوان مثال این شبکه‌ها نباید تحت اراده جریان‌های سیاسی قرار بگیرند. متأسفانه مشاهده می‌گردد که برخی از شبکه‌های غیردولتی تبدیل به ابزارهایی برای کسب قدرت‌های سیاسی شده و مسئولین آن بیشتر در فکر کسب جایگاه‌های قدرت در دولت هستند. نتیجه آنکه برنامه‌ریزی چنین شبکه‌ای عملاً تحت‌الشعاع چنین رویکردی قرار می‌گیرد.
- تهیه بانک اطلاعاتی از سازمان‌های اجتماع‌محور عضو شبکه و توانایی و امکانات آنها و به روز کردن آن نیز بسیار با اهمیت است. هر یک از اعضای شبکه باید بتواند به راحتی به اطلاعاتی از سازمان‌های عضو که در اختیار شبکه قرار گرفته است دسترسی داشته باشد.

**مرحله عمل:** در این مرحله شبکه در حقیقت فعالیت خود را بطور جدی‌تری آغاز می‌کند. در حقیقت در این مرحله:



**الف:** فعالیت شبکه مدیریت می شود. یعنی متناسب با برنامه ریزی انجام شده در مرحله قبل، سازمان دهی منابع، هدایت شبکه و نظارت و ارزشیابی آن انجام می گیرد. گزارش دهی به اعضای شبکه و ارتباط هدفمند با مردم از اجزا مهم مدیریت یک شبکه سازمان های اجتماع محور بشمار می آیند.

**ب:** متناسب با برنامه ریزی انجام شده شبکه ارتقاء پیدا می کند. در شبکه های مدافعه گر



ممکن است رشد کمی بیشتر مدنظر قرار گیرد و در شبکه های ظرفیت ساز بیشتر به رشد کیفی پرداخته شود. در هر حال در این مرحله شبکه ها شناخته شده تر می گردند و می توانند به بازیگران فعالی در عرصه توسعه تبدیل شوند. عملکرد مناسب شبکه در این مرحله معمولاً منجر به جلب توجه سایر سازمان ها می گردد.

**ج:** تجهیز منابع (مالی، انسانی، ...) برای شبکه با جدیت بیشتری صورت می گیرد. شبکه برای انجام پروژه های خود شروع به جلب منابع می کند. به عنوان مثال با ارائه پروژه ها به سازمان های مختلف اهداکننده کمک منابع مالی لازمه را تهیه می کند و یا با انجام مذاکره و تعامل با سایر دستگاه ها، از حمایت آنها در تسهیل اجرای پروژه ها برخوردار می شود.

**نکته:** در شروع کار شبکه، هر سازمانی نباید انتظار داشته باشند تا سازمان دیگری فعالیتی را شروع کند (حتی اگر آن سازمان متعهد به اجرای آن کار شده باشد). هر سازمان باید آماده آغازگری باشد. ترویج این نگرش و رویکرد در ابتدای کار شبکه بسیار مهم است.

بطور خلاصه می توان موارد زیر را در تشریح اصول شبکه سازی مورد توجه قرار داد:

- شبکه یک ابزار است و فی النفسه یک غایت نیست. بنابراین باید از شبکه مانند یک ابزار کاراً استفاده کرد تا بتوان به اهداف از پیش تعیین شده آن رسید. پس مانند هر ابزاری باید زمان بکارگیری و نحوه استفاده بهینه از آن را آموخت.
- شبکه ها نباید بدون مطالعه و آینده نگری ایجاد شوند. شبکه ها هدفمند هستند و باید ضمن بررسی های اولیه مناسب و با برخورداری از یک چشم انداز و ماموریت روشن شکل بگیرند.
- باید توجه داشت که شبکه های مؤثر و کاراً «یک شبه» پدید نمی آیند؛ برای ایجاد یک شبکه پویا، خلاق و فعال باید زمان صرف کرد و صبور بود.
- شبکه ها پویا هستند. شبکه ها در درون خود دینامیسم دارند و تحت تأثیر محیط بیرونی نیز قرار می گیرند. به این پویایی باید بها داد و جهت حفظ آن تلاش کرد. تعامل

- درونی و بیرونی این سیستم باز را باید به دقت زیر نظر داشت و تحلیل کرد.
- شبکه ها باید به منابع (مالی، انسانی و ...) متنوعی متکی باشند. این موضوع در پایداری یک شبکه از اهمیت بسزایی برخوردار است و پایداری کارکردی و سازمانی و نهادی شبکه را تحت تأثیر قرار می دهد. از طرف دیگر استقلال شبکه ها نیز باید به خوبی حفظ شود.
- شبکه ها در عین یکپارچگی نیازمند تنوع در میان اعضای خود هستند. این تنوع در بین اعضای یک شبکه در بسیاری از موارد مثبت تلقی می شود و باید از این تنوع و تکرر نهایت استفاده را کرد. معمولاً کیفیت بالاتر تصمیمات نتیجه پذیرش تکرر است.
- شبکه ها نیازمند یک مدیریت انعطاف پذیر و همینطور توانایی سازگاری یافتن با شرایط متغیر در طی زمان هستند. در شرایط متغیر و متلاطم بیرونی شبکه باید این قدرت را داشته باشند که خود را با این شرایط هماهنگ کرده و انعطاف لازم را در سازمان خود ایجاد کند به طوری که در اثر تغییرات تحمیلی بیرونی با تزلزل مواجه نشوند. البته این موضوع نافی حفظ ارزش ها و اصول بنیادین حاکم بر یک شبکه نیست و تغییرات بیرونی نباید شبکه را از ارزش های اصیل خود غافل سازد.
- داشتن یک شبکه فعال، مؤثر و عمل گرا بسیار مهم تر از تشکیل یک ساختار رسمی و ثبت شده است. ارتباط شبکه ای بسیار با اهمیت تر از آن است که ما خود را درگیر ایجاد یک ساختار دیوانسالارانه کنیم. آنچه که از اهمیت بسزایی در فعالیتهای مرتبط با شبکه ها برخوردار است «ارتباط» است و نه چارچوب رسمی. ارتباطی که لازم نیست حتماً «سازمان دهی شده» باشد.
- شبکه ها نیازمند یک پایگاه مستحکم اجتماعی هستند. شبکه ها به شرطی می توانند پایداری خود را حفظ کنند که از یک پایگاه مقاوم و ریشه دار در اجتماعی که در آن به سر می برند، برخوردار باشند. این مهم محتاج کارکرد مناسب شبکه و سایر اصول پیش گفته است.
- در بین اعضای شبکه تماس و تعامل از اهمیت بالایی برخوردار است. تماس ها و ارتباطات انواع گوناگونی دارد، اما معمولاً هر چه این تعاملات به سوی ارتباطات رو در رو میل کنند، شبکه از موفقیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

## برخی سناریوهای شبکه سازی<sup>۱</sup>:

با توجه به موارد مذکور، در این قسمت برخی حالتی را که در شبکه سازی می توانند متصور باشند مطرح کرده و بطور خلاصه گام های لازم در شکل گیری شبکه را مرور می کنیم:

### سناریوی الف

« یک سازمان اجتماع محور تمایل دارد از سازمان های دیگر کمک بگیرد تا توانمندتر شود. این سازمان می داند که تشکیل شبکه ای از سازمان ها می تواند راه خوبی برای این منظور باشد.»

چنانچه در این حالت ملاحظه می شود یک سازمان اجتماع محور خود آغازگری را در ایجاد شبکه عهده دار شده است. پس گام های زیر برای شکل گیری شبکه می توانند در نظر گرفته شوند:

- سازمان اجتماع محور اهدافش را تعیین می کند.
- سازمان اجتماع محور تحلیل می کند که برای رسیدن به اهدافش به چه کمک ها و توانایی هایی نیاز دارد.
- سازمان اجتماع محور طی تحقیق لیستی از سازمان هایی که توانایی های مذکور را دارند یا می توانند به این سازمان کمک کنند تهیه می کند.
- سازمان اجتماع محور با توجه به اهداف و نیازهایش و با رویکردی شفاف و طی گذار از مراحل ۳ گانه فرایند شبکه سازی، تشکیل شبکه ای مشخصی (احتمالاً بسته) از سازمان های داوطلب عضویت در شبکه را تسهیلگری می کند.
- سازمان های اجتماع محور برای تقویت، رشد و پایداری شبکه تلاش می کنند.
- هر سازمانی ابتدا کمک می کند بعد کمک می گیرد.
- سازمان های اجتماع محور راه های ارتباطی شان را تسهیل می کنند.
- نظام نظارت، ارزشیابی و شفافیت توسط سازمان ها طراحی و اجرا می شود.

۱- مطالب این قسمت عمدتاً حاصل گفتگو و همفکری شرکت کنندگان کارگاه های شبکه سازی است که در طی سال ۸۷ و در ۶ کارگاه اقلیمی اجرا شدند.

## سناریوی ب

«مجموعه‌ای از سازمان‌های اجتماع محور تمایل دارند تا با کمک یکدیگر انباشت قدرت داشته باشند.»

در این حالت با توجه به کارکردهای شبکه تمایل به ایجاد شبکه از سوی تعدادی از سازمان‌های اجتماع محور و برای مدافعه‌گری صورت گرفته است. در طی مسیر شبکه‌سازی احتمالاً مراحل زیر متصور خواهند بود:

- سازمان‌های اجتماع محور آمادگی‌های لازم و اولیه برای ایجاد شبکه را کسب می‌کنند و طی گفتگو انتظارات و نیازهای خود از شبکه را مطرح کرده، علائق مشترک را می‌یابند و به توافق می‌رسند.
- سازمان‌های اجتماع محور مأموریت و اهداف شبکه را به روشنی تعریف می‌کنند.
- سازمان‌های اجتماع محور کدهای اخلاقی در کار شبکه را تدوین می‌کنند.
- سازمان‌های اجتماع محور یک مدل ارتباط غیر سلسله مراتبی را اجرا می‌کنند.
- کلیه سازمان‌ها فعالانه ارتباطات را ترغیب می‌کنند؛ دانش، اطلاعات و تجارب آموخته شده را تقسیم می‌کنند و هم‌افزایی ایجاد می‌کنند.
- این سازمان‌ها حتی الامکان از تکنولوژی استفاده می‌کنند.
- مکانیسم نظارت و ارزشیابی روشن و شفافی را راه‌اندازی می‌کنند و تلاش می‌کنند که تا حد امکان اطلاعات و تجارب را مستند سازند.

## سناریوی ج

«یک سازمان دولتی - به عنوان یک آغازگر بیرونی - تمایل دارد تسهیل‌کننده ساختن شدن شبکه‌ای از سازمان‌های غیردولتی اجتماع محور شود.»

در این سناریو آغازگر فرایند شبکه‌سازی یک بیرونی است؛ یعنی خودش در بین سازمان‌هایی که قرار است شبکه را تشکیل بدهند نیست. مراحل زیر احتمالاً طی خواهند شد:

- سازمان دولتی نقش تسهیل‌گری خود را به سازمان‌های اجتماع محور توضیح می‌دهد (نقش حمایت از فعالیت شبکه‌ای است)
- سازمان دولتی هدف از برنامه را توضیح می‌دهد.

- برای رفع حساسیت، سازمان دولتی، خود، مشکلات پیش آمده در زمینه مداخلات دولت در امور سازمان های اجتماع محور را مطرح می کند و تلاش می کند که تنها نقش تسهیلگری را ایفا نماید. بدین منظور به استراتژی خروج خود در گام ها آتی اشاره می کند.
- چنانچه تمایل به ادامه فرایند از جانب سازمان های اجتماع محور ابراز گردید، سازمان دولتی آموزش های مرتبط با شبکه سازی را ترجیحاً با کمک سازمان های اجتماع محور ارائه می دهد.
- ادامه فعالیت توسط خود سازمان های اجتماع محور (مشابه سناریوی ب) و اتخاذ استراتژی خروج توسط سازمان دولتی
- نظام نظارت، ارزشیابی و شفافیت توسط سازمان های اجتماع محور طراحی و اجرا می شود.
- سازمان دولتی تلاش می کند محیط بیرونی را برای فعالیت شبکه مستعدتر سازد. بدین منظور به عنوان مثال شرایط ثبت قانونی شبکه ها را مهیا می سازد.
- سازمان دولتی تلاش می کند تا بستری برای توانمندسازی بیشتر شبکه ها ایجاد شود.

### سناریوی د

« یک سازمان دولتی تمایل دارد در افزایش اثربخشی فعالیت سازمان های اجتماع محور تلاش کند. این سازمان اعتقاد دارد که شبکه سازی یکی از راه های مناسب است.»

- سازمان دولتی نقش خود را توضیح می دهد (که نقش حمایت از سازمان های غیردولتی اجتماع محور بطور کلی است).
- سازمان دولتی مشکلات سازمان های غیردولتی اجتماع محور را از دید یک ناظر بیرونی توضیح می دهد.
- از سازمان های اجتماع محور راهکارهای مختلف را برای حل مشکلات جویا می شود (که ممکن است شبکه سازی یکی از این راهکارها باشد).
- سازمان دولتی به راهکارهای مختلف ابراز شده توجه می کند و تلاش می کند که با استفاده از امکانات خود و یا سایر سازمان ها برای کمک به سازمان های اجتماع محور اقدام کند.
- اگر شبکه سازی به عنوان یکی از راهکارهای حل مشکلات توسط خود سازمان های اجتماع محور مطرح شد، از این مرحله به بعد سازمان دولتی مشابه سناریوی ج عمل می کند.

- نظام نظارت، ارزشیابی و شفافیت توسط سازمان های اجتماع محور طراحی و اجرا می شود.
- سازمان دولتی تلاش می کند محیط بیرونی را برای فعالیت شبکه مستعدتر سازد. بدین منظور به عنوان مثال شرایط ثبت قانونی شبکه ها را مهیا می سازد.
- سازمان دولتی تلاش می کند تا بستری برای توانمندسازی بیشتر شبکه ها ایجاد شود.







## فصل هشتم

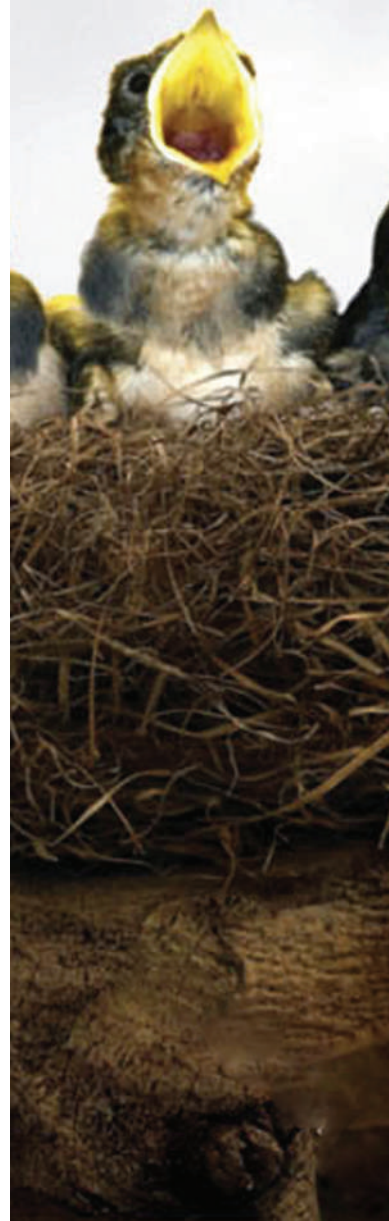
# پایش و پایداری شبکه‌ها

### چکیده و نکات اساسی

اکثر شبکه‌های سازمانی پس از تولد و رشد و انجام برخی فعالیت‌ها به مرور به دوران رکود و پایان زندگی نزدیک می‌شوند. البته طول عمر شبکه‌ها متفاوت است. برای بسیاری از شبکه‌ها کاملاً منطقی و قابل درک است که پس از محقق شدن اهداف روشن و کوتاه مدت خود پایان فعالیت خود را اعلام کنند. در تعدادی دیگر از شبکه‌ها اهداف و ماموریت‌های بزرگی تعریف می‌شوند که لازمه تحقق آنها بقای طولانی مدت و پایداری شبکه است.

شاخص‌های پایداری یک شبکه عبارتند از مدیریت مردم‌سالارانه، احترام به تکثر ضمن برخورداری از ارزش‌های مشترک، ترغیب پویایی، کیفیت مطلوب ارتباطات درون شبکه‌ای و همچنین میزان اثربخشی یک شبکه. در بررسی میزان پایداری یک شبکه تظاهر کلیه این شاخص‌ها در ابعاد گوناگونی همچون اهداف و استراتژی‌های شبکه، نحوه سازمان‌دهی و مدیریت شبکه و نهایتاً نوع رهبری و روند مشارکت در شبکه مورد توجه قرار می‌گیرند.

یک شبکه پایدار برای پاسخ به یک نیاز شکل می‌گیرد، به اعتماد و احترام در میان سازمان‌های متکثر و مستقل عضو شبکه تداوم می‌بخشد، بطور فعال شفافیت و پاسخ‌گویی را به نمایش می‌گذارد و عدالت را در دسترسی به اطلاعات رعایت می‌کند.



## اهداف این فصل :

- ◀ چگونه فرض‌ها و خطرهای اقدام شبکه‌ای را ارزیابی کنیم؟
- ◀ شاخص پایداری شبکه‌ها کدام است؟
- ◀ چگونه شبکه‌ها پایدار می‌مانند؟



## پایداری شبکه

در این بخش با بررسی شاخص هایی در پایداری شبکه و ارتباط آنها با ابعاد عملکرد شبکه، به ذکر نکاتی در پایداری و



زیست پایی شبکه ها خواهیم پرداخت.

پرسشی که ابتدا باید به آن پاسخ گفت این است که، آیا شبکه ها از یک دوره زندگی برخوردارند یا خیر؟ جواب این سوال مثبت است. بدین معنا که اکثر شبکه های سازمانی پس از تولد و رشد و انجام برخی فعالیت ها به مرور به دوران رکود و پایان زندگی نزدیک می شوند. دلایل این امر معمولاً مواردی نظیر موارد ذیل هستند:

- رسیدن به اهداف و پایان مأموریت

شبکه

- تغییر محیطی که شبکه در آن فعالیت

می کند

- متفرق شدن سازمان های عضو شبکه

- اهداف بسیار بزرگ و کلی و یا ابهام آمیز شبکه که دست نیافتنی بوده اند

- ساختار خیلی رسمی شبکه

- تضعیف اعتماد در بین اعضا

البته خاطرنشان می کنیم که طول عمر شبکه ها متفاوت است. برای بسیاری از شبکه ها کاملاً منطقی و قابل درک است که پس از محقق شدن اهداف روشن و کوتاه مدت خود پایان فعالیت خود را اعلام کنند. در تعدادی دیگر از شبکه ها اهداف و مأموریت های بزرگی تعریف می شوند که لازمه تحقق آنها بقای طولانی مدت شبکه است. در این قسمت ما به نکاتی خواهیم پرداخت که پایداری شبکه ها را طولانی تر می کند.

ابتدا به مهمترین شاخص ها در پایداری شبکه می پردازیم. ۴ شاخص زیر موارد با اهمیتی هستند که باید مد نظر قرار گیرند:

۱. **مردم سالاری:** مدیریت مردم سالار در پایداری یک شبکه بسیار با اهمیت است.

پایداری شبکه ها عمیقاً به عدالت در روابط و نحوه بکارگیری سازوکارهای

قدرت در شبکه وابسته است. از آنجایی که اعضای شبکه سازمان هایی مستقل

هستند، بهترین تضمین برای اجرایی شدن تصمیمات شبکه اینست که مجریان خود در تصمیم گیری ها دخیل باشند. در شبکه های پایدار شاهد آن هستیم که سازمان های عضو هم در تصمیم گیری و هم در اجرای تصمیمات مشارکت دارند.

**۲. تکثر:** قدرت یک شبکه بیش از هر چیز به وجود تکثر در سازمان های عضو آن مرتبط است. تفاوت هایی که در زمینه های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در اجتماعاتی که سازمان های اجتماع محور در آنجا فعالیت می کنند وجود دارد با اهمیت هستند. در یک شبکه پایدار سازمان های عضو ضمن برخورداری از ارزش های مشترک و یک هدف جمعی، استراتژی های متنوعی را برای ایجاد تغییر بکار می گیرند. یکی از چالش های مهم در شبکه اینست که از این تفاوت ها بطور سازنده و خلاق استفاده کند.

**۳. پویایی:** شبکه های پایدار پویایی را ترغیب می کنند. رهبری شبکه فرایندهای مردم سالارانه داخل شبکه را تقویت می کند و مشارکت مؤثر سازمان های عضو در کار با یکدیگر و هم افزایی را تسهیل می کند. این شبکه پایدار ارتباط بین اعضا را ارتقا می دهد و از اجرای پروژه های نوآورانه استقبال می کند.

**۴. کیفیت:** کیفیت مطلوب ارتباطات درون شبکه ای و همچنین میزان اثربخشی یک شبکه در ایجا تغییر برای سازمان های اجتماع محور و نهایتاً مردم، تمایل به حضور فعالانه سازمان ها در شبکه را بیشتر می کند و پایداری شبکه را به همراه خواهد داشت. در شبکه های مؤثر و کارا تعلق شبکه ای هر یک از سازمان های مستقل عضو بسیار ریشه دار است.

این شاخص ها در ۳ بعد عملکردی شبکه ها جاری می شوند:

- الف) اهداف و استراتژی ها:** به معنای ظرفیت یک شبکه در اینکه بتواند در بین اعضای خود در مورد هدف وجودی و نحوه رسیدن به آن هدف به اجماع برسد.
- ب) سازمان دهی و مدیریت:** که در حقیقت فعالیت هایی هستند که از استراتژی ها استخراج می شوند. به عبارت دیگر فرایندهای سیستماتیک و مستمری که در سطوح مختلف منجر به تغییر می شوند تا هدف نهایی شبکه را محقق سازند. برنامه ها و پروژه های شبکه نمونه هایی از این مواردند. البته در یک شبکه تأکید بیشتر بر فرایند است تا رسیدن به اهداف اختصاصی کمی برنامه ها و پروژه ها. فرایندی که ارتباط سنگ بنای آنست. نکته دیگر آنکه در این سازمان دهی و مدیریت به استقلال سازمان های عضو بسیار توجه می شود و فعالیت های محله ای سازمان های اجتماع محور و تغییرات حاصله اساساً مسئولیت هر یک از اعضای شبکه است.



| مبانی مشارکت اجتماعی                                                                                                                        |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |                                                                                                                                                                                                                                                                      |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| اهداف و استراتژی ها                                                                                                                         | سازمان دهی و مدیریت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         | رهبری و مشارکت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | نقدها                                                                                                                                                                                                                                                                |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>● چشم انداز و مأموریت برای همه اعضا روشن است.</li> <li>● اعضا به شبکه احساس تعلق می کنند.</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>● همه اعضا در اجرای فعالیت ها مشارکت دارند.</li> <li>● همه اعضا عادلانه از منابع شبکه و اعتبار و انتشار آن بهره مند می شوند.</li> <li>● ساختار شبکه سلسله امراتی نیست. در صورت وجود مرکزیت، مراحل دوران گذار و زمان بندی برای طی آن مراحل روشن است.</li> </ul>                                                                                                                       | <ul style="list-style-type: none"> <li>● فرایند تصمیم گیری عادلانه و اثر بخش است.</li> <li>● مشارکت داوطلبانه است.</li> <li>● مکانیسم چرخشی عادلانه ای در مسئولیت پذیری وجود دارد.</li> <li>● مکانیسم هایی برای پیشگیری از "تفادد منافع" موجودند.</li> </ul>                                                                                                                                              | <ul style="list-style-type: none"> <li>● الویت با «انجام کار» است</li> <li>● رسیدن به اهداف بی گیری می شود، از فرصت ها استفاده می شود، موانع برداشته می شوند؛ اما اصول بنیادین در این مسیر حفظ می شوند.</li> <li>● شبکه از تجارب می آموزد.</li> </ul>                |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>● انعکاس دیدگاه همه اعضا در استراتژی های کلان شبکه بارز است.</li> </ul>                              | <ul style="list-style-type: none"> <li>● برخورداری از گستره بیشتر آرا و عقاید سازمان های عضو فعالیت های شبکه امتیاز تلقی می شود.</li> <li>● آنچه اهمیت زیادی دارد "اعتماد سازی" است.</li> <li>● برای شبکه تکرر منابع مالی و انسانی وجود دارد تا وابستگی ایجاد نشود.</li> </ul>                                                                                                                                              | <ul style="list-style-type: none"> <li>● اعضا آغازگری می کنند و برای توسعه شبکه بطور مؤثری فعالیت می کنند.</li> <li>● هماهنگی بین اعضا بطور مستمر و مؤثری بی گیری می شود.</li> <li>● هماهنگی با سایر شبکه ها در انجام فعالیت های مشترک بطور مؤثری بی گیری می شود.</li> <li>● تمام اعضا در رسیدن به نتیجه مشارکت می کنند و از نتایج بهره مند می شوند. اثر تجمعی فعالیت های سازمان ها وجود دارد.</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>● یک هویت روشن سازمانی وجود دارد که به وضوح برای سازمان های عضو و همچنین محیط بیرونی قابل درک است.</li> <li>● تغییرات اجتماعی مورد نظر شبکه به روشنی تعریف شده اند و استراتژی های شبکه متناسب با آن تنظیم شده اند.</li> </ul> |
|                                                                                                                                             | <ul style="list-style-type: none"> <li>● کار، برنامه ریزی و نظارت و ارزشیابی می شود.</li> <li>● به ارزش های بنیادین شبکه بها داده می شود.</li> <li>● عملکرد مالی شفاف و استراتژی های مالی بخوبی بی گیری می شوند.</li> <li>● ارتباطات داخلی بطور مؤثری انجام می شود.</li> <li>● شبکه مستقل است. خودش فکر می کند، تصمیم می گیرد و راه را را تعریف می کند.</li> <li>● شبکه آموخته هايش را در خلاقیت ها بروز می دهد.</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>● روند عضویت فعال است. اعضا تا جایی که مایلند مشارکت می کنند و به میزان مشارکتشان توجه می شود.</li> <li>● تعارضات حل می شوند.</li> <li>● تعهد اعضا به شبکه به مرور بیشتر می شود.</li> <li>● شبکه بطور مؤثری با دیگر فعالان در عرصه بهبود وضعیت اجتماعی گفتگو و مذاکره می کند.</li> <li>● کدهای اخلاقی مستند شده اند و به دقت اجرا و نظارت می شوند.</li> </ul>      |                                                                                                                                                                                                                                                                      |

بطور خلاصه و در یک نگاه کلی تر موارد زیر را برای پایداری شبکه ها پیشنهاد می شود:

**پاسخ به یک نیاز:** سازمان های عضو به شرطی در یک شبکه می مانند که شبکه پاسخگوی نیازی باشد که خیلی از سازمان های عضو شبکه حس می کنند. در حقیقت یکی از عوامل پایداری شبکه توجه به انرژی و دینامیسم درون شبکه ای است که منشأ خود را از نیازهای اعضاء شبکه کسب می کند.

**ریشه مشترک:** ریشه مشترک و دغدغه مشابه سازمان ها را کنار یکدیگر نگاه می دارد. این موضوع باعث می شود که سازمان ها در برقراری ارتباط شبکه ای از درک بهتری از یکدیگر برخوردار شوند و همچنین بتوانند حمایت بهتری از یکدیگر به عمل آورند. ریشه مشترک انسجام شبکه را به همراه خواهد داشت که شبکه را در برابر تغییرات محیطی مقاوم تر می سازد.

**تداوم بخشیدن به اعتماد و احترام در میان سازمان های متکثر و مستقل:** سازمان های عضو شبکه مایلند که از حضور در شبکه احساس رضایت کنند، در آن احساس امنیت کرده و با منشاء وجودی آن احساس همبستگی کنند. احترام به تکرر دیدگاه ها، ارزش های سازمانی و استقلال هر سازمان از موارد با اهمیت در ایجاد فضای مناسب درون شبکه ای است. وجود این باور در میان اعضا شبکه ضروری است که «پذیرش تکرر کیفیت تصمیمات اتخاذ شده را بهبود می بخشد».

**اطمینان از شفافیت و پاسخ گوئی:** شبکه ای پایدارتر خواهد بود که از مکانیسم ها و فرایندهای مناسبی برای تحقق بخشیدن به شفافیت و پاسخ گوئی برخوردار باشد. این موضوع هم در تحکیم ارتباطات درون شبکه ای و هم در تعامل با محیط بیرونی شبکه حائز اهمیت است.

**دسترسی عادلانه به اطلاعات:** دسترسی به اطلاعات و تسهیم عادلانه آن مشارکت را تشویق می کند و همبستگی را افزایش می دهد. تعامل و جریان مستمر اطلاعات علاقمندی به فعالیت شبکه ای را تداوم می بخشد.

**قدرت حل تعارضات و اختلافات:** در شبکه های پایدار فرایندهایی موجودند تا در مورد تفاوت ها و اختلافات آزادانه بحث شود و نقاط مشترک دیده شده و تفاهم حاصل آید. همچنین اعضای شبکه برای برخورد مناسب در هنگام بروز تعارضات با محیط بیرونی آمادگی دارند.

## منابع مورد استفاده و منابع برای مطالعه بیشتر

- ایران زاده، دکتر سلیمان/ جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان/مرکز آموزش مدیریت دولتی/ تبریز/ ۱۳۸۰
- اعتمادی، دکتر حسین/ نشریه پیام پیشگیری/ سال چهارم شماره ۵/ شهریور ۱۳۷۸
- احترامی، دکتر مهرداد/ سازمان اجتماعی پایدار درمقیاس محله ای/ دفتر پیشگیری و امور اعتیاد سازمان بهزیستی کشور/ تهران/ ۱۳۸۳
- احترامی، دکتر مهرداد/ اجتماع مقتدر/ دفتر پیشگیری و امور اعتیاد سازمان بهزیستی کشور/ تهران/ ۱۳۸۴
- احترامی، مهرداد/ اجتماع کوچک به عنوان سیستم پویا/ دفتر پیشگیری و امور اعتیاد، سازمان بهزیستی کشور/ تهران/ ۱۳۸۲
- امیر احمدی، هوشنگ/ جامعه مدنی/ تهران/ ۱۳۸۱
- امینی، فرهاد / مشکلات سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی در ایران، بخش نخست/ فصلنامه صلح سبز شماره هفتم/ پائیز ۱۳۸۰
- امینی، فرهاد / مشکلات سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی در ایران، بخش دوم/ فصلنامه صلح سبز شماره هشتم و نهم/ بهار ۱۳۸۱
- بهشتی، مرتضی / موانع و محدودیت‌های ارتباط تشکلهای مردمی با دولت / مجموعه مقالات ارتباط تشکلهای داوطلبانه مردمی با دولت / انتشارات سلمان/ تهران/ ۱۳۸۲
- پوپر، کارل ریموند/ جامعه باز و دشمنان آن / ترجمه عزت الله فولادوند/ انتشارات خوارزمی / تهران ۱۳۷۷
- پیران پرویز / شوراهاماشین تخریب حکومت نیستند/ روزنامه صبح امروز/ شماره ۱۰ / ۳۹ بهمن ۱۳۷۷
- پیروزنیا، مهدی/ سازمان‌های غیردولتی/ نشریه الکترونیکی فصل نو ۱۳۸۴ / [www.fasleno.com/archives](http://www.fasleno.com/archives)
- پیر نظر، مریم/ جامعه مدنی چیست؟ ( تاریخچه، مفهوم، و کارکرد آن در کشورهای جهان) / نشر و پژوهش فرزانه روز / تهران/ ۱۳۷۹
- تاجبخش، کیان/ سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه/ ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان/ نشر شیرازه/ تهران/ ۱۳۸۵
- جهانبگلو، رامین/ بین گذشته و حال/ نشر نی/ تهران/ ۱۳۸۴
- جهانبگلو، رامین/ مدرنیته، دموکراسی و روشنفکران/ نشر مرکز/ تهران/ ۱۳۷۴
- جانسون، گلن / اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن/ ترجمه محمد جعفر پوینده / نشر نی/ تهران/ ۱۳۷۷
- جوران، جوزف/ هندبوک جوران، راهنمای مرجع کیفیت، جلد اول/ مترجمین:

- سعید، مهدوی و فرزین انتصاریان/ انتشارات کیفیت و مدیریت/ تهران / ۱۳۸۵
- چالما شانکاریا و مورتیس \_پیتز / مشارکت برای نجات زمین / ترجمه دکترسید احمد خاتون آبادی ومهندس غلامرضانادری بنا/ انتشارات دانشگاه/ تهران ۱۳۸۳
- چلبی، مسعود/جامعه شناسی نظم/نشر نی / تهران/۱۳۸۶
- چاندوک، نیرا/ جامعه مدنی و دولت/ ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی/نشر مرکز/ تهران / ۱۳۷۷
- خزائی پارسا،فاطمه/سازمان های غیر دولتی،توسعه و پایداری سازمانی/ سازمان بهزیستی کشور/ معاونت امور فرهنگی و پیشگیری/تهران/ ۱۳۸۳ )
- دفت، ریچارد ال/ تئوری و طراحی سازمان/ ترجمه دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی/دفتر پژوهش های فرهنگی/تهران / ۱۳۷۷
- دیلمی، فریبا/ مشارکت ناتمام/ گزارش کارگاه پیشرفته اجتماع محور / موسسه ارتقاء سلامت ایرانیان
- دورکیم، امیل/درباره تقسیم کار اجتماعی/ترجمه باقر پرهام/ نشر مرکز/ تهران/ ۱۳۸۷
- دیلینی، نظریه های کلاسیک جامعه شناسی/ ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی/نشر نی / تهران/۱۳۸۷
- ایکاف/ راسل، بازآفرینی سازمان/ مترجمین: تقی ناصر شریعتی و دکتر سیاوش مزیدی/ انتشارات سازمان مدیریت صنعتی/ تهران / ۱۳۸۴
- رنانی، محسن/کاهش سرمایه اجتماعی و ناکامی سیاست های اقتصادی در ایران/ ماهنامه آیین شماره ۶/اسفند ۱۳۸۵
- زارعی، ایوب / لزوم تدوین قانون جامع ناظر بر فعالیت سازمان های غیر دولتی / مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی معاونت پژوهشی / ۱۳۸۱
- زیبا کلام،صادق/ ما چگونه ما شدیم؟/ انتشارات روزنه / تهران/ ۱۳۷۷
- - سام آرام، عزت الله/روش های تسهیل در کارگروهی،ویژه سازمان های غیردولتی/ موسسه تحقیقات بازتوانی و بهبود زندگی زنان وبه سفارش دفترمشارکت زنان / تهران. ۱۳۸۳
- سعید،پدرام/توفیق و ناکامی سازمان های غیر دولتی در تکوین مردم سالاری / مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهشی/ ۱۳۸۱
- سعیدی، محمد رضا/ درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیر دولتی/ انتشارات سمت/ تهران/ ۱۳۸۲ )
- سن، آمارتیا / توسعه به مثابه آزادی/ مترجم: حسین راغفر/ انتشارات کویر/ تهران ۱۳۸۱
- شمسایی، ابراهیم/ ترویج و فرایند توسعه سازمان های غیر دولتی / همایش ملی ظرفیت سازی تشکلهای غیر دولتی/ ۱۳۸۲

- فورسایت، دانلسون آر/ پویایی گروه/ ترجمه مهرداد فیروزبخت و دکتر منصور قنادان/ موسسه خدمات فرهنگی رسا/ تهران/ ۱۳۸۱
- قبادی، شهلا/ سیستم داینامیک/ انتشارات سازمان مدیریت صنعتی/ تهران / ۱۳۸۵
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران/ گردآورنده ناصر رسایی نیا/ نشر سمن/ تهران ۱۳۷۹
- کاستلز، مانوئل /عصر اطلاعات \_جلد دوم /ترجمه حسن چاووشیان /انتشارات طرح نو / تهران ۱۳۷۸
- کورمن، ک، آبراهام/ روانشناسی صنعتی و سازمانی/ مترجم: دکتر حسین شکر شکن / انتشارات رشد/ تهران/ ۱۳۷۶
- لنسکی، گرهاردولنسکی، جین /سیر جوامع بشری / ترجمه دکتر ناصر موفقیان / سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی / تهران ۱۳۶۹
- ماکارو، دیوید/ رفاه اجتماعی، ساختار و عملکرد/ ترجمه دکتر محمد جغتایی و فریده همتی/ دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی/ تهران ۱۳۷۸
- مک لگان پاتریشیاونل کریستوفر / عصر مشارکت / ترجمه مصطفی اسلامی / دفتر پژوهش‌های فرهنگی / تهران ۱۳۸۰
- میر بیگی، مریم/ اجتماع کوچک چیست؟/ معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی کشور/ تهران ۱۳۸۵
- موسوی، پدram /جزوه آموزشی مدیریت نیروی داوطلب/ موسسه کنشگران داوطلب/ ۱۳۸۴
- ملکوتی نژاد، احترام/ راهنمای کامل مدیریت غیر انتفاعی/ موسسه اسمیت بوکلین و شرکاء/ آسایشگاه خیریه کهریزک، گروه بانوان نیکوکار/ تهران/ ۱۳۸۴
- معطری، سیامک و رستگار، لیلا و رحمانی، شهریار/ تعامل دولت و سازمان‌های غیر دولتی/ فصلنامه صلح سبز / ۱۳۸۰
- موسسه کارورزی سازمان‌های غیردولتی، مجموعه جزوات آموزشی در کارگاه شبکه‌سازی، ۱۳۸۲
- مینتز برگ، هنری/ سازمان دهی، پنج الگوی کارساز/ ترجمه ابوالحسن فقیهی و حسین وزیری سابق/ مرکز آموزش مدیریت دولتی/ تهران/ ۱۳۷۱
- میچل، ترنس آر/ مردم در سازمان ها، زمینه رفتار سازمانی/ ترجمه دمتر حسین شکرکن/ انتشارات رشد/ تهران/ ۱۳۸۳
- نمازی، باقر / بررسی وضعیت سازمان‌های غیر دولتی ایران/ نشست تشکل‌های مردمی / مشهد / ۱۳۸۰
- وطن پرست، ابوالفضل / گزارش پیشرفت طرح آموزشی آشنایی کارشناسان کاهش تقاضا با سازمان‌های غیر دولتی / موسسه آموزشی و پژوهشی داریوش/ ۱۳۸۵

- وطن پرست، ابوالفضل / درباره تشکل های غیردولتی / [www.greenfront.org](http://www.greenfront.org) / ۱۳۸۳
- وطن پرست ، ابوالفضل و آیینہ چیان ، علیرضا و یزدانی ، نسترن / نقش سازمان های غیر دولتی در برنامه های مدیریت بحران / اولین کنفرانس بین المللی مدیریت بحران در حوادث/ تهران / ۱۳۸۴
- یاسپرس، کارل / آغاز وانجام تاریخ / ترجمه محمد حسن لطفی / انتشارات خوارزمی / تهران ۱۳۷۳
- Barbara Boyd et all, Networking for Policy Change An Advocacy Training Manual/1999
- Davies & Lee/ NETWORK CAPACITY ANALYSIS, Rapid assessment guide/2007
- Easterling, Douglas V & Gallagher, kala M & Lodwick, dora G/ Promoting health at the community level/ Sage publications/ california/ 2003
- Edward. Michael and Fowler. Alan / The Earthscan Reader on NGO Management / Earthscan Publication / London/ 2002
- Fukuyama, Francis, Trust: the social virtue and creation of prosperity( newyork : free press, 1995
- Frank, Flo and Smith, Anne/ THE COMMUNITY DEVELOPMENT HANDBOOK: A TOOL TO BUILD COMMUNITY CAPACITY/ Human Resources Development Canada
- Giddens, Anthony/ capitalism and modern society theory/ Cambridge university press/ Cambridge/ 1977
- [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)
- Stangor, charles/ social groups in action and intraction/ psychology press/ 2002
- Merill, Mary V./ developing volunteer job descriptions/ [www.volunteerweb.org](http://www.volunteerweb.org) / 2005
- Merill, Mary/ recognizing volunteers / [www.volunteerweb.org](http://www.volunteerweb.org)/ 2005
- Pact Tanzania, Building and Maintaining Networks and Coalitions , 2005
- Putnam, Robert D/ Making Democracy Work/ Princeton, Newjersey/ Princeton University Press/ 1993
- Twelvetreets, Alan/ community work / third edition / community development Foundation/ Palgrave/, 2002
- Swaans k, Broerse J E W, Salomon M, Mudhara , Mweli M, Bunders J F G / The Farmer Life School: experience from an innovative approach to HIV education among farmers in South Africa/ Journal of



Social Aspects of HIV/AIDS /VOL. 5 NO. 2 JULY/ 2008

- United Nations / Partner in rural poverty/alleviation NGO cooperation/  
/New York/ 1992
- Urs Karl Egger, gtz, Work the net, A management guide for formal  
networks, 2006
- Volunteer Canada/ the Canadian code for volunteer involvement /  
[www.volunteer.ca/ resource/](http://www.volunteer.ca/resource/) 2006







